

۵

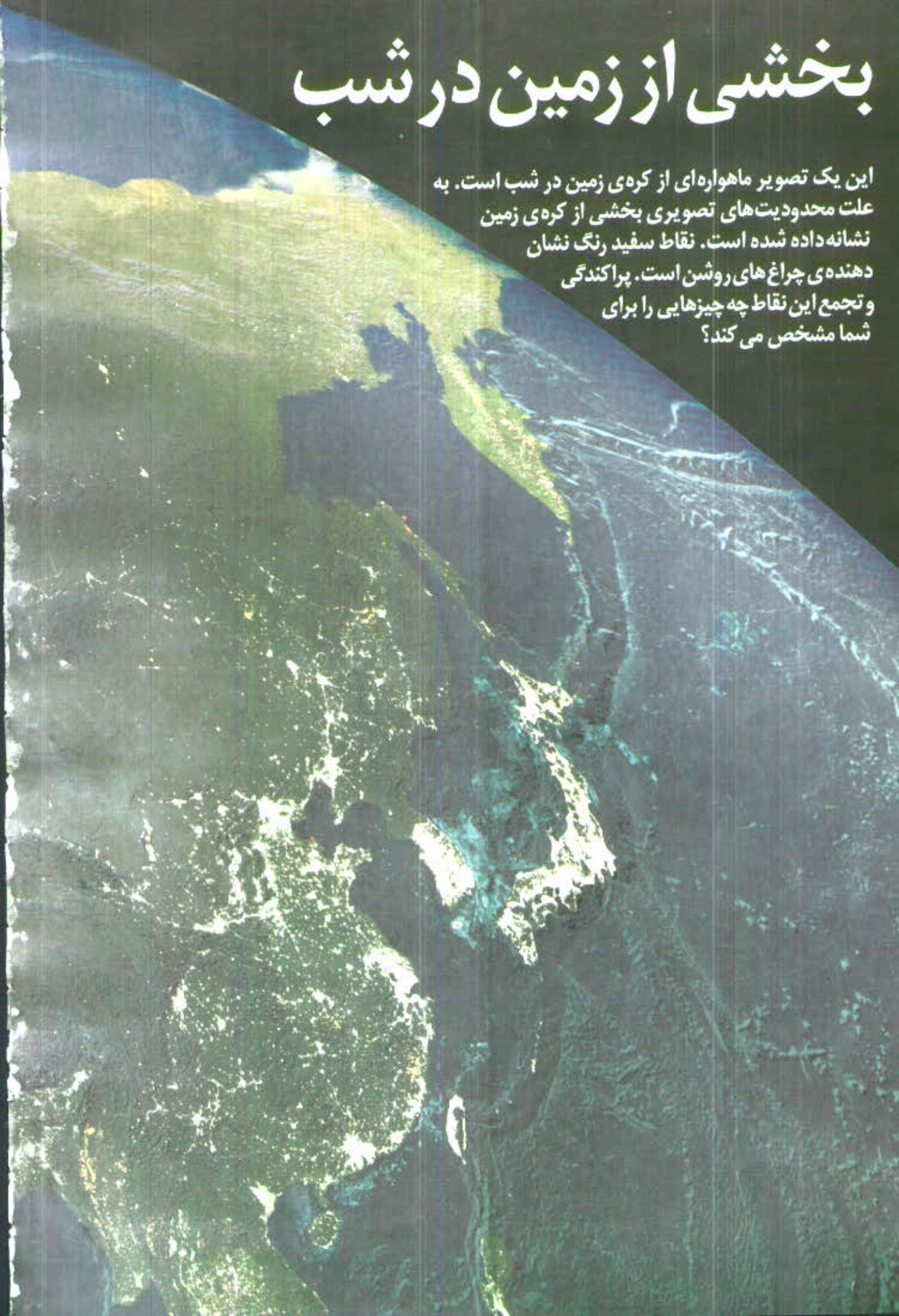
# رشد آموزش و پرورش

آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی  
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان  
آموزش و پرورش

- انقلاب اسلامی و حماسه‌ی عاشورا
- همدلی
- الگوی تدریس ۵E
- بازی‌های رایانه‌ای و آموزش ریاضی

# بخشی از زمین در شب

این یک تصویر ماهواره‌ای از کره‌ی زمین در شب است. به علت محدودیت‌های تصویری بخشی از کره‌ی زمین نشانه داده شده است. نقاط سفید رنگ نشان دهنده‌ی چراغ‌های روشن است. پراکندگی و تجمع این نقاط چه چیزهایی را برای شما مشخص می‌کند؟



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

- یادداشت سردبیر
- ثبت تجربه‌ها / ۲
- انقلاب اسلامی و حماسه‌ی عاشورا / دکتر عمادالدین قیاض / ۳
- فرصت دانایی
- حق دارم؟ / مهدی مروجی - فاطمه رضائی / ۴

- از هم یاد بگیریم
- فناوری و یادگیری عمیق / انسیه صدق / ۷
- همدلی / منصور ملک عباسی / ۱۰
- بازی‌های رایانه‌ای و آموزش ریاضی / فاطمه واحدیان / ۱۲

- گفت‌وگو
- برای فردایی بهتر / انیس خوش‌لهجه / ۱۵

- کوجه‌های بلوغ
- ویژگی‌های رفتاری / سیدعلی محمودی / ۱۸
- مشکلات هیجانی / ابراهیم اصلانی / ۲۰
- بلوغ و تغییرات بدنی / محمدتقی اختیاری / ۲۲
- احترام به شخصیت دانش‌آموزان / شاکر احمدی‌زاده / ۲۴

- کوجه‌های آگاهی
- نمره‌ای برای آزمون‌سازی من! / علاء نوری / ۲۶
- اهداف برنامه‌ی درسی / حسین الوندی / ۳۰
- ۵۰۱ نکته برای معلمان / وحیدرضا نعیمی - مرتضی مجدفر / ۳۳
- طرح سوالات امتحانی / حمید ملک / ۳۷
- فرایند انجام تکلیف / علی توکلی‌بینا / ۴۰
- الگوی تدریس ۵E / زهرا حریرفروش - مهرناز صادقی / ۴۲

- گوناگون
- فرشته‌ی بیکار / سهیلا ورجه / ۴۳
- بازی‌های رایانه‌ای / زهره بندی / ۴۴

- با خاطر دوست
- یک تجربه / زری سادات موسوی / ۴۶
- نامه‌های رسیده / ۴۸

ششماهنامه  
راهنمای  
روشن

آموزش - نظری - اطلاع‌رسانی  
برای دبیران، دانشجویمان و کارشناسان آموزش و پرورش

- دوره‌ی سیزدهم
- بهمن ۱۳۸۶
- شماره‌ی بی در بی ۶۳
- ISSN: 1606-9226

- مدیرمسئول: علیرضا حاجیان‌زاده
- سردبیر: خسرو داودی
- مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
- ویراستار: لعیا عروجی
- طراح گرافیک: پریسا سُنْدُسی
- (زیر نظر شورای برنامه‌ریزی)
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)
- شمارگان: ۳۵۰۰۰
- نشانی پستی مجله:

- تهران - صندوق پستی ۱۷۹-۱۶۵۹۵
- تلفن دفتر مجله: ۸۸۳۳۳۷۵۵
- پیام‌گیر تشریفات رشد:
- ۸۸۳۲۰۱۳-۸۸۳۲۹۳۳۲
- مدیر مسئول: ۱۰۲
- امور مشترکین: ۱۱۴
- نشانی پستی امور مشترکین:

تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱  
• Email: rahnamayi@roshdmag.ir

- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، از تمامی دبیران محترم و مدیران مدارس راهنمایی دعوت به همکاری می‌کند.
- مجله در حکم و اصلاح مقالات آزاد است.
- مقالات رسیده بازگردانده نمی‌شود.



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

## ثبت تجربه‌ها

در شماره‌ی قبل، در مورد انتقال تجربه‌ی مختصری توضیح داده شد. تقریباً تمام معلمان معتقدند، می‌توانند از تجربیات هم استفاده کنند. انتقال سببه به سببه، در رنگ‌های تفریح یا شوراهای معلمان تا حدی اتفاق می‌افتد. به‌طور معمول، معلمان تمایل دارند، خاطرات و یا تجربه‌های خود را برای دیگران تعریف کنند، ولی نوشتن و ثبت آن برایشان دشوار است و به این کار رغبتی نشان نمی‌دهند. در ندم محلات رشد و پیشه‌ای معلمان و مدیران مدارس، بخش برای طرح خاطرات یا تجربه‌های معلمی اختصاص داده شده است. سردبیران مجله‌ها نیز از معلمان برای پرریز کردن این قسمت دعوت به همکاری می‌کنند. اما تعداد نامه‌های رسیده به تست تعداد شمارگان و معلمان ناچیز است. تعداد کمی از مطالبی که تا همین موضوع دریافت می‌شود، قابل قبول است و می‌توان با تغییرات اندک آن‌ها را در مجله چاپ کرد.

درخصوص انتخاب مطالب، دو مشکل عمده وجود دارد: اول آن‌که نگارش تعدادی از مطالب، صنعت مطلوبی ندارد. نکات دستوری و حتی املائی رعایت نشده است و نحوه‌ی ورود به مطلب، تشریح و توصیف موقعیت‌ها و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری انسجام لازم را ندارد. اما مشکل دوم، به مقالاتی مربوط می‌شود که نه‌جای پرداختن به اصل موضوع، حواشی و مطالب حسی را پررنگ می‌کنند. به طوری که نکته‌ی آموزشی یا تربیتی مورد نظر فراموش و یا گم‌گشته می‌شود. نگارنده‌ی این گونه مطالب برای آن‌که به مقاله‌ی خود شکل علمی و فنی بدهد، ناآشنا با تخصص‌ها و تئوری‌ها از کتاب یا مقالات علمی، صرفاً به حجم صفحات می‌افزاید. برای مثال، وقتی می‌خواهد تجربه‌ی خود را از فراهم آوردن فرصتی برای بروز خلاقیت دانش‌آموزان بیان کند، خلاصه‌ای از تعریف‌های خلاقیت، پرورش تفکر خلاق، آموزش، خلاقیت و... را مسامع گوناگون ارائه می‌دهد و در آخر اشاره‌ای کوتاه به تجربه‌ی خود و نحوه‌ی ارائه‌ی فعالیت در کلاس درس می‌کند. در حالی که اگر بگویم، تجربه‌ی کار خود را به صورت ساده، روان و قابل فهم در یک یا دو صفحه بنویسد و برای مجله ارسال کند، بیشتر قابل استفاده است و به همکاری و پرستار مجله، نکات دستوری و انشایی قابل تغییر و باربری خواهند بود.

همان‌طور که ذکر شد، گفتن و تعریف کردن راحت‌تر از نوشتن است. به معلمان که علاقه‌مندند تجربه‌های خود را مکتوب کنند پیشنهاد می‌کنیم، خاطره یا روش‌های تجربی خود را بیان دارند و به‌صورت سبب پیاده‌کردن آن‌ها، کار نوشتن را آغاز کنند. مطمئن باشید که این روش خوبی برای نوشتن روش‌ها و تجربه‌های معلمی است. امتحان کنید.

سردبیر

# حکاسی انقلاب اسلامی و عاشورا

دکتر عمادالدین فیاضی

شعار «خون بر شمشیر پیروز است»، یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی ایران و نشان‌دهنده‌ی الگوبرداری انقلاب اسلامی ایران از «نهضت عاشورای حسینی» است. تکیه بر مکتب تشیع و اندیشه‌های اسلام، احیای حقوق محرومان، مظلومان و مستضعفان، و کاشتن بذر امید در دل آزادگان جهان، از جمله آرمان‌های بلند انقلاب ایران هستند.

ارتباط انقلاب اسلامی با نهضت عاشورایی به دلیل تقارن روزهای به یادماندنی پیروزی انقلاب اسلامی و ماه محرم تداعی بیشتری پیدامی‌کند. انقلاب اسلامی ایران هم چون نهضت امام حسین (ع)، عظیم و همه‌جانبه بود. به عبارت دیگر، این تحول تاریخی را می‌توان تداوم نهضت عاشورا و احیای اسلام روشنفکری و انقلابی پس از چهارده قرن تلقی کرد.

همان‌طور که نهضت امام حسین (ع) به عنوان یک حرکت فرهنگی، ابتدا انسان‌ها را از درون متحول کرد و پس از آن به تحولات بیرونی منجر شد، انقلاب اسلامی ایران نیز ابتدا اندیشه‌ها و ذهن‌ها را متحول ساخت و سپس نظام سیاسی کشور را دست‌خوش تحول کرد و مردم را از استبداد درونی و بیرونی رها کرد.

«واقعه‌ی کربلا»، گرچه از نظر زمانی کوتاه بود و تنها یک روز از صبح تا عصر به طول انجامید، اما لحظه لحظه‌ی آن درمی‌شهرت، ایثار و فداکاری، ایمان، اعتقاد و اخلاص بود. این واقعه، دانشگاهی است که از طفل شیرخوار گرفته تا پیر مرد سید مویس به بشریت درس آزادی و حریت می‌آموزد. خون مطهر امام حسین (ع) و یارانش به اسلام حیات تازه بخشید و تا همیشه تاریخ الهام‌بخش آزادگان جهان خواهد بود.

به گفته‌ی دکتر علی شریعتی، «شهید، قلب تاریخ است، هم‌چنان که قلب به رگ‌های خشک اندام، خون، حیات و زندگی می‌دهد، جامعه‌ای که رو به مردن می‌رود، جامعه‌ای که فرزندانش ایمان خویش را به خویش، از دست داده‌اند و جامعه‌ای که به مرگ تدریجی گرفتار است، جامعه‌ای که تسلیم رانمکین کرده است، جامعه‌ای که احساس مسئولیت را از یاد برده است و جامعه‌ای که اعتقاد به انسان بودن را در خود باخته است و تاریخی که از حیات و جنبش و حرکت و زایش بلافاصله است، شهید هم چون قلبی، به اندام‌های خشک مرده می‌رقت این جامعه، خون خویش را می‌رساند و بزرگترین معجزه‌ی شهادتش این است که به یک نسل، ایمان جدید به خویشتن را می‌بخشد. شهید حاضر است و همیشه جاوید، کی غایب است؟» [دکتر علی شریعتی، ۱۳۵۰، ۸۶]

و به یاد آوریم که با الهام از یاد و خاطره شهیدای گران‌قدر کربلای مطهر بود که مردم مسلمان و شیفته‌ی خاندان عصمت و طهارت، با دست‌خالی به مبارزه با رژیم پهلوی پرداختند. و به یاد آوریم، تظاهرات پر شور مردمی در اعتراض به رژیم پهلوی را در محرم سال ۱۳۵۷ و در روز عاشورای حسینی (ع) که با الهام از حماسه‌ی عظیم حسینی (ع) صورت گرفت.

به حق می‌توان گفت، مفاهیمی که در حماسه‌ی حسینی (ع) و واقعه‌ی کربلا وجود داشتند، در واپسین ماه‌ها و روزهای سال ۵۷ از تأثیرگذارترین مفاهیمی بودند که تنور مبارزه با رژیم پهلوی را بیش از هر چیز دیگری گرمی و حرارت بخشید و زمینه‌ساز سرنگونی دودمان پهلوی را فراهم آورد.

منبع: دکتر علی شهادت. سازمان انتشارات حسیه‌ی ارشاد. اسفند ۱۳۵۰.

# حق داریم!

عبیت کردن

مهدی مروجی - فاطمه رمضان

پیش درآمد

«...و لا یحب بعضکم بعضاً ایح احکم ان پاکل لحم اخیه  
یتافکر هتموه و اتقوا الله ان الله نواب الرحیم» [حجرات / ۱۲].

بررسی سیرنوشت نظام‌های اجتماعی این واقعت را  
آشکار می‌سازد که یکی از موارد ضروری برای بقای  
واحدهای اجتماعی که از آن به عنوان جامعه یاد می‌کند، تأمین  
امنیت نه ویژه در حوزه‌ی روانی آن است. امنیت بستر لازم  
برای لذت بردن از زندگی است [پسندیده، ۱۳۸۶: ۱۷۳]،  
و بدون امنیت، زندگی جلوه‌ای زیبا ندارد. زیر آشرینی آن  
به وسیله‌ی تلخی نرس از بین می‌رود [پیشین].

قرآن کریم هم در سوره‌ی حجرات، ضمن بیان  
معیارهایی که پایداری امنیت جامعه‌ی انبی در صیانت و  
به‌کارگیری آن‌هاست و پس از اشاره به وظایف مسلمانان  
در باره‌ی چگونگی تعاملات، با تعبیراتی گویا و صریح،  
عبیت، استهزا، بدگمانی، تجسس، و نسبت دادن القاب  
زشت رانتهی می‌کند و آن‌ها را عواملی می‌نامد که سرمایه‌ی  
اعتماد را از بین می‌برند و یا سلب امنیت جامعه، پایه‌های  
تعاون و همکاری را متزلزل می‌سازند.

جالب این‌که در سوره‌ی یاد شده، با تعبیر *الانتم و  
انفسکم*، به وحدت و یکپارچگی مؤمنان اشاره و اعلام  
می‌شود که همه‌ی مؤمنان، به منزله‌ی نفس واحدی هستند و  
اگر از دیگری عیب‌جویی کنند، در واقع از خودشان  
عیب‌جویی کرده‌اند! [مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۸۰].

از آن‌جا که درباره‌ی هیچ‌گانه‌ی در قرآن این نوع تعبیر  
(خوردن گوشت برادر مرده) به کار نرفته است، با نگاهی  
هر چند کوتاه این مفهوم را بررسی می‌کنیم.

## ۱. مفهوم عبیت

الف) عبیت چنان‌که از اسمش پیداست، یعنی در عیب‌گویی  
سخنی گویند، ولی سخنی که عیبی از عیوب او را فاش سازد؛  
حوادث این عیب احتمالی باشد، یا اخلاقی، در افعال او باشد یا در  
سخنش، و حتی در امور شخصی او باشد، مانند: لباس، خانه،  
همسر و فرزندان [مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۱۹۲].

ب) ذکر انسان در حال غایب بودنش به چیزی که  
خوشایندش نیست و نسبت دادن او به اموری که نژد عرف  
پسندیده نیست، به قصد انتقام و مذمت او [امام  
خمینی (ره)، ۱۳۷۱: ۳۰۱].

ج) آگاهی دادن به چیزی که چسب باشد [پیشین].  
د) کلمه‌ی عبیت به طوری که در «مجمع السیال» آمده،  
عبارت است از بیان عیب کسی که در عیب او، به طوری که  
حکمت و وجدان بیدار، تو را از آن نهی کند [فناطی،  
۱۳۶۷: ج ۱۸، ۴۸۴].

## ۲. اقسام عبیت

الف) گفتاری: مشهورترین نوع عبیت است. به این  
صورت که به زبان، عیب برادر یا خواهرت را فاش سازی  
چنان‌که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «بارگویی برادر خود  
راه صفتی که او را ناخوش آید، عرض شد: «یا رسول  
الله! اگر آن صفت با او باشد هم عبیت است؟» فرمود: «اگر  
باشد عبیت است و اگر نباشد نهان است.» [تراقی، بی‌تا،  
۲۰۴].

ب) کرداری: با نمایش و اشارات عیب کسی را به  
تصویر کشاندن.

ج) نوشتاری: مذمت و استهزای مؤمن با قلم، به صورت  
نوشتن مطلب و یا کشیدن تصویری که عیبی از او نمایان سازد  
و موجب بی‌آبرویی او شود.

د) اشاره و ایما: زنی بر عایشه وارد شد. چون برفت،  
عایشه به دست خود اشاره کرد که این کوتاه قدم است. حضرت  
رسول (ص) فرمود: «او را عبیت کردی.»

باید دانست که فرقی در حکم عبیت نیست، اهم آن‌که  
عیب دیگری را به وسیله‌ی زبان فاش کنید، یا به فعل و اشاره  
و به طور صریح بگویید یا به کتابه، به طوری که فهمیده شود.  
و گاهی عبیت به کتابه بدتر است [دستغیب، ۱۳۴۸: ۲۹۵].  
«اربا و نفاق: مثل این که بگویی فلانی چه شخص  
خوبی بود، ولی روزگار او را مثل ما که در دست نطق

خلاصی نیافت. یا این که از راه نفاق، غم و اندوه خود را بر حال آن شخص با این تعبیر اظهار کنی: چه قدر غصه خوردم و دلم سوخت به حال فلانی که به خاطر فلان عمل بی آبرو شد!

و) خلقی یا نقص عضو: بازگو کردن نقصی از مؤمن که مردم از آن مطلع نباشند نیز در حکم غیبت است، مثلاً بگویی که فلانی «متکبر» یا «کبر» است.

### ۳. تبیین تحریم غیبت

در جمله‌ی «ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکر هتموه»، ضمن بیان مثال به این حقیقت اشاره شده است که غیبت کردن مؤمن، به منزله‌ی آن است که انسانی گوشت برادر خود را بخورد، در حالی که او مرده است. حال چرا فرمود: «گوشت برادرش؟» برای این که مؤمن برادر اوست، و افراد جامعه‌ی اسلامی از مؤمنین تشکیل یافته‌اند و خدای تعالی فرموده است: «انما المؤمنون اخوة».

و سؤال دیگر این که چرا او را مرده خواند؟ برای این که آن مؤمن، بی‌خبر از این است که دارند از او غیبت می‌کنند. این که فرمود: «فکر هتموه» و فرمود: «فکر هونه»، اشاره به این نکته دارد که کراهت شما، امری است ثابت و محقق، و هیچ شکمی در این نیست که شما هرگز راضی نمی‌شوید گوشت انسانی را بخورید که برادر شما و مرده است. پس همان‌طور که این کار مورد کراهت و نفرت شماست، باید غیبت کردن برادر مؤمنان، و بدگویی پشت سر او نیز مورد نفرت شما باشد. چون این هم در حکم خوردن گوشت برادر مرده‌ی شماست [طباطبایی، ۱۳۶۷، ۴۸۶].

### تحریم غیبت در شرع

غیبت حرام است از هر سن و تراز و مقامی که باشد. «الحکم» شامل کوچک و بزرگ، زن و مرد، مشهور و گمنام، عالم و جاهل می‌شود، مگر فرد کافر باشد. «لحم اخیه» یعنی گوشت برادر، کافر، برادر مسلمان نیست [قرائتی، ۱۳۸۰: ۱۰۵].

امام صادق (ع) می‌فرماید: «الغیبة حرام علی کل مسلم. یعنی غیبت بر هر مسلمانی حرام است...» [تهرانی، ۱۳۸۶: ۳۶].

### تحریم شنیدن غیبت

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «السامع للغیبة احد المغتابین»: گوش کننده‌ی غیبت، یکی از دو نفری است که غیبت می‌کنند [پیشین]. با توجه به فرمایش حضرت، آن که غیبت را می‌شنود، در حکم مغتاب است، مگر توبه کند و یا آن را رد کند.

### ۴. آثار غیبت در ابعاد زندگی انسان

#### الف) بعد دنیوی

امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که به منظور ریختن آبروی مسلمانی سخنی نقل کند تا او را از نظر مردم بیندازد، خداوند او را از ولایت خود خارج می‌کند و به سوی ولایت شیطان می‌فرستد و شیطان هم او را نمی‌پذیرد [امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱: ۳۰۱].

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «تأثیر غیبت در دین مسلمان، از بیماری خوره در جسم او کاری‌تر است.» و باز از رسول اکرم (ص) روایت شده است که می‌فرماید: «کسی که غیبت کند مسلمی را، باطل شود روزه‌ی او و شکسته شود وضوی او. بیاید روز قیامت، در حالی که از دهن او بویی می‌آید که از بوی مردار، گندش بیشتر است... اگر بمیرد، قبل از توبه مرده است؛ در صورتی که حلال شمرده چیزی را که خداوند حرام شمرده است [پیشین].»

#### ب) بعد ایمانی

کسی که غیبت می‌کند، از ولایت خدا خارج می‌شود و در ولایت شیطان وارد می‌شود. معلوم است، کسی که از مسیر حق خارج شود و در مسیر شیطان قرار گیرد، از اهل نجات نخواهد بود، مگر توبه کند.

#### ج) بعد اجتماعی

اسلام ناب محمدی (ص) با توجه به ندای قرآن مجید بر اساس آیه‌ی «انما المؤمنون اخوة»، جامعه‌ی اسلامی را پیکره‌ی واحدی تلقی کرده است که افراد به منزله‌ی اعضا و جوارح آن هستند و تمام تلاش و کوشش خود را حول مقصدی الهی و امری عظیم که صلاح جمعیت و فرد است، به کار می‌گیرند. این پدیده

همان گونه که غیبت کننده در یک لحظه با غیبت، آبرویی را می‌ریزد که طی سال‌ها به دست آمده است، خداوند هم عباداتی را که او طی سال‌ها به دست آورده است، محو می‌کند و به حساب فرد دیگر محسوب می‌کند

۱. العاقب لا عیش له انسی که می ترسد، زندگی ندارد.
۲. خلاوة المؤمن تکفیه ما یراه الحرف.

منابع

۱. قرآنی.
۲. امام خمینی (ره)، جمل جنت، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۳. نهالی، محسن، اخلاق نبوی، جلد چهارم، سازمان نشریات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۹۶.
۴. پسیدیده، غلامرضا، حدیث از زندگی، ۱۳۸۶.
۵. دستغیب، شهید عبدالجسین، گناهان کبیره (ج ۲) دارالکتب، چاپ ششم، ۱۳۶۸.
۶. قرآنی، محسن، عسر سورهی حجرات، مرکز فرهنگی درس های قرآن، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۷. برافی، ملاحمد، معراج السعاده، رشیدی، ۱۳۵۲.
۸. مکرم شیرازی، محمود، هنرکاران تعبیه گونه، لوح ۱۲۲، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۹. مطاطی، تقی، تفسیر العمیر، (ج ۱۸)، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، نشرات اسلامی، وابسته به جامعه علمی مدرسین حوزهی علمیه قم، ۱۳۶۷.

چنان اهمیت دارد که علی (ع) آن را معنی فرموده است که در زور قیامت، تا حدی نسبت به پاسخ گویی در برابر آن توجه و اهتمام ویژه ای وجود دارد. ثم لسنلون یومید عن العبه (تکثیر / ۸).

اگر چنین مودتی نیست افراد جامعه ایجاد شود، یا عنایت به حدیث ایدالله مع الجماعه<sup>۱</sup> و گواهی تاریخ، آن جامعه در رسیدن به آرمان های خود موفق خواهد بود. اما چنان چه انسان عیب بر اثر مسلماتش را در عیاب او بگذرد و این گونه عیبت رشد کند، در اثر سلب اعتماد مردم از همدیگر ممکن است، انسجام جامعه در معرض خطر جدی قرار گیرد که سکوت در برابر آن، جایز نیست. تمام این تأکیدات به خاطر اهمیت فوق العاده ای اسلام، به حفظ نیرو و حیثیت اجتماعی افراد جامعه است.

در غیبت کردن گناهان دیگری نیز نهفته است که بعضی از آن ها عبارت اند از:

۱. اعتماد از بین می رود و کینه، اختلاف و فتنه در میان مردم ایجاد می شود و افراد قصد جامعه کار زده می شوند.
۲. فرد جرئت بیشتری برای انجام گناه پیدا می کند. زیرا همین که انسان فهمید، مردم از عیب و خلاف کاری او آگاه شده اند و آبرویش رفته است، جرئت او بر انجام گناه بیشتر می شود و تصمیم بر ترک و توبه در او از بین می رود.
۳. بشر عیب مردم، محیط و جامعه را آلوده و دیگران را بر انجام گناه جری می کند.
۴. حس انتقام گرفتن تحریک می شود. زیرا همین که عیبت شوند می فهمد که دیگری آبرویش را برده است. به فکر می افتد که او نیز آبروی عیبت کننده را ببرد. به عبارت دیگر، عیبت کردن امروز ما، مسبب جرئت مردم بر عیبت کردن از ما می شود. الاغتب فتغتب<sup>۲</sup>؛ و کسی که برای برادرش جاه بکند، خودش در آن می افتد [قرآنی، ۱۳۸۰: ۱۰۵].

د) بعد اخروی

گرچه گناه در ظاهر شیرین است، ولی در دید باطنی و فلکوتی تنفر آور است. باطن غیبت، خوردن گوشت مرده است و در باره ای هیچ گناهی این تعبیر به کار نرفته است. (با کل لحم احیه میتا) [قرآنی، ۱۳۸۰: ۱۰۲].

ما عاقبم از این که اعمال ما عیان صورت های همسخ آن ها در عالم دیگر عرَضه می شوند. نمی دانیم که این عمل در حکم مردار خوردن است. صاحب احببین عملی، همان طور که سنگ های درنده اعضای مردم را می درزند و گوشت آن ها را

می خورند، در جهنم نیز صورت ملکوتی عملش به او رجوع می کند [امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱: ۳۰۳].

رسول خدای فرماید: «در قیامت هنگامی که نامه ای اعمال انسان به دستش داده می شود، عده ای می گویند: چرا کارهای خوب ما در آن ثبت نشده اند؟ به آن ها گفته می شود: خداوند چیزی را کم می کند و نه آن را فراموش می کند. بلکه کارهای خوب شما به خاطر غیبتی که کرده اید، از بین رفته اند. و در مقابل، افراد دیگری هستند که کارهای نیک فراوانی در نامه ای اعمال خود می بینند و به آن ها گفته می شود: سبکی های کسی که از شما غیبت کرده است در نامه ای اعمال شما ثبت شده اند.»

**سؤال:** چرا با یک لحظه غیبت کردن، عبادت چند ساله ای انسان محو می شود؟ آیا این سبب کثیر عذابه است؟  
**پاسخ:** همان گونه که غیبت کننده در یک لحظه با غیبت، آبروی رومی ریزد که طی سال ها به دست آمده است، خداوند هم عبادتی را که او طی سال ها به دست آورده است، محو می کند و به حساب فرد دیگر محسوب می کند. بنابراین محو عبادت چند ساله، یک کثیر عذابه و به اصطلاح مقابله به مثل است [قرآنی، ۱۳۸۰: ۱۰۳].

۵. انگیزه ها و ریشه های غیبت

در بررسی ریشه ها و انگیزه های غیبت موارد متعددی ذکر شده اند که در این مجال نمی گنجد و فقط به چند نمونه به این شرح اشاره می شود: عصبانیت، غضب، حسادت، تسخر دیگران، تیره ای خود از غیبت، سرگیری، همزاهمی یا هم نشانی، کبر و دل سواری جاهلانه.

۶. پیشگیری و درمان

برای دوری از غیبت باید زمینه های آن را محو کرد. نقطه های غیبت سوه طن، بی گیری، تجسس و محیط مناسب است که از تجمع آن ها، غیبت منولد می شود. به توصیه قرآن باید از این موارد پرهیز کرد.

۷. پیام آیه

- غیبت کردن درندگی است (با کل لحم احیه میتا)<sup>۳</sup>
  - در جامعه ای اسلامی باید آبروی مردم حفظ شود (لا یغتب)<sup>۴</sup>
  - مردم با ايمان، برادر و هم چون یکدیگرند (لحم احیه)<sup>۵</sup>
- در آموزه های دینی ما، ناممندی وجود ندارد. او التو الله ان الله نواب الرحیم [حجرات / ۱۲].





سعید امین الرعایا، ۲۷ ساله دبیر ریاضی دوره‌ی راهنمایی و ساکن تهران است. دوره‌ی کارشناسی رادر سال ۱۳۸۲ در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران به پایان رسانده و در رشته‌ی تکنولوژی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی ادامه تحصیل داده است. وی به تحقیق در زمینه‌ی شیوه‌های یادگیری و استفاده از فناوری در آموزش، برنامه‌نویسی و کار با نرم‌افزارهای کاربردی علاقه‌ی زیادی دارد. چند دوره‌ی آموزش در زمینه‌ی «ای سی دی ال» در دانشگاه علمی کاربردی تدریس کرده است و هندسه‌ی پویا را دوست دارد. در کارنامه‌ی ایشان، هفت سال کار مداوم مطالعه و تحقیق تجربی، تهیه‌ی بانک اطلاعاتی جامع نرم‌افزارهای هندسه‌ی پویا با بیش از ۱۲ نرم‌افزار، تولید و ترجمه‌ی بخش فارسی نرم‌افزار «ژنوجیرا» با همکاری طراحان استرالیایی، پنج سال تدریس به شیوه‌ی پویا در مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران، تحقیق و تولید مجموعه‌ی هندسه‌ی پویا برای آموزش و پرورش، برگزاری کارگاه آموزش در مناطق آموزش و پرورش تهران، شرکت در کنفرانس آموزش ریاضی و ارائه‌ی کارگاه، و در نهایت، برگزاری دوره‌ی آموزش هندسه‌ی پویا در سایت تبیان در جهت آموزش معلمان را می‌توان یافت. به دنبال کار ایشان روی نرم‌افزار ژنوجیرا، گفت‌وگویی ترتیب دادیم، تا با وی بیشتر آشنا شویم.

# فناوری و یادگیری عمیق

انسیه صدق

حوزه‌ی ریاضی و آموزش فیزیک که ابزارش موجود باشد، بهتر بیاموزیم. در تحقیقات راجع به سبک یادگیری، کاری که ما انجام می‌دهیم این است که سبک‌های یادگیری را به شکل ساده شده به اجرا درمی‌آوریم. این خود باعث می‌شود که فرد با آن سبک ارتباط برقرار کند. فرد با توجه به ویژگی‌های شخصی خودش و به شکل بسیار ساده، وارد بحث یادگیری می‌شود و انگیزه پیدا می‌کند که هم خودش را بهتر بشناسد و هم در زمینه‌هایی که کمتر کار کرده است، تجربه به دست آورد.

○ چه طور با این نرم‌افزار آشنا شدید؟

● من دائم با اینترنت در ارتباطم و این موضوع و نرم‌افزار را از طریق جست‌وجو در اینترنت پیدا کردم. شش سال پیش، نرم‌افزاری پیدا کردم به نام «اقلیدس» که همین کار را انجام می‌داد. به دنبال محصولات و مقالات جدید بودم تا این که به این نرم‌افزار دست پیدا کردم. اگر کسی آن‌چه را که می‌خواهد، در «گوگل» جست‌وجو کند، به آسانی به آن دست می‌یابد. البته آن زمان تعداد نرم‌افزارها در زمینه‌ی هندسه‌ی پویا کم بود، ولی الان ۴۰ نرم‌افزار در این زمینه وجود دارد و من خودم روی ۱۵ نسخه از آن‌ها کار کرده‌ام. نرم‌افزار «کبری»<sup>۱</sup> نرم‌افزاری قوی است که به علت رشد

○ علت کار روی نرم‌افزار ژنوجیرا چه بود؟

● فکر می‌کنم وقتی ضرورتی احساس می‌شود و آدم به کمبودهایی در نظام آموزشی پی می‌برد، کار را شروع می‌کند. سیستم‌های یادگیری موجود، علی‌رغم این که قابل نقد هستند، توانمندی‌هایی نیز دارند.

خود مفهوم یادگیری، یادگیری جدیدی حاصل می‌کند. این که یادگیری چگونه اتفاق می‌افتد، موضوعی است که کنجکاوی می‌آورد و کار می‌طلبد. به نظر من، روی موضوع ریاضی درست کار نشده بود، به خصوص نوع آموزش آن. این نرم‌افزار امکان می‌داد که با کشف راه‌حل و افزایش اشتیاق، بر میزان یادگیری افزود، اما به زبانی که فهم آن برای همه آسان نبود. پس نیاز به ترجمه داشت. می‌شد به کمک این نرم‌افزار، تلاش یک ساعت و نیمه‌ی معلم در کلاس را، با نتیجه‌ی بهتر و زمان کمتری به دست آورد. کنجکاوی مایه و انگیزه‌ی یادگیری است و ابزاری است برای تسهیل یادگیری.

○ و این نرم‌افزار آن را تسهیل می‌کند؟

● این که فرد صرفاً هر چه را که شنید نپذیرد، بلکه خودش امتحان کند و خودش به آزمایش بپردازد، کنجکاوی است. در این نرم‌افزار، کنجکاوی به شدت تقویت می‌شود. در واقع تلاش‌مان این است که هر مفهومی را در

## من از نوع تفکر طراح بسیار خوشم آمد؛ این که به صورت باز با امکانات بالا و رایگان، محصول تلاش خود را برای استفاده‌ی مردم روی سایت گذاشته است

می‌توانیم. ساینی را که در استرالیا  
است، به زبان فارسی ترجمه کنیم و  
این امکان ویژه‌ای است که ایشان در  
سایت گذاشته است. رتو جی را، یک  
فست‌فود یکی ژنو جی را گذاشتند.

«ویکی» این نرم‌افزار، هزاران نفر رورسه  
مطلب می‌گذارند. یک قسمت فارسی هم دارد که  
افراد می‌توانند در آن مطلب بگذارند و در عین سادگی،  
بسیار پیشرفته است و در حوزه‌ی دبیرستان، حسابان،  
دیفرانسیل، انتگرال و... را پوشش می‌دهد. این نرم‌افزار  
برای معلمان هم زاهنما دارد که می‌توانند از آن استفاده  
کنند. حتی خود معلم به آسانی می‌تواند بفهمد که چه طور  
یک شکل معین به وجود آمده است. حتی فیلمی از  
چگونگی تشکیل آن شکل وجود دارد که رسم مسئله را  
نشان می‌دهد. هم چنین، مثال‌های کنایه‌ی، مثل  
قضیه‌ی فیثاغورث و انتگرال وجود دارند.

### ○ هندسه‌ی دینامیک چیست؟

● برای پرداختن به هندسه‌ی دینامیکی یا به تعبیر فارسی،  
هندسه‌ی پویا، از جهت وجود غیر ایستایی ذهن و غیر  
ایستایی بودن مفاهیم و شکستن موانع ذهنی و بنا موانع  
انزاری که وجود دارد و همان پویایی مفاهیم و تعبیر و  
تحول دائم و نه تحول بنیادی و اساسی، دشواری‌های  
بسیاری وجود دارد. محدودیت‌هایی که در کلاس درس  
وجود دارند، باعث می‌شوند که اگر مثلث  
متساوی‌الساقین را از وجه دیگر روی تخته نمایش دهیم،  
قابل تشخیص نباشد و مختلف الاضلاع به نظر می‌رسد.  
این دقیقاً به دلیل نداشتن تعریف و یادگیری اندک است.  
دانش‌آموز نمی‌داند که زاویه و تعریف یک شکل هندسی،  
ارتباطی با شکل ظاهری آن ندارد. شکل پویا شکلی است  
که در هر زاویه تصورش کنید، بیندیش و با آن کار کنید.  
در این محیط‌های نرم‌افزاری هندسه‌ی پویا، این امکان  
وجود دارد که تصور به واقعیت مجازی تبدیل شود و وارد  
محیطی شویم که بتوانیم با تصورات ذهنی تعامل برقرار  
کنیم. شکل از آن حالت ایستا خارج می‌شود و می‌بینیم که  
مفاهیم می‌توانند پویا باشند. در پدیده‌ی «پرتو ناپی»،  
نحوه‌ی فرارگیری یک شکل، جزو ویژگی‌های آن شکل  
بیست. جزو ویژگی‌های شکل کشنده شده است. ما جزو

ابزار فناوری، دست‌رسمی به آن  
آسان شده است. من ایس  
نرم‌افزار را بعد از سه سال پیدا  
کردم. چون علاقه داشتم، با  
سازنده و طراح آن ارتباط گرفتم.

خودم را معرفی کردم و در مورد  
کارهایی که در این زمینه انجام داده بودم.

برایش نوشتم. از ایشان تشکر کردم و بعد از مدتی که  
متوجه شدم امکان فارسی شدن نرم‌افزار وجود دارد، در  
ایمیل‌های بعدی مطرح کردم که به صورت داوطلب  
آمادگی همکاری دارم. بسیار گرم از من استقبال کردند و  
پکیج‌های شروع کار را در اختیارم قرار دادند. من از زبان  
انگلیسی ترجمه کردم. ایشان نرم‌افزاری برای مترجم  
طراحی کرده بودند تا از طریق آن، مترجم بتواند کارش را  
انجام دهد. در آدرس ایمیلی که در سایت بود، پیغام  
گذاشتم. ایشان هم استقبال کرد و واژه‌ها را برام فرستاد.  
من هم کار کردم. نرم‌افزارهای دیگر هم امکانات بالایی  
دارند، اما من این نرم‌افزار را بیشتر دوست دارم.

### ○ علت خاصی دارد؟

● در بحث ریاضی، بین ۱۵ نرم‌افزار، ۵ گزینه‌ی انتخابی  
داشتم که مدام از هم بترتی می‌گرفتند: نرم‌افزار کبری،  
نرم‌افزار اسکش‌پد، نرم‌افزار جی‌ا، نرم‌افزار ژنو جی‌ا و  
نرم‌افزار اگریس. البته نرم‌افزارهای دیگری هم بودند که  
هندسه‌ی ناقبلیسی را هم پشتیبانی می‌کردند و خیلی  
امکانات دیگر هم داشتند. ویژگی اصلی نرم‌افزارهای  
مذکور این بود که پوشش زیادی داشتند و اغلب مسائل  
هندسی را می‌توانستند، شبیه‌سازی کنند.

نرم‌افزار ژنو جی‌ا هم آزاد هست و هم قوی. همه  
می‌توانند به صورت رایگان مطلب در آن بگذارند. سایت  
مفصلی دارد که به ۲۳ زبان دنیا ترجمه شده است. البته  
چون نرم‌افزار مدام به‌روزر می‌شود و ابزار جدید به آن اضافه  
می‌شود، بعضی زبان‌ها کاملاً به‌روز نشده‌اند.

من از نوع تفکر طراح بسیار خوشم آمد؛ این که به  
صورت باز با امکانات بالا و رایگان، محصول تلاش خود  
را برای استفاده‌ی مردم روی سایت گذاشته است. این  
نرم‌افزار از امکانات «جاوا» به خوبی بهره برده و از نظر  
تکنیکی سایت واقعاً فوق‌العاده‌ای است. ما از همین جا

تعریف شکل نیست. مستطیل می تواند یک میله باشد و یا یک نشی. هندسه ی دینامیکی، قیده های عارضی را در لحظاتی برای ما برمی دارد، در حدی که برای ما قابل درک باشد. اگر یک شکل تمام قیده های عارضی اش برداشته شود، برای ما قابل درک نخواهد بود؛ چرا که مفهوم مجرد است. در نرم افزار ژنوجیرا، این موضوع را به خوبی درمی یابیم؛ همان یادگیری و کنجکاوی که گفتم.

○ تا به حال به این شیوه تدریس داشته اید؟

● ۶ سال است، که به شکل جسته گریخته با این روش کار می کنم. کارگاه هایی داشتیم که در آن ها، نه از خود نرم افزار، بلکه از ابزار دینامیک استفاده می شد برای مثال، از مقوا و با چوب هزار سازه، لگو و ابزارهای صنعتی. من گاهی ابتدا مفهوم را توضیح می دادم و بعد با نرم افزار کار می کردیم. گاهی هم بچه ها خودشان از روی کار با نرم افزار به استدلالی که باید تدریس می شد، می رسیدند.

○ استقبال بچه ها چگونه بوده است؟

● بچه ها دو گروه هستند. گروهی که به این محیط ها نیاز ندارند و از قوای استدلالی بالایی برخوردارند و دسته ای که از این روش لذت می برند و همراه می شوند. طبق تجربه ی من، هم بچه هایی که بسیار باهوش اند، هم آن هایی که ضعیف هستند و هم طیف متوسط، با انگیزه های متفاوت جذب می شوند. در اصل، غذای خوبی برای هر سه دسته است. این محیط امکان خلق و کنجکاوی می دهد و افراد سریع به آن علاقه مند می شوند و مهارت کسب می کنند. همه این روش را خارج از برنامه می دانند، چرا که از آن ارزش یابی به عمل نمی آید و عملاً فرع به نظر می رسد. البته ما برنامه ای داریم که فرد بتواند با این نرم افزار به مهارتی دست پیدا کند و ارزش یابی نیز بشود. بازده این روش نسبت به قلم و کاغذ بالاتر است.

○ راجع به فعالیت های دیگر تان برایمان بگویید؟

● تقریباً دو سال پیش، به پیشنهاد آقای داودی قرار شد، کارهایی که در این زمینه انجام شده است، معرفی شوند به شکلی ثبت و برنامه ریزی شود. با توجه به علاقه ای که در این زمینه داشتیم، کارهای من از شکل فردی بیرون آمد و شکل گروهی به خود گرفت. اولین کار پروژه ای به

نام معرفی «هندسه ی دینامیک» برای آموزش و پرورش بود. آخرین کاری نیز که در دست دارم، برنامه ای برای آموزش رایگان معلمان در ۱۰ جلسه با محتوای آموزشی برای مدرسه ی اینترنتی در سایت تبیان است. خوبی این نرم افزار این است که قابل استفاده در صفحات اینترنت است و این سبب می شود که طرح درس بتواند طرح آموزشی بنویسد.

کار با این نرم افزار در دوره ای در تابستان آموزش داده شد. در این دوره ی ۱۰ جلسه ای، امکان برقراری ارتباط با استاد، گفت و گو، وبلاگ نویسی و انواع حمایت ها برای آموزش معلمان وجود داشت. در این برنامه دو مسیر طی می شود: از شهود به استدلال و از استدلال به شهود. زمینه های شهودی و منطقی باید در کنار یکدیگر پیش بروند، چون در غیر این صورت ممکن است، دانش آموز با بسنده کردن به یکی از شیوه ها، تنبل و ضعیف باریباید. ما سعی کرده ایم طوری برنامه را تدوین کنیم که فرد، هم بتواند آزمایش کند و در نهایت به استدلال برسد، و هم از طریق استدلال پیش برود.

○ برای همکاران خود بر اساس تجاربتان چه پیشنهادی دارید؟

● من معلم رسمی نیوده ام، ولی فکر می کنم چیزی که به صورت دائم به تدریس و آموزش مشغول است، اگر سعی کند که با شیوه های ساده و قابل اعتماد خود را در مسیر قرار دهد، امکان فسیل شدنش پیش نمی آید و دیگر مثل یک نوار نیست که مدام یک چیز را تکرار کند. اگر خودش را در معرض یک جریان ساده ی علمی قرار دهد، به مرور با کارش زندگی می کند. در عین حال که شغل برایش ارزشی مالی به همراه دارد، ارزشی عاطفی نیز خواهد داشت. علاقه های شخصی اش را پیدا کند و در آن زمینه کسب دانش کند. بیشتر برای خودش بداند، نه برای ارائه در کلاس. من فکر می کنم اصل کار، باز شدن فکر و متفاوت نگاه کردن است. معلم می تواند روی تخته نیز شکل مربع را از زوایای متفاوت بکشد، مهم تنها نوع تفکر و اندیشه است. نگاه نو، نگاه متفاوت، و در معرض چیزهای جدید قرار گرفتن، آموختن را ساده می کند؛ تنها توجه، مهارت و اشتیاق می خواهد.

زینویس

## اشاره

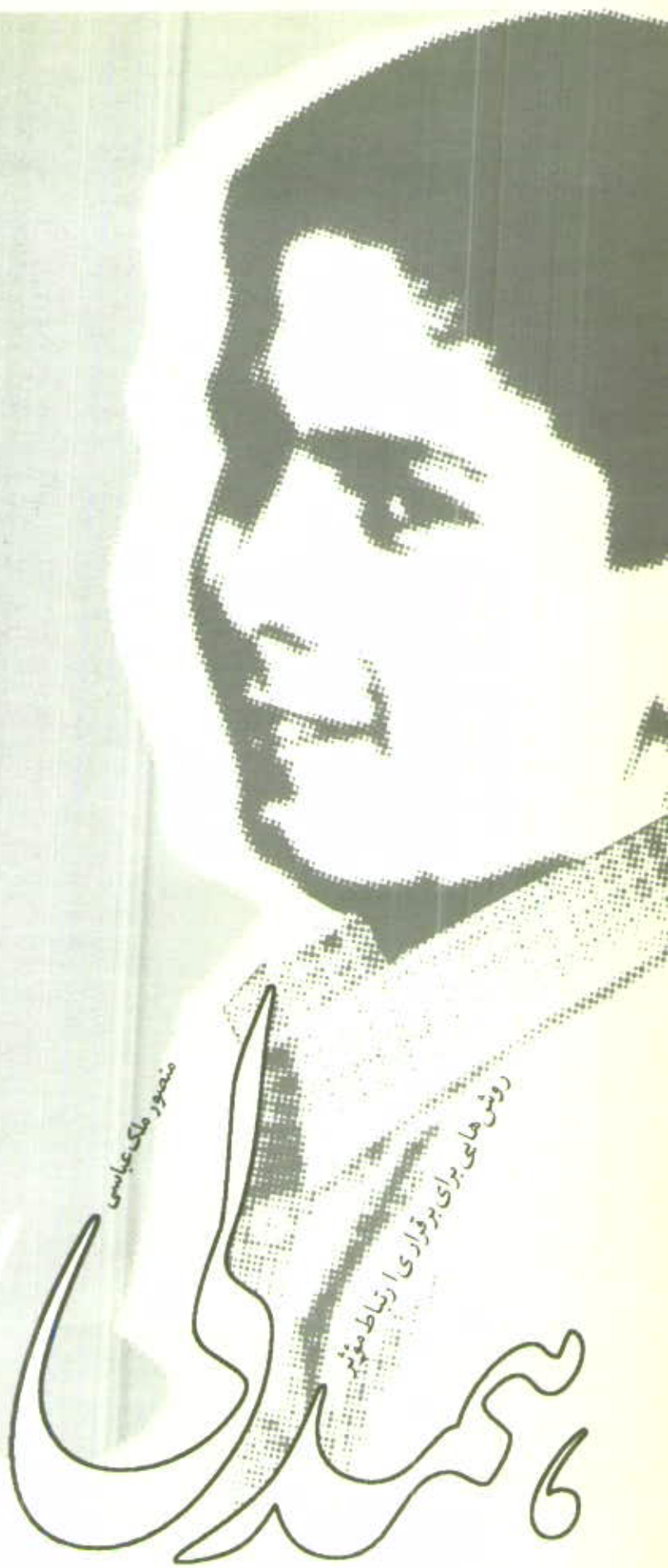
در شماره‌های قبیل گفتیم، هدف اصلی از برقراری ارتباط، انتقال پیام است. هرگونه اشکال در انتقال پیام می‌تواند باعث اختلال در ارتباط شود. توانایی برقراری ارتباط درست، یک مهارت است. هیچ فردی با چنین مهارتی به دنیا نمی‌آید، بلکه افراد طی دوران زندگی، به تدریج این مهارت را می‌آموزند.

یکی از اصلی‌ترین مهارت‌های معلمی، توانمندی برقراری ارتباط بین خود و شاگردان خود در محیط آموزشی است. از این طریق، اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌ها در اهداف آموزشی به مخاطبان منتقل می‌شود، و این انتقال در فضایی دور از سوءتفاهمات صورت می‌گیرد. در برقراری ارتباط مؤثر، گام مهم‌تری نیز برداشته می‌شود، بدین معنی که علاوه بر انتقال دانش‌ها و مهارت‌ها، تأثیرات رفتاری بلندمدت و ماندگاری بر روح و روان دانش‌آموز گذاشته می‌شود.

برای برقراری این گونه ارتباط که روح و شخصیت دانش‌آموز، تحت تأثیر عمیق شخصیت معلمان خود قرار می‌گیرد، به چند روش و راهکار عملی اشاره کردیم که از آن جمله، اعتماد کردن، گوش کردن، و ارتباط از طریق سخن گفتن و پیام‌های غیر کلامی بود. در این مقاله روش پنجم، یعنی «قدرت همدلی» را شرح می‌دهیم. با به‌کارگیری این مهارت مربیان، اولیا، آموزگاران و معلمان می‌توانند، تأثیرات شگرف رفتاری بر مخاطبان خود داشته باشند.

## همدلی چیست؟

در یک کلاس درس، به درک معلم از دلیل رفتار دانش‌آموزان و دادن پاسخ مناسب، «همدلی» گفته می‌شود که با وجود آن، شانس موفقیت وی در ایجاد یک فضای صمیمی تأثیرگذار بیشتر است. محیطی همراه با همدلی، این امکان را فراهم می‌کند که دلایل واقعی اعمال افراد آشکار شود. معلم باید خود را علاقه‌مند، مراقب و نگران نشان دهد، لازم نیست که او با دلایل و یا توجیه دانش‌آموز برای رفتار نامناسب خود، موافقت کند، بلکه کافی است با دانش‌آموز همدلی کند تا دلایل واقعی عملکرد ضعیف یا غلط او را درک کند. با همدلی و نیز اعتماد (که قبلاً درباره‌ی آن صحبت کردیم)، می‌توان به احساسات و نگرش‌هایی پی برد که پشت پیام افراد وجود دارد.



شما چه می‌کنید؟

شما به عنوان یک معلم، وقتی در مقابل تقصیر و کوتاهی دانش‌آموز خود، مثلاً «نقص تکلیف» قرار می‌گیرید، چه می‌کنید؟ بله معلم حق دارد بلافاصله او را مورد عتاب و خطاب قرار دهد و توبیخ کند، ولی این روش، به کارگیری همدلی نیست. می‌توان به او فرصت داد که همه‌ی دلایل خود را بازگو کند. در بسیاری مواقع، دانش‌آموز از شرایط نامطلوبی که بر او حاکم بوده است سخن به میان می‌آورد. لازم نیست با دلایل او موافق باشیم، لیکن می‌توانیم از نظر روحی و روانی با شرایط نگران‌کننده‌ی او همدردی و همدلی کنیم تا احساس کند، او را درک و شرایط او را لمس می‌کنیم. معلمی که می‌تواند با نگرانی دانش‌آموز نگران شود، با شادی او شاد شود، و احساس خستگی او را درک کند، توان و قدرت همدلی دارد.

با این روش، زمینه‌ی برقراری ارتباط مؤثر بین معلم و مخاطبانش فراهم می‌شود. و برعکس، اگر معلمی نسبت به حالات و هیجانات شاگردان بی‌تفاوت باشد و همه‌چیز را بر مبنای عقل و استدلال، و حساب و کتاب دقیق انتظار داشته باشد، توانایی برقراری ارتباط را از دست خواهد داد. در چنین شرایطی، انتقال دانش، مهارت‌ها و تحقق اهداف آموزشی در فرایند یاددهی-یادگیری نیز دچار اختلال خواهد شد.

یک خاطره

به یاد دارم روزی در زنگ درس جغرافیا در کلاس سوم راهنمایی، از همان ابتدا احساس کردم که دانش‌آموزان نسبت به کلاس و درس بسیاری تفاوت هستند، و برعکس همیشه، با نگاه‌های پرت‌رزی خود به درس توجه ندارند. پیش خود فکر کردم، علت چیست؟ متوجه شدم، همین دیروز امتحانات نوبت اول را به پایان برده‌اند و به شدت خسته و خواب‌آلوده هستند و کلاس آماده فعالیت جدی نیست.

به آن‌ها گفتم، احساس می‌کنم آماده‌ی شنیدن درس نیستید و به استراحت نیاز دارید. ضمن رعایت سکوت و آرامش، همه به مدت ۱۰ دقیقه سر جای خود می‌خوابیم. چراغ‌های کلاس را خاموش کردم، در کلاس را بستم و خود نیز کنار میز استراحت کردم. سکوتی سنگین به همراه تاریکی نسبی در کلاس، دانش‌آموزان را به خوابی عمیق فرو برد. به گونه‌ای که پس از ۱۰ دقیقه، علاقه نداشتم و نمی‌خواستم آنان را از خواب ناز بیدار کنم. به هر حال زمان استراحت به پایان رسید و تدریس آغاز شد. در گفتار و نقل و قول‌های

بعدی دانش‌آموزان شنیدم که بیش از لذت خوابیدن در سر کلاس، این که معلمشان توانسته بود خستگی و آمادگی نداشتن آنان را درک کند، برایشان لذت بخش بود. از آن روز به بعد، احساس صمیمیت بیشتری را از سوی آنان شاهد بودم و از قدرت تأثیر کلامم در کلاس بیشتر لذت می‌بردم.

دنیای بچه‌ها را درک کنیم

به هر حال دنیای عواطف و احساسات دانش‌آموزان با دنیای احساس ما معلمان متفاوت است. معلمی که می‌تواند این دنیا را درک کند و در شرایط خاص با دانش‌آموزان هم‌سرای کند، زمینه‌ی پذیرش را در آنان به وجود آورده است. برای برقراری ارتباط مؤثر لازم نیست با دنیا و نگرش دانش‌آموزان مقابله کنیم، بلکه نخست باید فضای روحی و احساس آنان را بپذیریم و به دنیایشان پا بگذاریم. بعد دانش‌آموز را به دنیای خود دعوت کنیم و به تعبیر شهید باهنر: «از آن جایی شروع کنیم که او دوست دارد و به آن جایی ختم کنیم که خود دوست داریم.»

شخصیت افراد را از رفتارشان جدا کنیم

ممکن است پیدا شوند دانش‌آموزانی که از رفتار صبورانه و همدلانه‌ی ما سوءاستفاده کنند و زیر کانه رفتارهای نامناسبی را گه‌گاه از خود بروز دهند. اگر رفتار دانش‌آموز برای ما قابل قبول نبود، برای استمرار برقراری ارتباط مؤثر بهتر است، فقط همان رفتار نامطلوب و ناپسند او را زیر سؤال ببریم، نه کل شخصیت او را. ضرورتی ندارد، کسی را که در مقابل وظیفه‌اش کوتاه کرده است، تئیل، بی‌عرضه و کودن بنامیم و کرامت انسانی او را خدشه‌دار کنیم. بلکه کافی است فقط عمل مذموم او را نکوهش کنیم و مثلاً بگوییم: «من نقص تکلیف یا دیر آمدن سر کلاس یا بی‌توجهی به درس معلم را تحمل نمی‌کنم.» و یا این که: «بعد از این اتمام حجت‌ها، دیگر هیچ عذری پذیرفته نیست.» و: «من حرف زدن سر کلاس را دوست ندارم و تحمل نمی‌کنم!»

این قبیل جملات، نفس کار زشت را مورد خطاب قرار می‌دهند و حالا این دانش‌آموز خطا کار است که درون خود نتیجه‌گیری می‌کند و خود را محکوم می‌نماید. او از خود می‌پرسد: «چرا این رفتار را مرتکب شدم؟»

به‌طور خلاصه سعی کنیم، دیگران را در مقابل سؤالات درونی خود قرار دهیم، به این ترتیب با ما همراه خواهند شد.

منابع

۱. جزوه‌ی آموزشی گروه مشاوران نوآوری‌های آموزشی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۲. لوئیس، دکتر کاترین. آموزش قلب‌ها و اندیشه‌ها. ترجمه‌ی حسین افشین منش. سازوکار. چاپ چهارم. ۱۳۸۵.
۳. موناپی، دکتر فرشته و قتی، دکتر لادن. جزوه‌ی آموزشی برقراری ارتباط مؤثر. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۴. جزوه‌ی آموزشی ارتباط مؤثر (مختصر). انجمن علمی آموزشی مدرسین آموزش خانواده شهر تهران. انجمن و اولیا و مربیان. ۱۳۸۴.

# بازی‌های رایانه‌ای و آموزش ریاضی

## بازی نیست، رقابت انگیزه می‌دهد و انگیزه یادگیری را بالایی برد

جواد حفیظی، متولد سال ۱۳۴۲، معلمی را با تدریس درس دینی و ادبیات آغاز کرده است و در آن‌ها نیز از شیوه‌های نوین آموزش استفاده می‌کند. ایشان در خانه هفته‌ای دو سه غزل حافظ را در جمع خانواده می‌خواند. هم‌چنین با کارگردانی، تدوین و نرم‌افزارهای گرافیکی آشناست. آقای حفیظی هم‌هی کارهایشان را با تمام وجود دوست دارد.

یاحبر شدیم که در یکی از مدارس شهر تهران، یکی از معلمان خوش ذوق و خلاق، به شیوه‌ای متفاوت، درس ریاضی را تدریس می‌کند. او نرم‌افزارهای رایانه‌ای نام مجموعه تمرین‌های ریاضی اول راهنمایی طراحی کرده است و از طریق رایانه، به حل تمرین در کلاس می‌پردازد. در صدد برآمدیم تا از شیوه‌ی فعالیت آموزشی این آموزگار و میزان بازدهی آن اطلاعاتی کسب کنیم. مصاحبه‌ی کوتاهی را حین تدریس و کار با ماستر این شیوه، آقای حفیظی، دبیر ریاضی مدرسه‌ی دانا، ترتیب دادیم.

بهاوری بچه‌ها را قدر زیاد بود که فضای خشک یک کلاس ریاضی را با دامن می‌گرد. دست بچه‌ها زیر چانه‌شان بود و با چشم نخته سیاه را نگاه نمی‌کردند. حتی چینه‌مان کلاس هم آن‌طور که تصور می‌رفت، بود. دور کلاس چند رایانه فعال بودند و بچه‌ها در گروه‌های دو و سه نفره، مسائل را حل می‌کردند. هر چند اشتیاق بچه‌ها کم‌رنگ‌تر از تدریس می‌نماخت، اما کمی که جلوتر رفتیم، شنیدیم در کلاسشان از اعداد و ارقام صحبت می‌کنند و با هیجان سعی دارند، مسئله را حل کنند. روی صفحه‌ی مایکروسافت، رقم‌های مثبت و منفی را در مستطیل‌های مشخص ثبت می‌کردند و بعد از محاسبه، با هیجان و هیبت ناشدنی پاسخ را یادداشت و تقریباً بعد از یک دقیقه را حل می‌کردند. چرخ‌های محکامشان مشغول شکار صحبه‌ها شد و آقای حفیظی هم مشغول جمع و رجوع و رجوع سوالات بچه‌ها. به سراع تعدادی از بچه‌ها که صدایشان بلندتر از بقیه بود، زود.

(سلام، مشغول چه کاری هستید؟)

● یکی از بچه‌ها در حالی که دستش به ماوس بود و چشمش از صفحه‌ی مایکروسافت نمی‌داشت، پاسخ داد: «روی بردار، یک مربعی شکل داریم که معرف اعداد منفی و مثبت هستند. از طریق آن ضرب اعداد مثبت و منفی را هم روی بردار و هم به صورت مسئله انجام می‌دهیم. بعد گذر از هر مرحله به مرحله‌ی بعدی می‌رویم و زمان استفاده شده در آن حل مسئله را با رایانه‌شان می‌دهد. من هنوز خیلی وارد نشده‌ام، ولی

کم باید بیشتر تمرین حل کنم. رکورد هم پایین است!

رکورد؟ یعنی چه؟

هر کدما که رکورد بهتری می‌آوریم، رکوردمان روی تخته سیاه ثبت می‌شود. بچه‌های دیگر از من جلو نروند. بچه بیشتر در کشور

روی تخته هم می‌توانی حل کنی؟

بله، به امتحان آسیب نمی‌رساند. هر دو خوب است، ولی تدریس

فلسفه تمرین حل کردن، آدم را حسنه می‌کند. این طرز تدریس حل کردن را دوست دارم. بیشتر یاد می‌گیرم.

نگاهی به لخته سیاه انداختم. تعدادی رقم که شبیه لسته‌ی اعداد بود

به چشم می‌خورد و دور یکی دایره کشیده شده است.

اشتیاق بچه‌ها، رکوردگیری، هیجان ناشی از سرعت عمل در حل

تمرین ریاضی و فریاد، خالب بودند. وقت آن رسیده بود که با آقای

حفیظی گفت‌وگویی داشته باشم.

(می‌شود راجع به کارتان توضیح دهید؟)

● از آنجا که تمرینات ریاضی برای بچه‌ها حسنه نشده، بگرم

برای آن‌هایی که علاقه‌ی زیادی به ریاضی دارند، تعریفات ریاضی

دوره‌ی راهنمایی را در قالب نرم‌افزار و بازی تعریف کرده‌ام. معتمد

همه‌ی مدرسه را دوست داریم و از آن لذت می‌بریم. ایند بچه‌ها

چند گروه تقسیم می‌شوند و زمان مشخصی برای حل تمرین از طریق

رایانه برای آن‌ها تعریف می‌شود. هر گروه با زمان حل تمرینش را اعلام

می‌کند. من هم آنرا روی تخته سیاه ثبت می‌کنم. بچه‌ها به خاطر علاقه

به دنبال کسب رکورد هستند و به وقت بیشتر راه‌حل‌ها را با سرعت بالاتری

به کار می‌گیرند تا به جواب دست پیدا کنند. حتی خودشان را آسان‌تر

کشف راه‌حل تازه‌ای می‌رسند. معمولاً در حل ضرب عدد صحیح

پیشنهاد می‌کنیم که منفی‌ها را با هم، و مثبت‌ها را با هم جمع کنند و بعد

از هم کم کنند تا راحت‌تر و سریع‌تر به جواب برسند. بچه‌ها خودشان

بعد از مدتی برای رسیدن به سرعت، این راه را کشف می‌کنند. حتی

حسی وقت‌ها راه‌حل‌هایی را پیشنهاد می‌دهند که جدیدتر از راه‌ها

برسیده‌ها و به آن‌ها فکر نکرده‌ایم. بچه‌ها فکرشان جوان‌تر است.

فلسفه‌ی هستی را به خلاقیت خود می‌شنکند.

(چرا از رکوردگیری استفاده می‌کنید؟)

● این بازی‌ها و رقابت‌ها به بچه‌ها امکان می‌دهد که به حدی کسب کنند

برای رسیدن به جواب و پیروز شدن، انگیزه‌ی بالا، مهم‌بند و بدون

جمع‌زدگی، تلاش‌های حسی برای حل مسئله باشند. حسی حسی



آسان است و یادگیری اش سخت، درحالی که ریاضی آموزش سخت و یادگیری ساده‌ای دارد. «دیدم ریاضی ساده است و این غول بی‌شاخ و دمی که از ریاضی ساخته شده، فقط یک تصور است. متوجه شدم مشکل، نوع و شیوه‌ی آموزش ماست که من آن را حل کردم. در حال حاضر تمرین‌های ریاضی را با رقابت ترکیب کرده‌ام. اصلاً بازی نیست، کاملاً ریاضی است، بلکه کمی پیچیده‌تر. مثلاً دانش آموز، بعضی جاها مجبور است، علامت را به اعداد ریاضی تبدیل و بعد مسئله را حل کند.

○ منظورتان این است که مسائل ریاضی را با همان مفاهیم آموزش می‌دهید؟  
● البته، دانش آموز چیزی را در ریاضیات از دست نداده است. ولی خیلی وقت‌ها این سوء برداشت پیش می‌آید که بازی یعنی چیزی کم ارزش و این

نرم افزار در حد بازی که برای سرگرمی است، پایین می‌آید. بچه‌ها در بازی کردن با علاقه‌ی بیشتری کار می‌کنند و بیشتر چیز یاد می‌گیرند و با انگیزه‌ی بیشتری برای رسیدن به چیزهای جدید می‌کوشند. درحالی که در قالب کاغذ و به صورت رسمی، خلاقیت کم خواهد شد. البته بعضی دبیران احساس می‌کنند، با این روش به ریاضی لطمه می‌خورد و حرمت درس پایین می‌آید.

ولی اصلاً این طور نیست. من درس را روی تخته می‌دهم و امتحان نیز روی برگه است، اما حل تمرین روی این برنامه انجام می‌گیرد. همان طور که تمرین در قالب کاغذ مطرح می‌شود، این برنامه هم قالب است و من تمرین را در این قالب می‌دهم. به علاوه روی کاغذ بچه‌ها متوجه نمی‌شوند کجا اشتباه کرده‌اند، در حالی که در هر مرحله رایانه اشتباه را بیان می‌کند و دانش آموز دوباره از همان مرحله، بعد از فهم اشتباه، کارش را ادامه می‌دهد. به نظر من، اتفاقاً چون این شیوه‌ی حل تمرین، شکل بازی و حالت کشف کردن را دارد، حتی وضعیت جالب‌تری پیش می‌آید و آن درخواست تمرین است.

بچه‌ها تمرین می‌خواهند تا در خانه انجام دهند. می‌خواهند به سرعت و رکورد بهتری دست یابند و خود این رقابت چون مستلزم یادگیری است تا نتیجه‌ی خوب بدهد. مشوق بسیار خوبی نیز هست. وقتی یادگیری خوب صورت می‌گیرد، روی کاغذ هم خوب پیاده می‌شود. من شیوه‌های گوناگونی را با همین هدف به کار گرفته‌ام.

○ برایمان توضیح بیشتری می‌دهید؟  
● ابتدا از اعداد اول شروع کردم. کسی که می‌توانست مثل من و با سرعت من بشمرد، برنده می‌شد. باید این اعداد را حفظ می‌کردند، تا بتوانند سریع بیان کنند. سرعت هدف بود، ولی مقدمه‌ی هدف، یادگیری بود. برای من مهم یادگیری بود، حالا از هر روشی که می‌شد و چه بهتر که دانش آموز لذت ببرد و یاد بگیرد. روش دیگر این بود که دو

بچه‌ها وقتی در زمان کوتاهی به جواب درست دست می‌یابند و در زمان کوتاه‌تر از زمان مقرر جواب را می‌یابند، بالا می‌پرد و مشتش را به نشانه‌ی پیروزی و موفقیت گره می‌کند. هر چند که بچه‌های بزرگی هستند و در دوره‌ی راهنمایی تحصیل می‌کنند، اما همان‌طور که می‌بینید، شادی و هیجان درست حل کردن مسئله به قدری زیاد است که احساس خود را این طور نشان می‌دهند. من برای ایجاد رقابت بیشتر، رکوردهای مدارس دیگر را هم ارائه می‌دهم. در کلاس من، تخته سیاه مکان ثبت رکوردها و مشوق اصلی بچه‌ها در حل تمرین است. در نظر دارم بخش دیگری به نرم افزار اضافه کنم تا زمان دیگر بچه‌ها را روی هر رایانه ثبت کند؛ البته الان زمان حل تمرین را نشان می‌دهد.

○ علت طراحی این نرم افزار چه بود؟  
● حدود ۱۲ سال معاون آموزشی مدرسه بودم و در آن دوران به مشکلات آموزشی و کمبودهایی که وجود داشت، پی بردم. متوجه شدم که در درس ریاضی، بچه‌ها با مشکلاتی تقریباً از یک جنس مواجه‌اند و با توجه به توقع و نگرانی پدران و معلمان و اهمیت ریاضی و کار زیادی که این درس در حل تمرین دارد، باید بدان پرداخته می‌شد.

موضوع اصلی، خسته کننده بودن حل تمرین ریاضی با توجه به دشواری اش بود. این درس حفظی نیست و کار مداوم می‌خواهد، در ذهنم لزوم ایجاد روشی در جهت افزایش اشتیاق به حل تمرین و بالا بردن یادگیری احساس کردم. دلم می‌خواست آن عذاب را به انگیزه تبدیل کنم؛ این که دانش آموز خود از انرژی اش برای یادگیری و حل تمرین استفاده کند، نه این که ما از او بخواهیم یاد بگیرد. ریاضی درس مشکلی نیست. بادم هست همکاری می‌گفت: «ادبیات درس دانش

### خوش بختی از نگاه جواد حقیقی

هر دفعه که چیزی می‌سازم که تا به حال نبوده است، احساس می‌کنم کاری انجام داده‌ام و لذت می‌برم و این طور احساس مفید بودن می‌کنم. البته نتیجه اش هم برایم لذت‌آور است و انگیزه برای کار بعدی است؛ یک دایره‌ی شیرین.

من معلم ساده‌ای هستم مثل بقیه. شاید بسیار کمتر از خیلی‌ها، اما از نو ساختن و خود ساختن را دوست دارم. خیلی دوست دارم در نظام آموزشی کار کنم. وقتی می‌بینم از هر چیزی کمی دارم و روی اشتیاقم حرکت کرده‌ام، احساس زنده بودن می‌کنم.



عمر را با هم می فرستادم پای نخته و سوالی می پرسیدم. هنوز مانده ایم باید آن را حل می کردند. هر کس سریع تر به پایان می رسید، برنده بود. بچه های دیگر هم تمام خواستشان پای نخته بود که چه کسی سریع تر حل می کنند. حتی در دهن خود مسئله را حل می کردند. گاهی تصحیح سوال را به بچه های دیگر می سپردم. از روش معنون گرو دیندی هم استفاده می کردم. این کار در گروه و در کلاس رقابت ایجاد می کرد. نوعی پویایی و تحرک هدف من در تمام این ۲۴ سال فعالیتیم این بوده است که بچه ها برای یادگیری بکوشند. نه این که من پاسخ ارائه آن ها بگویم. زمانی بلاش پاسخ می دهم که خودجوش باشند و آن گاه است که یادگیری حاصل می شود.

( چه طور؟ )

● برای مثال، ما همیشه می گوئیم بچه ها کار گروهی بلد نیستند. مثلاً درست کردن برنامه دیواری را آن قدر ادامه می دهم تا در بهیله بکنی می گوئیم. من همه را انجام می دهم و نام شعرا را هم می نویسم. برایش

توصیه برای همکاران

نباید امروز را از دست بدهی برای رسیدن به فردا. به نظر من، تا این اندازه به آینده فکر کردن، ما را از امروز باز می دارد. گذشته که رفت و امروز هم فردای دیروز است پس می توان همیشه امروز را فردا دانست. آینده خوب است، اما هنوز نیامده است. تنها قشری که باید به روز باشد، خوش اخلاق باشد، خلاق باشد، اما هیچ ابزاری برای داشتن این بایدها ندارد، معلم است. اما می تواند خلاق باشد. ما بچه های خلاق داریم و فقط آموزش ماست که اشکال دارد. خوب است همکاران به سایت ها سر بزنند. از وزارت آموزش و پرورش هم خواستارم کمک کند که معلمی که کارهای جدید دارند، ارائه دهند و استقبال شود. از همکارانم هم می خواهم زندگی کنند و تفکر. معلم ها قانع نباشند به معلم بودن. معلمی کنند، حتی اگر دیده نشوند. از سرزنش ترسند و خلق کنند و بدانند و بدانند. اگر کسی هم مشوق نباشد، باز می شود زندگی کرد. من به تجربه، همیشه در نبود تشویق هم زندگی کرده ام و خوش بخت بوده ام.

( چه مشکلی؟ )

● من مجموعه ای برنامه ریزی را که برای مدارس می فرستادم، داده ام. بعد سی دی واقع مناسب برای مدرسه. به نظر من، مجموعه ای شعرا شاعران ایرانی بود. چیزهایی که ارائه می شود، خوب است. اما به عنوان یک دبیر و نیز بچه ها خیلی فاصله دارد.

من به معلمان این شیوه می گویم. قبلاً خست بود و چکشی. بعد فیس آمد. بعد معنادار و بعد خودکار و کاغذ. برای تصویب شده است. هر ماده ای همان تند. حالا هم رایانه آمده است. این که خوب است و خود خود کار از میخ استفاده کنیم. عجیب نیست! تصور من این است که تا چند صباح دیگر، سر نوشت خودکار هم مثل میخ خواهد شد. جای نخته سیاه. نخته ای الکترونیک و به جای گچ، ماوس ارائه است.

مشین می تواند کارهای وقت گیر انجام دهد. انرژی من برای برآوردن بهتر به پرورش بچه ها می تمام می شود. دجیره کند. ما موقعی به چه ها نیاز داریم. حتی مسائل خارج از عدد و رقم مثل رقابت، گذشت، تنگ، همکاری گروهی، دوستی، همدلی. یاد داد این هر طبعی معلم است. علوم را سبب بودن ما دور بیستد. ابزاری هستند برای خوب زینت ما. برای خوب زینت باید انسان بود. این که ما اعتقاد را داخل کتاب ها بچه ها بگویم، تنها آموزش نیست.





# برای فردایی بهتر

هدف طرح سامان بخشی، شناسایی، ایجاد بانک اطلاعاتی و استانداردسازی کتاب‌های آموزشی مناسب برنامه‌ی درسی است

انیس خوش‌لهجه

«سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» به پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت و احساس نیاز دوباره به وجود چنین مرکزی، سازمان از ایشان برای همکاری در «پروژه‌ی بین‌المللی آموزش جمعیت» و عضویت در کمیته‌ی پژوهشی دعوت به عمل آورد.

در سال ۷۹ سازمان برای رفع مسائل مبتلابه کمیته‌های کاریست یافته‌های پژوهشی که ایشان دبیر آن بود و در نهایت «مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی و نوآوری آموزشی» را که ایشان مسئول گروه سنجش و اندازه‌گیری آن بود راه‌اندازی نمود. در آن سال‌ها نیز اصلاحاتی در کارهای مطالعاتی و ارزش‌یابی در سیستم صورت گرفت. در سال ۸۱، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، ایشان را به عنوان مدیر اجرایی طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی در نظر گرفت. در مورد این طرح و بخش‌های گوناگون آن، در گفت‌وگویی دوستانه سوالاتی از آقای رون داشتیم که توجه شما را به گوشه‌هایی از آن جلب می‌کنیم.

سید امیر رون، سال ۱۳۶۳ به آموزش و پرورش آمد. ابتدا به عنوان دبیر فنی آموزش و پرورش یا مدرک کاردانی مشغول به تدریس شد. پس از طی مسئولیت‌های مختلف به علت علاقه به تالیف و پژوهش و کارهایی که در این زمینه انجام داده بود، از طرف دفتر «برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی» به همکاری دعوت شد. هم‌زمان در سال ۶۷ به ادامه‌ی تحصیل در دوره‌ی کارشناسی برنامه‌ریزی آموزشی پرداخت و به عنوان کارشناس تحقیق به صورت رسمی در واحد ارزش‌یابی متوسطه مشغول شد. در نهایت، با توجه به این که ایشان مدرک کارشناسی ارشد خود را در زمینه‌ی تحقیقات آموزشی دریافت کرده بود، و با توجه به علاقه‌اش، در سال ۷۰ در «مرکز تحقیقات آموزشی» جذب و به فعالیت‌های اجرایی و تحقیقاتی مشغول شد. ایشان علاوه بر مسئولیت‌های مختلف، در کمیته‌های پژوهشی و تخصصی گوناگون عضو بوده و در راه‌اندازی پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت مشارکت داشته است.

در سال ۷۲، به علت انتقال مرکز تحقیقات آموزشی از

در طرح سامان بخشی یکی از اهداف، بحث تشویق و ترغیب پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی است

○ این طرح با چه هدفی و از چه سالی به اجرا درآمد؟

● بنده به خاطر اهمیت موضوع و علاقه‌ای که به این عرصه داشتم، مسئولیت اجرایی طرح را پذیرفتم. در سال ۷۹، به دلیل آن که حوزه نشر کتاب‌های آموزشی که بیشتر در بخش خصوصی انتشار می‌یافت، از لحاظ علمی و آموزشی و تدوین محتوا از اصول خاصی تبعیت نمی‌کرد، سازمان در یک چاره‌اندیشی طرح سامان بخشی را راه‌اندازی کرد. این طرح با هدف آن که بازار نشر کتاب‌های آموزشی را سامان دهد و در نهایت ناشران، پدیدآورندگان و نویسندگان را در تولید کتاب‌های آموزشی مناسب و مفید برنامه‌های درسی هدایت و تشویق کند، به اجرا درآمد.

○ برنامه‌ریزی به چه شکل صورت گرفت؟

● برای انجام هر چه بهتر کار، شورایی از نمایندگان دفاتر و نهادهای مختلف فرهنگی در سطح وزارت خانه با هدف سیاست‌گذاری و سامان بخشی کتاب‌های آموزشی و حمایت و تشویق ناشران شکل گرفت. تا الان این شورا بیش از ۴۰ جلسه‌ی رسمی داشته و برای بهبود عملکردش به چند کمیته تقسیم شده است؛ از جمله: کتاب‌نامه، ستاد جشنواره، و کمیته‌های علمی که به صورت شخصی‌تر وارد عمل شده‌اند.

○ کتاب‌نامه‌ها چه طور تهیه و سامان بخشی می‌شوند؟

● معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها برای دست‌رسی به کتاب‌های مناسب آموزشی، به بانک اطلاعاتی جامع نیاز دارند. طبیعتاً این که چه طور انتخاب درستی داشته باشند، هم در رشد علمی و هم در صرفه‌جویی در انرژی و وقتشان مؤثر است. بنابراین ما باید کتاب‌های مناسب و برتر بازار را شناسایی می‌کردیم. در این راستا کمیته‌ها و گروه‌های آموزشی را تشکیل دادیم. در حال حاضر، بیشتر از ۴۱ گروه آموزشی داریم که در حوزه‌های متفاوت مشغول فعالیت هستند. مثلاً برای دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، ۱۳ گروه آموزشی داریم. گروه‌ها متشکل از معلمان مجرب، کارشناسان گروه درسی، صاحب‌نظر، و مدرس تربیت معلم هستند. کتاب‌ها از بازار نشر و شرکت‌های انتشاراتی دریافت می‌شوند و ابتدا مشخصات آن‌ها را در سیستم رایانه ثبت می‌کنیم. در هر زمینه، کارشناس هماهنگ‌کننده داریم و طی یک چرخه، کتاب‌ها وارد حوزه‌ی داوری می‌شوند. پس از بررسی، براساس فهرست‌های وارسی (چک لیست‌ها) که تعبیه و تعریف شده‌اند، کتاب‌ها امتیاز می‌آورند. کتابی که ۷۰ درصد امتیاز را کسب کند مناسب شناخته می‌شود. آن را به صورت توصیفی در کتاب‌نامه معرفی می‌کنیم. سطح پوشش هر سال در هر کتاب‌نامه مشخص است و در جدولی آورده می‌شود که این کتاب‌نامه چه کتاب‌هایی را معرفی می‌کند. در دوره‌ی راهنمایی، تاکنون هشت شماره‌ی کتاب‌نامه تولید شده است

که این در واقع تمام کتاب‌های سال‌های قبل تا سال ۱۳۸۵ را پوشش می‌دهد و اولیای می‌توانند، با مراجعه به این کتاب‌نامه‌ها، کتاب‌های چاپ اولی را که مناسب و مفید برنامه‌ی درسی هستند را برای خودشان انتخاب کنند.

○ اطلاع‌رسانی به مخاطبین برای تهیه‌ی کتاب‌ها، به چه شکل است؟

● ما برای اینکه بتوانیم خانواده‌ی گسترده آموزش و پرورش را پوشش بدهیم جدا از چاپ کتاب‌نامه و ارسال آن به استان‌ها و مناطق کشور در سایت مجلات رشد [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)، بخشی را طراحی کردیم به نام «سامان کتاب» که در آن اطلاعات این کتاب‌نامه‌ها آمده است.

یکی از بهترین سرویس‌های اطلاع‌رسانی ما، ثبت این کتاب‌ها در پایان کتاب‌های درسی است. شیوه‌ی دیگر از طریق لوح فشرده است که بیشتر از پنج هزار کتاب در آن معرفی شده است. این لوح فشرده به مناطق و شهرستان‌های تابعه‌ی استان‌ها ارسال می‌شود.

○ این کتاب‌نامه تمام کتاب‌هایی را که در بازار وجود دارند، پوشش می‌دهد؟

● می‌توانم بگویم حدود ۸۰-۷۰ درصد آن‌ها را پوشش می‌دهد. یکی از مشکلات ما این است که در مقدمه یا شناسنامه‌ی کتاب، گروه سنی مخاطب مربوطه معرفی نمی‌شود. لذا باید آن کتاب در دست‌رس قرار گیرد تا کارشناس محتوا را ببیند و بسنجد که مناسب کدام گروه است. ما معمولاً به بانک اطلاعاتی خانه‌ی کتاب که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره می‌شود مراجعه می‌کنیم. دوستان ما در هر حوزه‌ی کارشناسی، کتاب‌ها را از سطح بازار گردآوری می‌کنند؛ حالا چه با تماس تلفنی با ناشر، چه از طریق فراخوان. به این شکل که از تمام ناشرانی که کتاب‌های آموزشی تولید می‌کنند، دعوت به همکاری و اطلاع‌رسانی می‌کنیم. یک راه دیگر هم، نمایشگاه بین‌المللی است که دوستان به نمایشگاه می‌روند و چنانچه کتابی مناسب و با گروه سنی ما در ارتباط باشد، آن را در چرخه‌ی کارشناسی قرار می‌دهند.

○ جشنواره‌ها به چه شکل برگزار می‌شوند؟

● در طرح سامان بخشی یکی از اهداف، بحث تشویق و ترغیب پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی است. کتاب‌هایی که در یک دوره، مناسب شناخته می‌شوند، در هجرتی با درجه‌ی علمی و تجربه‌ی بالاتر، بررسی می‌شوند و بهترین‌ها وارد جشنواره می‌شوند. دوره‌ی اول جشنواره، کتاب‌های یک دهه را پوشش می‌داد، ولی دوره‌های بعد، طی فرایندی کتاب‌های چاپ شده‌ی سه ساله را تحت ارزیابی و انتخاب قرار می‌دهد. اسامی جشنواره‌ی ابتدایی و راهنمایی را هم زمان داشتیم

که برای بار سوم برگزار می‌شد. در تمام حوزه‌های آموزشی مرتبط، بهترین کتاب‌ها با دو درجه‌ی تقدیری و برگزیده معرفی و تشریح می‌شوند.

○ درباره‌ی فصل‌نامه‌ی جوانه و نشریات راهنمای تولید کتاب توضیح می‌دهید؟

● کار این دورس‌نامه اطلاع‌رسانی به لحاظ علمی و تخصصی برای نویسندگان، ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی است. دوشنبه‌ی یادشده، راهکارها، استانداردها و اصولی را که در تدوین کتب نیاز است، معرفی و تبیین می‌کنند.

○ به چه شکل؟

● اگر در کشوری، صاحب‌نظری ایده یا یافته‌ی پژوهشی متناسب و مرتبط با رویکرد ما داشته باشد، در فصل‌نامه ارائه می‌شود. در واقع، صاحب‌نظران، نویسندگان و پدیدآورندگان را در یک فضای تبادل‌نظر که البته مکتوب است، قرار می‌دهیم. ما حتی نشست‌های تخصصی برگزار می‌کنیم و نظرات صاحب‌نظران را از طریق جوانه نشر می‌دهیم. تاکنون ۲۰ شماره از این فصل‌نامه به چاپ رسیده است.

اما کتابچه‌ها به تناسب برنامه‌ی درسی تدوین می‌شوند. موضوع انتشار آن‌ها از سال ۷۹ مطرح بود، اما به‌طور جدی در سال ۸۱ اولین شماره‌ی کتابچه‌ها تحت عنوان «ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی» که ویژگی‌های عام کتاب‌های آموزشی را دربرداشت، انتشار یافت. ویژگی‌های خاص و اختصاصی، در کتابچه‌های بعدی گنجانده شدند. مثلاً کتابچه‌های علوم تجربی مربوط به حوزه‌ی ابتدایی، ریاضی مربوط به دوره‌ی راهنمایی و غیره به‌صورت خاص تدوین شدند. در دوره‌های خاص، بعضی از درس‌ها جنبه‌ی همگانی تری دارند؛ مثل زبان‌های خارجی که تقریباً هر سه دوره را پوشش می‌دهد. در این کتابچه‌ها بحث در مورد اهداف، اصول و موضوعاتی است که باید برای تولید کتاب‌های آموزشی بدان‌ها پرداخته شود و پیرو آن نیازهای آموزش و پرورش و توصیه‌هایی برای مؤلفان آمده است. ما این نشریات را برای نویسندگان، ناشران هم‌چنین برای مسئولان و افراد ذی‌نفعی که به نوعی دست‌اندرکار تولید این‌گونه کتاب‌ها هستند نیز ارسال می‌شوند.

○ چه فعالیت‌های دیگری در دست دارید؟

● یکی از کارهایی که در دستور کار ما قرار دارد، تولید و تدوین استانداردهای کتاب‌های آموزشی به صورت تخصصی‌تر است. ما تاکنون تنها تولید معیارها را داشته‌ایم. بحث استانداردها، عمدتاً باید در یک حوزه‌ی کمی و کیفی صورت بگیرد و حتی آزمایش‌ها و مطالعاتی روی آن انجام شود. لذا بنا به تصویب سازمان، چهار کمیته‌ی علمی در چهار

دوره‌ی تحصیلی پیش‌دبستان، دبستان، راهنمایی، و متوسطه نظری - مهارتی شروع به کار نموده‌اند. پیرو آن از آن‌جایی که امسال سال بزرگداشت مولانا بود، ما در حوزه‌ی کودک و نوجوان، آن‌چه را که در طول حدود یک دهه تولید شده است، فراخوان کرده‌ایم و خواسته‌ایم که ناشران، کتاب‌های خود را برای بررسی و معرفی به دانش‌آموزان سراسر کشور ارسال کنند. فعالیت دیگری که در دستور کارمان قرار دارد، تولید چند نشریه‌ی راهنما است که به تدوین اصول و ویژگی‌های تصویرگری کتاب‌های آموزشی، اصول نگارش و کتاب‌های آموزش دینی می‌پردازد.

بحث سازمان‌دهی کتاب‌های سنجش و اندازه‌گیری که به صورت یکی از آفت‌های آموزش و پرورش درآمده و متأثر از کنکور است نیز موردنظر ماست. متأسفانه، کتاب‌های تست به حوزه‌ی راهنمایی و دبستان هم سرایت کرده‌اند و آزمون‌های المپیاد و تیزهوشان باعث شده‌اند که حقیقت علم‌اندوزی در حاشیه قرار گیرد. ما در پی آن هستیم که آن محتوایی که به تولید دانش، فهم و خلاقیت در فراگیران می‌انجامد، انتشار یابد.

○ دوستان علاقه‌مند چگونه می‌توانند با شما تماس بگیرند.

● سهل‌الوصول‌ترین راه برای برقراری ارتباط با ما، سایت [roshdmag.ir](http://roshdmag.ir) است که هم از طریق الکترونیک و هم از راه‌های دیگر این امکان را می‌دهد. برای مثال، ما معمولاً فراخوان یادداشت‌ها و مقالات را در این سایت می‌آوریم که جدا از ارتباطمان با معلمان گروه‌های آموزشی در بازخوردی که می‌دهد، می‌تواند ما را در اداره‌ی بهتر این حوزه یاری رساند. علاوه بر آدرس ایمیل و پستی ما، فضای برای تبادل عقاید و پرسش و پاسخ وجود دارد. تاکنون ما حدود ۱۰ نشست تخصصی داشته‌ایم، ما ایجاد فضایی کاملاً آزاد و دوسویه از هر گونه انتقاد و پیشنهاد استقبال می‌کنیم؛ چون به ارتقا و رشد کار ما کمک می‌کند. برای مثال، هم‌زمان با هر دوره از جشنواره، یکی دو میزگرد تخصصی برپا کردیم و امسال کارگاه‌هایی خواهیم داشت. به‌منظر من حلقه‌ی مفقوده، اطلاع‌رسانی است و خودمان هم از این کمبود بسیار رنج می‌بریم. کتاب‌ها با زحمت و دقت تولید می‌شوند و مخاطبان به شدت به دریافت اطلاعات نیاز دارند.

ما خاتواده‌ی بزرگی هستیم، به طوری که هرگاه اسم آموزش و پرورش می‌آید و می‌خواهیم کاری انجام دهیم، ۱ را ضرب در ۱۷ میلیون می‌کنند و به این ترتیب، با هیچ بودجه‌ایی نمی‌توان کار را به‌طور کامل پوشش داد. اگر در مسئولان رسانه‌ی ملی ما، این دیدگاه و تصور ایجاد بشود که بحث کتاب و کتاب‌خوانی یک ضرورت است و این ضرورت را همه احساس کنند، بیشتر مسائل حل می‌شود.

فصل‌نامه‌ی جوانه و نشریات راهنمای تولید کتاب، راهکارها، استانداردها و اصولی را که در تدوین کتب نیاز است، معرفی و تبیین می‌کنند

می‌کند. گستره‌ی این تغییرات، از تغییر در ارتباطات رفتاری با والدین، معلمان و دوستان تا تغییر در حرکات جسمی و بدنی را دربرمی‌گیرد.

برای ترک کردن دوره‌ی کودکی، یعنی ترک آن‌چه دیگر نیست، و به منظور اثبات وجود خود به عنوان یک فرد مستقل، نوجوان قبل از هر کار، شروع به طرد آثانی می‌کند که تا آن هنگام مورد قبول وی حتی تا حد پرستش بودند؛ یعنی خانواده و الگوهای مورد تقلید مانند معلم. به آن‌چه آنان دوست دارند، بی‌توجه و بی‌تفاوت است و از این طریق می‌خواهد استقلال خود را نشان دهد. کودک، والدین و به‌طور کلی بزرگ‌سالان را برتر می‌داند، اما در جریان رشد به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر به قدرت لایزال و خدشه‌ناپذیر بزرگ‌سالان اعتقاد ندارد و در مورد آن دچار تردید می‌شود. این تردید زمینه‌ساز نافرمانی و عصیانگری نوجوان در برابر بزرگ‌سالان است که به خوبی در رفتار وی نمود می‌یابد. نوجوان دیگر نه تنها برای والدین و حتی معلمانش ارزشی بیش از آن‌چه شایسته‌ی آن‌هاست قائل نیست، بلکه از آنان انتقاد هم می‌کند. دختر و پسر نوجوان بدون ذره‌ای ترحم در مورد والدینش خود داوری می‌کنند و معایشان را چند برابر بیان می‌دارند. محبتشان را لوس‌بازی و مهربانی و احوال‌پرسی‌شان را دخالت می‌شمارد.

در این دوره است که نوجوان از شناخت دوستان نسبت به خانواده‌اش بی‌مناک می‌شود. برخی از محدودیت‌های

در نوشته‌های پیشین، خصوصیات چند از عالم نوجوانی را برشمردیم و به اجمال بررسی کردیم. دوران بلوغ را دورانی بحرانی و نگرانی آور خواندیم که باید ویژگی‌هایش را شناخت و مورد کنکاش قرار داد تا با آگاهی بتوان، رفتارهای خاص این دوره را که فرزندانش و شاگردانمان بروز خواهند داد، پیش‌بینی و کنترل کرد و آن رفتارها را در مسیر صحیح هدایت کرد. نداشتن آگاهی و به تبع آن عکس‌العمل‌هایی که در مقابل این رفتارها و کنش‌ها نشان می‌دهیم، ممکن است نتایج وحشتناکی به دنبال داشته باشد. به عقیده‌ی استتلی هال، تظاهرات ضدونقیض در رفتار از خصیصه‌های مهم دوره‌ی نوجوانی و بلوغ است. در حرکات نوجوانان، نبود توازن و تعادل به چشم می‌خورد و این امر در آنان گاهی چنان است که می‌خواهند از حیطه‌ی نظم و قاعده کاملاً خود را خارج سازند. گاهی چنان نرمش دارند که آدمی در حیرت می‌ماند و گاهی چون کوه در برابر دیگران ایستاده و مقاوم‌اند.

پریشانی و آشفتگی رفتار با هدف منفی از خصایص این دوره است. در کل ما در این مرحله تحولات عظیم و پر دامنه‌ای را می‌بینیم که در محیط خانه و مدرسه نمود دارند و والدین و معلمان اغلب اوقات با آن‌ها مواجه هستند و از آن‌ها رنج می‌برند. رفتار نوجوان مناسب و مورد قبول نیست، جز برای دوستان و معشران او، و کنترل او نیز دشوار است. در دوره‌ی نوجوانی تغییراتی گسترده در رفتار نوجوان ظهور

## بازشناسی ابعاد شخصیتی نوجوان - ۵

سید علی محمودی

# ویژگی‌های رفتاری

اقتصادی و فقر خانواده رنج می‌برند و می‌کوشند، آن را از دوستان خود پنهان نگه دارند. برخی دیگر نیز از زندگی به شدت لوکس و تجملی خود شاکنی و شرمندند. در واقع می‌توان گفت، تمایل اکثر نوجوانان این است که والدین خود را از نگاه دوستان خود ببینند و در مورد آن‌ها قضاوت کنند.

هنگام بلوغ، جنبه‌ی فردی نوجوان به حد افراط می‌رسد. وی در حالت قهر است؛ قهری که از نوع کودکانه و ناشی از زودرنجی‌ها، دلخوری‌ها و خودخواهی‌ها که باعث می‌شود گاهی خود را در گوشه‌ای منزوی، و از والدین و اطرافیان خویش آسوده سازد. زمانی در وی خشونت است و تندخویی و عصبانیت و گاهی بی‌حوصلگی و لجبازی بی‌حساب که به دنبال آن عادات نادرست و رفتارهای خلاف اخلاق فرصت ظهور می‌یابد؛ رفتارهایی که سرمنشأ بزه‌کاری نوجوان است.

از خصایص مهم دوره‌ی نوجوانی، نیاز به نوشدن و نو دیده‌شدن است که به آن نوجویی می‌گویند. نوجویی به شکل‌های گوناگون بروز می‌کند: در شیوه‌ی لباس پوشیدن، در طرز رفتار، در استعمال لغات و اصطلاحات مخصوص، در خط و...

نوجویی در آرایش ظاهری و لباس پوشیدن، خصوصیت مشترک دختران و پسران است و تمایل آن‌ها را به فاصله گرفتن از قالب‌های موجود می‌رساند. نوجویی در خط و زبان نیز دیده می‌شود. هر نسل جوانی، واژه‌ها و اصطلاحات خاص

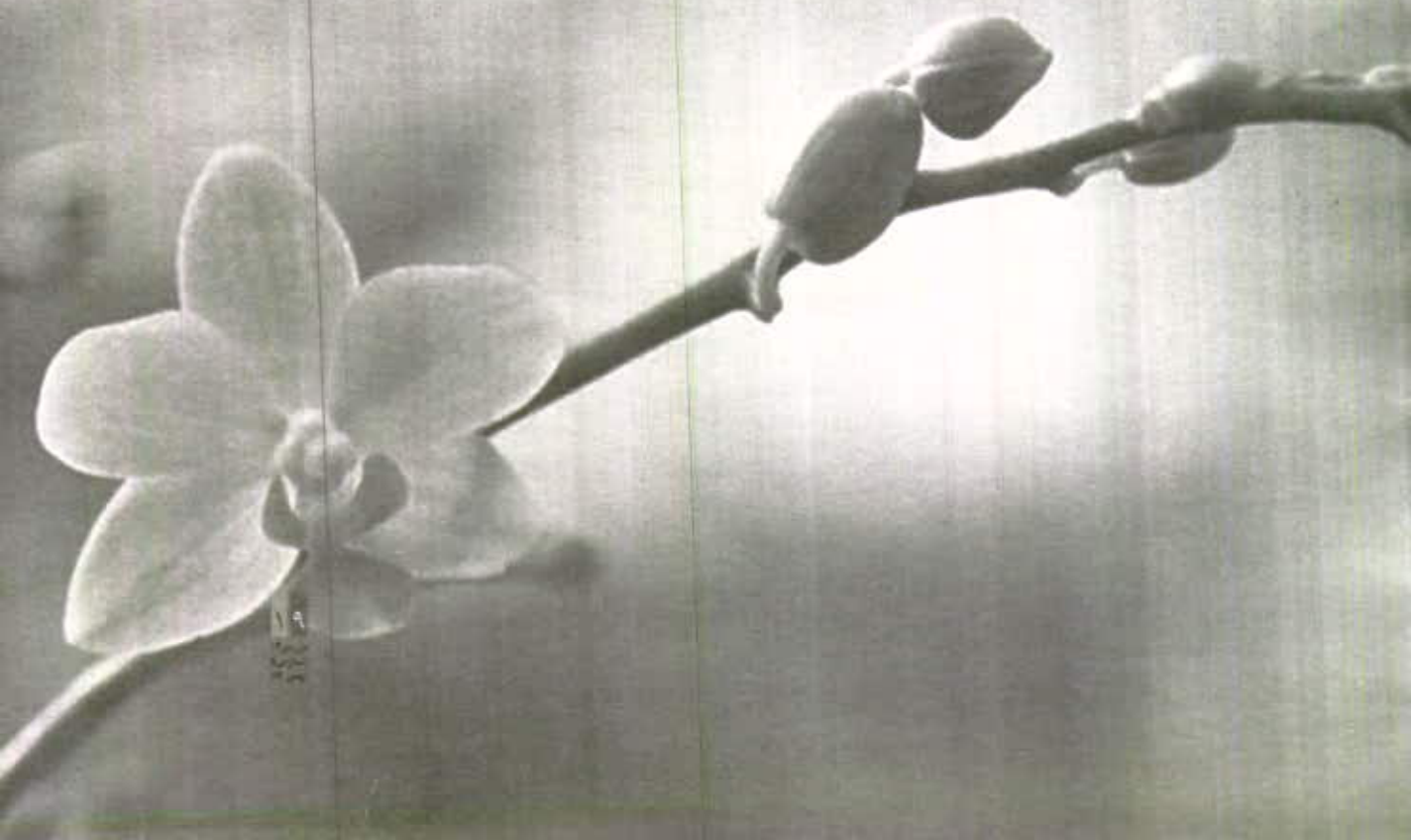
خود را دارد که در عین حال از محیطی به محیط دیگر و از طبقه‌ای به طبقه‌ی دیگر متفاوت است.

در مدارس سعی بر این است که زبان واژه‌های پسندیده‌ی ادبی به دانش‌آموزان یاد داده شود. اما این مطلب مانع از بروز واکنش مخالفه، یعنی به کار بردن واژه‌های نازیبا و عامیانه نمی‌شود. نوجوان با به کار بردن اصطلاحات مخصوص، به ویژه علامت رمزی و رموز نمی‌خواهد تنها باعث حیرت دیگران شود، بلکه این اصطلاحات وسیله‌ی مخصوص ارتباط میان افراد یک گروه است. به نظر آنان، این عالی‌ترین وسیله برای طرد بزرگسالان و برای ایجاد دنیای مخصوص به خودشان است. خط هم معمولاً از سن ۱۳ تا ۱۵ سالگی تغییر می‌کند. زیرا نوجوان می‌کوشد، با تقلید خصوصیت نوشتاری بهتری را به دست آورد.

به‌طور کلی، در تمامی این تغییر رفتارها می‌توان یک مطلب را یافت: تلاش نوجوان برای اثبات وجود خود به عنوان یک شخصیت واحد و ممتاز. در خلال تمامی این کوشش‌ها، او برای خود هویت و شخصیت می‌سازد. افزون بر این، موضوع قابل استنباط دیگر از این امور، خودشیفتگی و خودپرستی زیاده از حد خاص نوجوان و سن بلوغ است. به همراه احساس نبود امنیت و ابهامی که دربارهِ ماهیت وجودی خویش احساس می‌کند. در این خصوص، وجود مشاوره‌ی آگاه و دلسوز در مدرسه و والدینی مطلع در منزل می‌تواند، این تغییرات رفتاری در نوجوان را کنترل و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کند.

#### منابع

۱. قائمی، دکتر علی. دنیای بلوغ. انتشارات سازمان ملی جوانان. چاپ اول. بهار ۱۳۸۰.
۲. احدی، دکتر حسن و محسن. دکتر نیکچهر. روان‌شناسی رشد. چاپ و نشر بنیاد. چاپ ششم. ۱۳۷۹.



## مشکلات

ابراهیم اصلانی

## هیجانی

مطالعه‌ی علمی در مورد نوجوانی، از سال ۱۹۰۴ با انتشار دو جلد کتاب «نوجوانی» به وسیله‌ی استانی هال آغاز شد. برجسته‌ترین مفهوم نظریه‌ی هال درباره‌ی نوجوانی، «طوفان و فشار» است. به اعتقاد وی، تغییرات نوجوانی یا نوسان‌های پرشور عاطفی و آشفتگی‌های هیجانی همراه می‌شود [احمدی و جمهری، ۱۳۷۸].

مسئله‌ی هیجانات و عواطف، موضوعی قابل توجه در روان‌شناسی رشد نوجوانی است که از گذشته‌های دور تاکنون مورد بحث و بررسی بوده است. اگر چه بیشتر مردم، نوجوانی را دورانی پرشور و شرم‌ناز دانند، اما دیدگاه‌های همه‌ی روان‌شناسان درباره‌ی این نگرش عمومی یکسان نیست. به این ترتیب، ابتدای سؤال مطرح می‌شود که: «آیا مشکلات هیجانی در دوران نوجوانی، نسبت به دوره‌های اولیه و بعدی زندگی، بیشتر است؟»

## تعمیم‌های نابه‌جا

اکثر نوجوانان از اختلالات روان‌شناختی قابل تشخیصی و نوح نمی‌برند، ولی بیشتر متخصصان معتقدند که نوجوانی، به ویژه دوره‌ی اول آن، دوره‌ای بحرانی برای توسعه و رشد آسیب‌های روانی است. احتمالاً بیش از هر دوره‌ی دیگری، ابتدای نوجوانی زمانی است که تحولات شدید و وسیع، افراد را از ابعاد جسمانی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تحت تأثیر قرار می‌دهد [شهرآرای، ۱۳۸۴].

مربیان و والدین درباره‌ی مشکلات هیجانی نوجوانی، باید به چند نکته توجه کنند:

۱. نوجوانان مستعد آسیب‌های روانی هستند، اما این بدان معنا نیست که همه‌ی آنان بحران‌ها و آشفتگی‌های هیجانی مبتلا باشند.

۲. موقعیت زندگی و شرایط فرهنگی جامعه در بروز مشکلات هیجانی نقش مؤثری دارند. هنوز در فرهنگ ما، پژوهش‌های جامعی در مشکلات هیجانی نوجوانی صورت نگرفته است که بتوان قضاوت و تحلیل مناسبی در این باره ارائه کرد.

۳. گاهی نبود نگرش تخصصی به مباحث علمی، به تعمیم‌های نابه‌جا می‌انجامد. برای مثال، تفاوت‌های بین زندگی و مردم دیروز و امروز که به تعبیری از آن با عنوان شکاف نسل‌ها یاد می‌شود، امری عادی و قابل پیش‌بینی است. حتی اگر این تصور پدر و مادر و معلم، درست باشد که کودک و نوجوان امروزی، گستاخ‌تر

است، بخشی از این تصور، به تفاوت‌های زندگی دو نسل باز می‌گردد. رفتارهای پر شور نوجوانی که گه‌گاه ممکن است بای تجربه‌ی یابزرگ‌نمایی همراه باشد، نباید به عنوان بحران یا مشکل تلقی شود.

لطف آبادی (۱۳۷۹)، با اشاره به ریشه‌های فکری و فلسفی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان روان‌شناسی نوجوانی می‌گوید: واقعیت این است که اگرچه نوجوانی دوره‌ی جدیدی از جریان رشد فرد است، اما نگرش افراطی در مورد آشنفگی و بحران نوجوانی، دیدگاهی مبالغه‌آمیز است و مشکلات هیجانی نوجوانان در اروپا و آمریکا و سایر کشورهای که سبک زندگی غربی دارند، با مناسبات اجتماعی، سبک زندگی و نگرش فرهنگ غربی به انسان، ارتباط بیشتری دارد.

#### درون‌ریزی مشکلات

به اعتقاد روان‌شناسان، مشکلات هیجانی، به درون معطوف می‌شوند و این نوع مشکلات به عنوان «واکنش‌های درونی» معرفی می‌شوند. اختلال‌های رفتاری و رفتارهای ضداجتماعی، برون‌ریزی مشکلات را نشان می‌دهند و مشکلات بیرونی شده هستند. اما رفتارهایی مانند افسردگی، خودکشی، اختلالات خوردن و استفاده از الکل و مواد مخدر، اغلب اوقات مشکلات درونی شده را منعکس می‌سازند؛ به ویژه اگر نوجوانان از این مواد برای فرار یا اجتناب از موقعیت‌های ناخوشایند استفاده کنند [شهرآرای، ۱۳۸۴].

به طور کلی، سه دسته عوامل خطرزای خانوادگی، محیطی و فردی، مشکلات هیجانی را به وجود می‌آورند. تغییرات نوجوانی، دگرگونی‌هایی به‌نجار هستند و اگر آشنفگی‌هایی را هم به دنبال داشته باشند، نوجوان خود را با آن‌ها وفق می‌دهد. بعضی از نوجوانان ممکن است در کنار آمدن با تغییرات ناموفق باشند و مشکلات هیجانی را تجربه کنند. شرایط تنش‌زای خانواده در بروز مشکلات هیجانی بسیار مؤثر است.

فشار روانی در مدرسه، محیط کار و روابط با هم‌سالان نیز می‌توانند باعث شوند، نوجوان به میزان زیادی آشنفگی را تجربه کند. بعضی از ویژگی‌های فردی هم موجب بروز فشار روانی می‌شوند یا مقدار آن را تشدید می‌کنند.

مباحث گسترده‌ای درباره‌ی مشکلات هیجانی نوجوانی وجود دارد و باید والدین و مربیان آگاهی‌های لازم را در مورد آن‌ها داشته باشند. مدارس نقش مهمی در توسعه‌ی این آگاهی‌ها دارند. برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزش خانواده، موقعیت مناسبی برای طرح تخصصی موضوعات هستند؛ البته در صورتی که ضرورتی وجود داشته باشد. تشخیص چنین ضرورتی، نکته‌ای کلیدی و حساس است.

به نظر می‌رسد، احساسات افسرده در دوره‌ی نوجوانی افزایش می‌یابند که به تناسب جنسیت، تنوع زیادی در مورد این مشکلات وجود دارد. خودکشی در دوره‌ی نوجوانی با افسردگی پیوند دارد. عده‌ای از نوجوانان، با خطرات مصرف الکل و مواد مخدر روبه‌رو می‌شوند. در همه‌ی موارد یاد شده، بدون وجود دانش و نگرش تخصصی، بی‌تفاوتی یا رفتارهای مداخلانه‌جویانه می‌توانند، به یک اندازه مشکل‌آفرین باشند.

#### نقش خانواده

ارزیابی شرایط روان‌شناختی خانواده، کاری دشوار و اصلاح آن کاری دشوارتر است؛ به خصوص اگر یکی از والدین دچار اختلالات روان‌شناختی باشد. احساس خوش‌بینی یا بدبینی به زندگی، به طور معمول از خانواده نشئت می‌گیرد و تغییر رویه و نگرش والدینی که به زندگی آینده امیدوار نیستند، به سادگی امکان‌پذیر نیست. با وجود این، برای بهبود شرایط خانواده می‌توان توصیه کرد:

۱. احساسات مثبت و منفی در فضای خانواده مورد ارزیابی قرار گیرند و مثبت‌نگری تقویت شود.

۲. احساسات و رفتارهای نوجوان از قبیل: «بدبینی شدید، بی‌ارزشی»

ناامیدی، عزت‌نفس پایسین، خود سرزنش‌گری، کم‌جرفتی، ناآرامی و غیره، مورد توجه منطقی قرار گیرند.

۳. مشکلات هیجانی نوجوان با استفاده از نگرشی تعاملی به خانواده تحلیل و بررسی شود. وقتی همه چیز متوجه نوجوان است و پدر و مادر کنار می‌کشند، یا نقش خود را خنثی تلقی می‌کنند، به طور معمول، اتفاق خاصی نمی‌افتد و بهبودی حاصل نمی‌شود.

۴. به نوجوان، راه‌دهی‌های کنار آمدن با فشار روانی آموزش داده می‌شود.

#### نقش مدرسه

گاهی مدارس به قدری سرگرم آموزش، امتحان، ادب و انضباط، و امور اداری هستند که مسائل اساسی نوجوانان مورد غفلت قرار می‌گیرند. مدارس می‌توانند، چه در قالب برنامه‌های حمایتی ملی و چه با برنامه‌های موردی و خاص، اقدامات مؤثری در پیشگیری از بروز و توسعه‌ی مشکلات هیجانی انجام دهند؛ از جمله:

۱. در مدرسه باید امکانات تخصصی لازم، مانند بهره‌مندی از مشاور یا روان‌شناس برای تشخیص مشکلات هیجانی وجود داشته باشد. حداقل مدیر مدرسه باید با آموزه‌های مشاوره‌ای آشنا باشد.

۲. بخش مهمی از فعالیت‌های مدارس باید به توسعه‌ی آموزه‌های روان‌شناسی سلامت معطوف باشد. همه‌ی انسان‌ها به چنین آموزش‌هایی نیاز دارند.

۳. مدرسه باید نیازهای روان‌شناختی و مشکلات آنان را شناسایی و خدمات موردی یا عمومی ارائه کند.

۴. فضای عمومی مدرسه نقش مهمی در تربیت دارد. مدیر مدرسه باید بتواند عوامل مؤثر در ایجاد یک فضای مطلوب و شاداب را تحلیل، شناسایی و فراهم کند.

۵. سلامت روانی معلم در رشد عاطفی و هیجانی دانش‌آموزان بسیار تأثیرگذار است.

#### زیرنویس

1. G. Stanley Hall (1846 - 1924)

#### 2. Storm and Stress

۳. توصیه می‌شود به کتاب:

آموزش‌های مشاوره‌ای برای مدیران مدارس، تألیف ابراهیم اصلاتی که توسط انتشارات مدرسه به چاپ رسیده است، مراجعه کنید.

#### منابع

۱. احدی، حسن و جمهری، فرهاد (۱۳۷۸). روان‌شناسی رشد. پرجیس، تهران. چاپ اول.

۲. شهرآرای، مه‌ناز (۱۳۸۴) - ترجمه و تألیف). روان‌شناسی رشد نوجوان. نشر علم، تهران. چاپ اول.

۳. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۹). روان‌شناسی رشد کاربردی نوجوانی جوانی. سازمان ملی جوانان، تهران. چاپ اول.

در شماره‌های پیش گفتیم، با این که بسیاری از اولیای تربیتی (پدران، مادران و مربیان) به اهمیت دوران بلوغ واقف هستند، اما همه‌ی آنان در اندیشه آن اند که در این دوران «چه باید کرد؟» و کمتر کسی می‌اندیشید که «چه نباید کرد؟»  
در بحث‌هایی که گذشت و خواهد آمد، ما از نیاید‌های بلوغ سخن گفته‌ایم و در این شماره از «نباید» چهارم، یاد خواهیم کرد: «به بلوغ، تنها از بعد جنسی نگاه نکنیم.»

نباید‌های بلوغ - ۴

# بلوغ و تغییرات بدنی

گفتار امروز را با خاطره‌ای از چند سال پیش آغاز می‌کنم: روزی با پدر یکی از دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کردم. فرزند او در کلاس دوم راهنمایی تحصیل می‌کرد. وقتی به پدر گفتم که فرزند تو بالغ شده است، رنگ از رخسارش پرید. نوبت نداشت فرزندش به این زودی به بلوغ برسد. به وضوح اضطراب و نگرانی را در چهره‌ی او می‌خواندم. گویی که خبر ناگواری را شنیده است. دوست داشت تا آن را باور نکند و از من دوباره و چندباره می‌پرسید: «مطمئن هستید! راست می‌گویید؟»

چرا این پدر از شنیدن خبر بلوغ فرزندش این گونه نگران شده بود؟ در شماره‌های پیش اشاره کردیم که چگونه بلوغ فرزندان باید مایه‌ی شادمانی والدین شود، اما متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها به محض آگاهی از بلوغ فرزندان، دچار نگرانی و غم می‌شوند. دلیل عمده‌ی این دلواپسی «نگاه صرفاً جنسی» به بلوغ است. واقعیت این است که یکی از علائم عمده‌ی بلوغ، چه در پسران و چه در دختران، به اندام‌های جنسی آنان از تباطؤ پیدا می‌کند. اما کج سلیقگی و بی‌انصافی است، اگر بلوغ را تنها منحصر به موضوعات جنسی کنیم و تنها از این منظر به بلوغ بنگریم.

این نگاه جنسی به بلوغ عوارض گوناگونی دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

**تهایی عاطفی نوجوانان:** در بسیاری از خانواده‌های سنتی متدین یا مقید، بروز علائم جنسی بلوغ در فرزند و نگاه صرفاً جنسی ایشان به این موضوع باعث می‌شود تا به سرعت و بدون رعایت تدریج (که یکی از الزامات تغییر رفتار است)، ارتباط فرزند با جنس مخالف قطع شود.

نوجوان ناگهان از جمع غیر هم جنس‌ها خارج یا به کناره‌گیری و انزوا می‌شود و دیگر راهی برای حضور در گروهی که سال‌ها به آن انس گرفته است، ندارد.

پسر یا دختری که از ابتدای تولد در کنار دخترخاله یا پسرخاله‌ی خود رشد کرده است و با یکدیگر، بازی‌های کودکانه و خاطرات شیرینی را تجربه کرده‌اند، ناگهان از ارتباط با این دوست دوران کودکی محروم و به او تکلیف می‌شود که دیگر نباید هیچ ارتباطی به او برقرار سازد. بدیهی است که چنین قطع ارتباط ناگهانی، عوارض روحی و روانی به دنبال خواهد داشت. نکته‌ی اسفبار قضیه این جاست که وقتی مثلاً پسر بالغ از جمع غیر هم‌جنسان دور می‌شود و به او به وضوح گفته می‌شود که دیگر نباید در جمع بانوان حاضر شوی، در مقابل از جمع مردان کسی حاضر به پذیرفتن این پسر نوجوان نیست.

مردها در جمع خود، درگیر بحث‌های رایج خویش هستند و حضور این به ظاهر کودک را نمی‌پذیرند و گاه با جملاتی نظیر این که: «چرا نمی‌روی با بچه‌ها بازی کنی؟» یا: «چرا سراغ درس و مشقت نمی‌روی؟» او را از جمع خویش می‌رانند و این نحوه‌ی برخورد، می‌تواند مقدمه‌ی «تهایی عاطفی» نوجوان باشد.

بررسی‌ها نشان داده‌اند که این تهایی عاطفی، گاه عوارض سوء و غیر قابل جبرانی دارد و چنین انزواها و در خود فرو رفتگی‌ها، چه بسا به رفتارهای سوء اخلاقی بینجامد. توصیه‌ی ما این نیست که پس از بروز نشانه‌های جنسی بلوغ، هیچ محدودیتی برای ارتباط نوجوان با غیر هم‌جنسان قائل نشویم، بلکه می‌توان به تدریج و بدون ایجاد حساسیت، فاصله‌ی قابل قبول شرع مقدس، را ایجاد کرد.

پدران و مادران می‌توانند به حای آن که ارتباط فرزندان خویش را با هم‌سالان غیر هم جنس کاملاً قطع کنند، در تغییر نوع ارتباط بکوشند. حضور فعال و بیشتری در جمع مختلط نوجوانان داشته باشند و می‌توان از بازی‌هایی بهره جست که تماس جسمی در آن‌ها وجود ندارد.

در مورد حضور در جمع بزرگ‌ترهای غیر هم جنس نیز به جای منع ورود قاطع و کامل، حضور با رعایت اصولی مانند پوشش مناسب، با دقت در محاورات بزرگ‌سالان، پیشنهاد می‌شود. بدیهی است که بزرگ‌سالان هم جنس نیز باید با آغوش باز نوجوان بالغ را در جمع خویش بپذیرند. چه مانعی دارد تا وقتی نوجوان وارد جمع بزرگ‌سالان می‌شود، به جای آن که در گوشه‌ای ساکت بنشیند، او را به بحث وارد کنند، از او نظرش را درباره‌ی موضوع مورد بحث جویا شوند و یا گاه بحث‌های قی مابین را

محمد تقی اختیاری



تصویر: محمد تقی اختیاری



موقتاً تعطیل کنند تا او درباره‌ی موضوع خاصی صحبت کند؟

### کج رفتاری‌ها و سوءظن‌های بزرگسالان

همه‌ی علمای روان‌شناسی، وقتی از مراحل رشد سخن می‌گویند و به دوران بلوغ می‌رسند، درباره‌ی ویژگی‌های این دوران، به خصوصیاتى مانند: علاقه‌ی نوجوان به ابراز وجود، احساس استقلال، گرایش به هم‌سالان، تبعیت از الگوهای گروهی و... اشاره می‌کنند و تمامی آن‌ها را از ویژگی‌های طبیعی دوران بلوغ می‌شمارند. اما نگاه جنسی به بلوغ، نه تنها چشم بزرگ‌ترها را در دیدن این خصوصیات و دست‌آنها را در اقدام مناسب می‌بندد، بلکه حتی بروز ظاهری هر یک از ویژگی‌ها نیز ذهن آنان را بلافاصله به مسائل جنسی معطوف می‌کند، برخوردها و واکنش‌های نامناسب را برمی‌انگیزد و در نتیجه، ضایعات روحی و روانی خاص خود را برجای می‌گذارد.

برای مثال، اگر علاقه به خود به نیاز به ابراز وجود، دقیق‌تر و بیشتری نوجوان را رویه‌روی آینه نگه دارد، یا دقت بیشتری در ظاهر و مو و لباس خود بکند، ذهن جنسی، گاه این حرکات را نشانه‌ی حضور یک غیر هم‌جنس در زندگی نوجوان می‌پندارد و این گزاره‌ی معنی در ذهن شکل می‌گیرد که این توجه به خویش، نشانگر آن است که نوجوان می‌خواهد دلبری کند و دل غیر هم‌جنسی را بریابد. یا اگر نوجوانی با احساس استقلال بخواهد تا خلوتی را برای خویش برگزیند، بزرگ‌ترهای دارای ذهن جنسی، این خلوت‌گزینی را نشانه‌ی نامناسی می‌دانند و در پس آن سوء اخلاق جنسی را می‌بینند. چنین است که هر سخن آهسته با هم‌سالان به نشانه‌ی بیان یک نکته‌ی جنسی تعبیر

می‌شود و چه بسا حساسیت‌های بی‌مورد بزرگ‌ترها را برمی‌انگیزد. این چنین است که گاه دیده می‌شود، اولیای مدارس و مربیان با بدبینی غیرمنطقی به گروه‌های کوچک دانش‌آموزان می‌نگرند.

اگر دو یا سه نوجوان روابط کاملاً نزدیکی با هم داشته باشند و همواره اوقات فراغت خویش را در کنار هم بگذرانند، دید جنسی مربیان احساس خطر می‌کند و به هر قیمت، در صدد از هم پاشیدن این جمع دوستی برمی‌آیند و عمده‌ی نگرانی آنان این است که نوجوانان در این جمع به گرایش‌های ناصواب جنسی روی آورند. گاه دیده‌ایم که از این گروه‌های کوچک هم‌سال با تعبیرات غیر مناسب و زشتی مانند «بانده» که مخصوص دسته‌های جنایتکاران است، نام برده‌اند. و البته گاه همین حساسیت‌های افراطی، باعث شده است تا نهایتاً ذهن‌های نوجوانان به سوی مسائل جنسی معطوف شود.

بدبینی است که سخن در این نیست که نسبت به رفتارهای نوجوانان نباید حساس بود و پیشنهاد نمی‌کنیم که به آنان باید آزادی نامحدود ارزانی داشت، بلکه توصیه می‌شود که اولاً، از رفتارهای نامناسی که اکثر آرایده‌ی تفکرات جنسی است، پرهیز کرد و ثانیاً، ضمن توجه به سایر ابعاد بلوغ، بروز ویژگی‌های دیگر را تا بهی از بُعد جنسی بلوغ به شمار نیاورد.

### کناره‌گیری اولیا از آموزش

وقتی به بلوغ تنها نگاه جنسی داشته باشیم، یا توجه به آداب و فرهنگی که بر جامعه‌ی ما حاکم است و اخلاقاً سخن گفتن در باب مسائل جنسی با کودک و نوجوان را زشت و قبیح می‌دانیم، طبیعی است که دیگر اولیای تربیتی از گفت‌وگو با نوجوانان در مورد مسائل بلوغ پرهیزند.

واقعیت این است که پدران و مادران معمولاً از گفت‌وگو با فرزندان خود در مورد بلوغ آنان گریزانند و در خوش بینانه‌ترین صورت، این مهم را به مدارس وامی‌گذارند. در حالی که قانوناً هیچ وظیفه‌ی مشخص در باب آگاهی‌بخشی در دوران بلوغ، به عهده‌ی مدارس گذاشته نشده است. بنابراین، در بسیاری از اوقات نوجوانان بدون هیچ آگاهی مناسب با علائم بلوغ رویه‌رو می‌شوند.

بسیاری از جوانان، مواجه شدن با اولین احتلام (در پسران) یا اولین پریود (در دختران) را به عنوان خاطره‌ای تلخ از یاد نمی‌برند. اضطراب و ترس یا مراجعه به افراد غیر صالح برای کسب اطلاع، از عوارض سردرگمی‌های نوجوانان در مواجهه با چنان علامتی است.

اولیای تربیتی در خانه و مدرسه می‌توانند با لحن مناسب و علمی این تغییرات فیزیولوژیک را برای نوجوانان توضیح دهند و آنان را آماده‌ی چنین شرایطی سازند، اما ذهن جنسی، گفت‌وگو در این موارد را دور از شان و خلاف ادب می‌داند. در حالی که معمولاً احتلام‌های اولیه‌ی پسران و عادت‌های ماهانه‌ی دختران جنبه‌ی جنسی ندارد.

البته به جز آموزش اطلاعات مربوط به بلوغ، آموزش‌های مهم‌تری نیز دستخوش فراموشی می‌شود و آن آموزش ارزش‌هاست. آموزش ارزش‌های اخلاقی نظیر خویش‌داری و آگاهی از قبح و زشتی گناه و... آینده‌ی سالم نوجوانان را می‌سازد و فراموشی چنین آموزش‌هایی او را در برابر مسائل و مشکلات تنها و بی‌پناه رها می‌کند.

پیام مختصر و مفید «نابده» چهارم، نگاه چندبُعدی به بلوغ و پرهیز از نگاه صرفاً جنسی به آن است.

**واقعیت این است که پدران و مادران معمولاً از گفت‌وگو با فرزندان خود در مورد بلوغ آنان گریزانند و در خوش بینانه‌ترین صورت، این مهم را به مدارس وامی‌گذارند**



ما اغلب اوقات دریاره‌ی این که معلمان کارآمد و برجسته، چگونه مهارت‌های خود را به دست می‌آورند، فکر نمی‌کنیم. این معلمان غیر از مهارت‌هایی که در تدریس دارند، از صفات فراوان دیگری نیز برخوردارند. آن‌ها دریاره‌ی دانش آموزان خود اطلاعات زیادی دارند. از کار با آنان لذت می‌برند، دریاره‌ی موضوع درس خویش مطلع‌اند و به تدریس علاقه دارند.

بسیاری از افراد تدریس را هنر می‌دانند و معتقدند که معلمان باید بر تجربیات شخصی، احساسات و ارزش‌هایی متکی باشند که خارج از حیطه‌ی علم است. حرفه‌ی پیچیده و دشوار معلمی، به هر مندی و اطلاعات علمی نیاز دارد. زیرا در تدریس خوب، علم و هنر به طور پیچیده درهم تنیده شده‌اند.

تدریس هنرمندانه مسلماً با عواطف و ارزش‌ها یا به طور کلی با روح معلم خوب آمیخته است. در عین حال، تعلیم و تربیت در مقام علم از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، زیست‌شناسی، پزشکی و بسیاری از علوم دیگر بهره می‌گیرد تا موجبات تدریس کارآمد و مؤثر را فراهم آورد.

بر اساس تحقیقات، معلمان خوب قادرند قدرت تفکر دانش‌آموزان را پرورش دهند، رشد آنان را آسان سازند. به خوبی از عهده‌ی اداره‌ی کلاس برآیند، درس خود را در کیفیتی بالا عرضه کنند، یادگیری دانش‌آموزان را آسان و نهایتاً ارزیابی کنند و خود را با شرایط متغیر تطبیق دهند.

معلمان کارآمد به شخصیت دانش‌آموزان احترام می‌گذارند و درک خوبی از وضعیت روحی، عاطفی و خانوادگی آنان دارند. زیرا مهارت کلی شناختی دانش‌آموز، تحت تأثیر وضعیت روحی، عاطفی و خانوادگی او قرار دارد. معلمان کارآمد می‌توانند از آغاز رابطه‌ی خوبی با دانش‌آموزان خود برقرار سازند. آن‌ها با آزادی و به آسانی با اعضای کلاس برخورد می‌کنند، مهارت‌های لازم را برای ارتقای انگیزه‌ی دانش‌آموزان دارند و دارای کلاسی مطلوب، سازمان‌یافته و پربارند.

این معلمان به جای رقابت، بر همکاری تأکید می‌کنند، به جای محصول یادگیری، فرایند یادگیری مورد توجهشان است و هدف کلی و مهم آن‌ها، رشد دائمی خودپنداره‌ی مثبت و عزت‌نفس بالا در دانش‌آموزان است. در چنین وضعیتی است که دانش‌آموزان آن‌ها را معلمان صمیمی و قابل اعتماد می‌یابند.

در این جا پرسش مهمی مطرح می‌شود: آیا معلمی که برای شخصیت دانش‌آموزان احترامی قائل نباشد و درک روشنی از وضعیت روحی، عاطفی و خانوادگی آنان نداشته باشد، می‌تواند به چنین توانایی‌هایی دست یابد؟

یادگیری و رشد خوب، خود به خود اتفاق نمی‌افتد، مگر آن‌که به نیازها و کاستی‌های دانش‌آموزان پاسخ داده شود. کلاس باید محیطی باشد که در آن به نیازهای زیستی، ایمنی، تعلق و احترام دانش‌آموز تا حد امکان پاسخ داده شود. آشکار است که معلم نمی‌تواند جایگزین پدر و مادر شود و سرپرستی و محبتی را که کودک به آن نیاز دارد، برای او فراهم آورد. ولی مسلماً می‌تواند، امنیت دانش‌آموز را در کلاس تضمین کند و احساس وابستگی وی را به گروه و کلاس پرورش دهد.

احترام به نفس، تا حد زیادی به نحوه‌ی برخورد معلم با دانش‌آموزان بستگی دارد. ایجاد و اعتلای احترام به نفس در دانش‌آموزان، از طریق احترام به شخصیت او، درک درستی از وضعیت روحی و عاطفی و خانوادگی اش و هم‌چنین پذیرش



تربیت معلم در سلامت روانی دانش‌آموزان  
درک وضعیت روحی، عاطفی و خانوادگی آنان

# احترام به تخصصیت دانش آموزان

وی هم چون فردی بی نظیر و تحسین  
صادقانه از او در برابر کلاس های خوبی که  
انجام می دهد، امکان پذیر است.

مسائل و مشکلاتی که می توانند عملکرد  
دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهند،  
عبارت اند از:

۱. بروز بحران در روابط موجود بین اعضای خانواده، خصوصاً روابط والدین که جدی ترین خطر برای احساس امنیت فرزندان است. مشاجره، بگو مگو، دعوا، فحاشی، تهدید به طلاق و احتمال جدایی والدین در خانواده، از نمونه های بارز و مصادیق وجود بحران در خانواده ها هستند.
۲. جدایی والدین یا مرگ آنها.
۳. بیماری جسمی و یا بیماری روانی و یا معلولیت شدید یکی از والدین یا هر دوی آنها.
۴. بیماری یا معلولیت خود دانش آموز.
۵. فقر شدید مالی خانواده و احتمال سوء تغذیه دانش آموز.
۶. وجود پدر یا مادری خشن و سخت گیر که دانش آموز را مورد آزار و تنبیه جسمی و یا روانی قرار می دهد.
۷. بیکاری سرپرست خانواده.
۸. اعتیاد والد یا والدین به مواد مخدر.
۹. پر جمعیت بودن خانواده و کمی فضای محل سکونت.
۱۰. زندانی بودن سرپرست خانواده.

علائم بارز و قابل مشاهده در دانش آموزان متأثر از مشکلات یاد شده عبارت اند از:

۱. اختلال در تمرکز و یا نداشتن توانایی برای تمرکز طولانی.
  ۲. حواس پرتی و پناه بردن به تخیلات و دوری ذهن از محیط کلاس.
  ۳. بی حوصلگی، بی قراری و عدم توانایی برای مطالعه و مرور متون درسی.
  ۴. احساس پز مردگی، خستگی و افسردگی و نداشتن اعتماد به نفس بالا.
  ۵. انزوا و گوشه گیری.
  ۶. تمایل نداشتن به شرکت در فعالیت های کلاسی، گروهی و ورزشی.
  ۷. بروز حالاتی از قبیل: عصبانیت، خشم، عدم کنترل رفتاری، بدبینی و درگیری با سایرین.
  ۸. نداشتن توانایی برای برقراری روابط مثبت و سازنده با دیگران.
  ۹. افت ناگهانی و یا تدریجی تحصیلی.
- در خاتمه انتظار می رود که معلمان بتوانند با درک وضعیت روانی، عاطفی و خانوادگی دانش آموزان در بر طرف ساختن و یا به حداقل رساندن مسائل آنان بکوشند. ولی چنان چه مشکل عمیق باشد و یا جنبه تخصصی داشته باشد، شایسته است، به منظور دریافت کمک های مؤثر، این گونه دانش آموزان را به مشاورین مدرسه و در صورت عدم اشتغال مشاورین در مدرسه، از طریق مدیر مدرسه به واحدهای مشاوره در ادارات منطقه ای معرفی کنند.



## سلام!

## روشن کار

مهم نیست چه درسی را تدریس می کنید؛ ادبیات، فارسی، زبان انگلیسی، علوم تجربی، ریاضیات، مطالعات اجتماعی یا هر درس دیگر! حتماً دانش و اطلاعات بسده در ارتباط با آن موضوع را دارید، اما این مقدار کافی نیست، هنر معلمی شرط لازم و ضروری است. هنر معلمی رفتار مؤثر و کارآمد معلم در کلاس درس است. این هنر همیشه «ذاتی» نیست، بلکه می تواند «آموختنی» باشد. ارزش یابی های پایانی و آزمون های معنم جلوه گاهی از هنر معلمی است. آزمون هایی که «روا» و «بابا» باشند، می توانند شایستگی و اعتبار آزمون را دو چندان کنند.

## سراغاز

با وجود توجه به ارزش یابی مستمر در آیین نامه ی جدید امتحانات، هنوز هم آزمون های کتبی بیابانی در بسیاری از دروس دست کم، بیسی از نمره ی نهایی دانش آموزان دوره ی راهنمایی را تشکیل می دهند. هر چند آزمون های پایانی نمی تواند نشان گر میزان تلاش واقعی یک سال یا نیمه سال تحصیلی فراگیرندگان باشند، اما در حال حاضر، به عنوان بخشی از ملاک ارتقا به پایه های بالاتر در بخش نامه ها مورد تأکیدند. به علاوه، آن ها تنها ابزاری هستند که برای گیر بیش فراگیرندگان در مدارس ویژه و یا اسم و رسو دار به کار گرفته می شوند. بنابراین، به جاست که از همکاری گرامی خواسته شود، هم گام با تلاش برای کاهش اضطراب امتحان، برای ایجاد کیفیت های مطلوب در آزمون های ساخته شده ی خود بکوشند.

در فهرست ارزش یابی که به دنبال می آید، ۹ شاخص با ملاک کلی ذکر شده است. برای هر ملاک یک، دو یا سه نمره (امتیاز) در نظر گرفته شده است. به طوری که مجموع امتیازها به ۲۰ می رسد.

آزمون نوبت اول خود را بر اساس این ملاک ها مورد قضاوت قرار دهید و به آن نمره دهید. بهتر است کمی سخت گیر باشید و اگر شواهد آشکاری برای رعایت شاخص ها در آزمون ی که طراحی کرده اید وجود ندارد، به خود نمره ندهید.

در مورد هر شاخص، ویژگی های ریزتری نیز بیان شده است. نمره ی هر شاخص را بر اساس ریز موارد ذکر شده برای هر شاخص خود کنید. به این ترتیب با دقت بیشتری به خود نمره می دهید.

## توضیحی برای برخی از شاخص ها

شاخص ۲ و ۳: منطقی بودن، هم خوانی و نحاس پس سؤال ها و هم چنین عبارت روشن و پرسش های واضح و دقیق، مجموعه ی عواملی هستند که می تواند دقت اندازه گیری را بالا ببرد و نه یان دیگر، باعث اعتبار آزمون می شوند. «اعتبار آزمون، به دقت اندازه گیری و ثبات و پایداری آن مربوط می شود و دو معنای متفاوت دارد. یک معنای اعتبار، ثبات و پایداری نمره های آزمون در طول زمان است. بدین معنی که اگر یک آزمون چندبار در بازه ی یک آزمودنی اجرا شود، نمره ی وی در همه ی موارد یکسان باشد. معنای دوم اعتبار به همسانی درونی آن اشاره دارد و مفهوم آن این است که سؤال های آزمون ناچه حد با یکدیگر هم بستگی متقابل دارند [پاشا شریفی، ۱۳۷۲: ۱۸۷].

# نمره ای برای آزمون سازی من!

علاء نوری

چه نمره ای می گیرم؟

ردیف	شاخص	نمره ملاک (حداکثر امتیاز)
۱	آزمون دارای مشخصات کامل و ظاهری مناسب است. جای مناسب برای مشخصات فراگیرندگان، مشخص بودن نوبت امتحانی، مدت امتحان، مناسب بودن مدت امتحان، ذکر تعداد صفحات و محتوای آزمون، تاریخ آزمون، خوانا بودن پرسش‌ها، صفحه‌بندی مناسب، تکثیر خوب.	۲
۲	تنظیم پرسش‌هایی منطقی و مناسب است. محل پاسخ‌گویی مشخص برای هر سؤال، فضای کافی برای پاسخ‌گویی، مشخص بودن دامنه و حدود پاسخ‌گویی پرسش‌های انشایی (باز پاسخ)، شماره‌گذاری مناسب پرسش‌ها، ترتیب مناسب گروه سؤال‌ها در جهت تسهیل پاسخ‌گویی (از ساده به مشکل یا...)، کنار هم قرار گرفتن مناسب سؤال (بر اساس نوع سؤال و...)، هم‌خوانی و تناسب بین سؤال‌ها	۲
۳	پرسش‌ها یا عبارات‌های دقیق و روشن نوشته شده است. عبارات‌های صریح و روشن پرسش‌ها، درستی جمله‌بندی به لحاظ دستوری، املائی و عملی، سادگی و مناسب بودن زبان پرسش برای فراگیرندگان، دقیق و عملکردی بودن موضوع سؤال، اتفاق نظر متخصصان در پاسخ پرسش‌ها، امکان پاسخ‌گویی بدون نیاز به توضیح شفاهی و... جدای از آزمون	۳
۴	پرسش‌ها معرف هدف‌های یادگیری هستند و آزمونی هدفمند را شکل داده‌اند. توجه به هدف‌های اصلی تدریس، رعایت بودجه‌بندی تدریس، مشخص بودن هدف هر سؤال، تعداد مناسب سؤال برای هر هدف، مستقل بودن سؤال‌ها (سؤال‌های دیگر و یا پاسخ‌ها، راهنمای پرسش دیگر نیست.)	۳
۵	ارزش‌گذاری مناسب برای هر سؤال رعایت شده است. امتیاز (بارم) مناسب برای هر سؤال، مناسب بودن امتیاز سؤال با هدف آموزشی	۱
۶	در آزمون، گونه‌های متفاوت سؤال وجود دارد. گونه‌های پرسش: درست-نادرست، چهار گزینه‌ای، تکمیل کردنی، جور کردنی، کوتاه پاسخ، گسترده پاسخ یا پاسخ‌ساز تعداد مناسب سؤال از هر گونه	۲
۷	ویژگی‌های سؤال مناسب برای هر یک از گونه‌های سؤال رعایت شده است. از جمله در پاسخ‌های چهار گزینه‌ای: هم‌خوانی بدنه و گزینه‌ها، به کارگیری مناسب فعل (فعل‌های مثبت، نه منفی) و یا در پرسش‌های درست-نادرست: استفاده از جمله‌های مهم و کلیدی، اجتناب از عبارات‌های همه یا هیچ کدام و...	۲
۸	نوآوری و جذابیت در ساختار سؤال‌ها وجود دارد. پرسش‌های واگرا، اجتناب از پرسش‌های حافظه‌آزما و کلیشه‌ای، جذابیت (جدول، طرح و...)، استفاده از نمودار، نقشه، شکل و جدول، توجه به تاریخ علم، کاربردهای واقعی و ارتباط با زندگی روزمره	۲
۹	به سطوح، متفاوت یادگیری توجه کافی شده است. توجه به مهارت‌ها و نگرش‌ها، توجه به سطوح گوناگون شناختی: دانش، درک، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب ارزش‌یابی	۳

جمع امتیاز از ۲۰





در مجموعه‌ی شاخص‌ها «اجتناب از سؤال‌های حافظه‌آزما و کلیشه‌ای» که در ردیف هم ذکر شده، از عواملی است که به نظر می‌رسد، به ثبات نمره‌های آزمون کمک می‌کند. «یادگیری صوری»، «یادگیری پایداری نیست و در مقابل آن یادگیری واقعی» که مبتنی بر درک و فهم باشد، معمولاً پایدارتر است.

یکی دیگر از دلایل تفاوت نمره‌های مشاهده‌شده در آزمون‌ها به نمره‌های واقعی که می‌تواند بسیار ویژگی‌های یادگیری فراگیرنده باشد، عوامل محیطی نامناسب، فضای اضطراب‌زای امتحان، سروصدای زیاد، گرمای بیش از حد، زیاد، وضعیت جسمی نامناسب فراگیرنده و... است. این دسته از عوامل را «عوامل خطای بیرونی» می‌نامند که اساساً به شرایط جزئی آزمون بستگی دارد و در پایداری آن مؤثر است.

در مقابل، ناهمسانی و عدم تناسب بین سؤال‌ها، چند پهلوی بودن آن‌ها، تفسیر و توضیح‌های متفاوت از آن‌ها، از موضوع‌هایی هستند که «عوامل درونی خطا» نامیده می‌شوند.

به هر حال برای دستیابی به آزمونی معتبر (دارای ثبات و پایداری و دقت) لازم است به مجموع عوامل مربوطه به حقایق درونی و بیرونی توجه کافی مبذول شود.

شاخص‌های ۴، ۵ و ۹ این سه ردیف یا مجموع ملاک‌هایی که در هر مورد ذکر شده است، روایی محتوایی آزمون را مورد توجه قرار می‌دهند.

«آزمون زمانی دارای روایی محتوایی است که پرسش‌های آن نمونه و معرف تمامی جنبه‌ی مهارت‌ها، توانایی، درک مفاهیم و دیگر رفتارهایی باشد که قرار است به وسیله‌ی آزمون اندازه‌گیری شود» (همان، ص ۲۱۴).

برای رعایت ملاک معرف بودن آزمون، توجه به جدول دو بعدی هدف- محتوا ضروری است.

چند تذکر

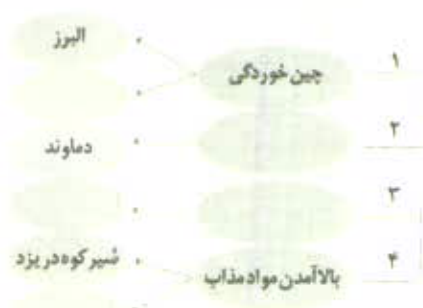
۱. سطوح بالاتر یادگیری ابتدا باید در چارچوب برنامه‌ی درسی و روش تدریس معلم وارد شود و آن‌گاه در آزمون‌ها مطرح شود.
۲. برای تعریف سطوح گوناگون یادگیری می‌توان از قراردادهای متفاوتی استفاده کرد. در ردیف ۹، به‌طور عمده اسطوخ شناختی بلوم مطرح شده است. در آزمون تیمز (TIMSS)، برای هر یک از دو درس علوم و ریاضی سه سطح شناختی در نظر گرفته شده است. این سطوح برای ریاضی عبارت‌اند از: ۱. دانش و آفیت‌ها، رویه‌ها و مفاهیم، ۲. «کارگیری دانش و درک مفاهیم» و ۳. «استدلال». و برای علوم تحریک عبارت‌اند از: ۱. «تاریخی دانش»، ۲. «کارگیری دانش» و ۳. «ارتکاب دانش».
۳. سطوح پایین شناختی باید به‌طور متناسب و همراه با دیگر سطوح در آزمون‌های کنشی آورده شود. در آزمون تیمز در جمعیت دو (دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی)، در درس ریاضی، درصد سؤال‌های مربوط به سطوح سه‌گانه به ترتیب ۳۵، ۴۰ و ۲۵ درصد و برای درس علوم تحریک به ترتیب ۳۰، ۳۵ و ۳۵ درصد است.
۸. شاخص: در این ملاک ساختارهای نو در طرح سؤال مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای ایجاد طرحی نو در تولید سؤال، خلاقیت لازم است. در ادامه، دو نمونه پرسش را مشاهده می‌کنید. در هر مورد روش متداول با روشی مقایسه شده که مبتنی بر نوعی خلاقیت و دوری از کلیشه‌های رایج است. نکته‌ی دیگر مشهود در هر دو نمونه این است که در هر دو مورد موضوع سؤال سطح پایین شناختی را در بر دارد. بنابراین موضوع سؤال بسیار ساده و معمولی است و در عین حال شکل سؤال متداول و معمولی نیست.

نمونه‌ی اول: استفاده از شبکه‌ی مفهومی (درخت حافظه)، جغرافیای سوم راهنمایی

- روش متداول: چهار راه به وجود آمدن کوه‌ها را با ذکر مثال بیان کنید.
- استفاده از شبکه‌ی مفهومی و تغییر در بیان پرسش

پنجاه و حمید به کمک یکدیگر طرحی را درباره‌ی این که چگونه کوه‌ها به وجود آمده‌اند، ترسیم کرده‌اند. شما به آن‌ها در کامل تر کردن آن بازی بفرمایید.

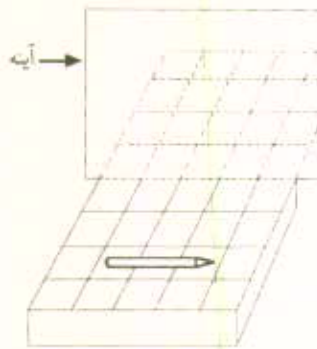
کوه‌ها چگونه به وجود آمده‌اند



نمونه‌ی دوم: استفاده از تصویر، کاربرد واقعی، علوم تجربی دوم راهنمایی

• روش متداول: تصویر یک جسم در آینه‌ی تخت چگونه است؟

• استفاده از تصویر، کاربرد واقعی



شکل مقابل یک مداد را نشان می‌دهد که روی میز و جلوی آینه قرار گرفته است. تصویر این مداد را همان‌طور که در آینه دیده می‌شود، رسم کنید. برای کشیدن این تصویر، از خطوط روی میز کمک بگیرید.

منبع سؤال: بهار بیاموزیم، علوم تجربی دوم راهنمایی، نشر شورا، تهران ۱۳۸۵، به نقل از TIMSS.

و خودآزمایی‌های مناسبی برای مهارت‌یابی در طراحی انواع پرسش‌ها (چند گزینه‌ای، درست-نادرست و پاسخ‌نگار) دارد. هم‌چنین در مورد انواع آزمون‌ها و روش‌های ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، توضیحات مختصر و مفید و کاربردی دارد.

هر چند این کتاب هم‌اکنون در بازار نشر وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد در کتاب‌خانه‌ی برخی مراکز دانشگاهی از جمله دانشگاه پیام نور وجود داشته باشد.

۳. دایان، آلن. ارزش‌یابی دانش‌آموز. ترجمه‌ی مزگان رشتچی و فرزانه شهرتاش. نشر شهرتاش. تهران. پاییز ۱۳۸۴.

این کتاب ارزش‌یابی را به عنوان بخش جدانشدنی آموزش معرفی می‌کند. در سه بخش اول کتاب تلاش می‌شود تا دیدگاه‌های جدید ارزش‌یابی مطرح شود. در بخش چهارم، راهکارهایی برای سنجش بر مبنای رویکردهای جدید معرفی می‌شود و در پایان، انواع آزمون‌های کتبی و ویژگی‌گونه‌های متفاوت سؤال (گسترده پاسخ، کوتاه پاسخ، جورکردنی، چند گزینه‌ای، و درست / غلط) معرفی می‌شوند.

۴. رستگار، طاهره. ارزش‌یابی در خدمت آموزش. مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت تهران. ۱۳۸۲.

در این کتاب روش‌های گوناگون سنجش در رویکرد نوین ارزش‌یابی معرفی و مورد بحث قرار می‌گیرند. از جمله‌ی این روش‌ها می‌توان «فهرست مشاهدات»، «پروژه»، «ارزش‌یابی پوشه‌ای» و «آزمون‌های عملکردی» را نام برد. در عین حال در فصل ششم «ارزش‌یابی پایانی» و ویژگی‌های آن، طراحی آزمون و پرسش‌های مربوط به آن مورد بحث قرار می‌گیرد. این کتاب با فصلی که عنوان «بازخورد» را بر خود دارد به پایان می‌رسد و در آن بازخوردهای حاصل از ارزش‌یابی مورد بحث قرار می‌گیرد.

بحث در مورد دیگر ردیف‌های این ارزش‌یابی، از جمله ردیف‌های ۶ و ۷ هر چند دارای اهمیت است، اما باعث طولانی شدن این مقاله می‌شود. در کتاب «آشنایی با ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی» به‌طور کامل یا مثال‌های کاربردی مناسب، به این موضوع پرداخته شده است. این کتاب در ادامه معرفی می‌شود.

### منابع برای مطالعه‌ی بیشتر

اگر دوست داشته باشید درباره‌ی آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و مباحث دیگر مربوط به ارزش‌یابی آموزشی اطلاعات خوبی داشته باشید، می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

۱. لطف‌آبادی، حسین. سنجش و اندازه‌گیری در علوم تربیتی و روان‌شناسی. سمت تهران. ۱۳۷۵.

این کتاب در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول به موضوعات متداول در مورد سنجش و اندازه‌گیری اختصاص دارد. از جمله در «فصل سوم، آزمون‌های پیشرفت»، در مورد مشخصه‌های آزمون، ویژگی‌های انواع پرسش‌ها و... بحث شده است.

بخش دوم به رویکردهای جدید در سنجش مربوط می‌شود که به تبیین دیدگاه‌های نوین ارزش‌یابی می‌پردازد. برای مثال، «سنجش پویا» عنوان فصل نهم در این بخش از کتاب است و در فصل دهم، از «سنجش پوشه‌ای» (پرونده‌ای) که از روش‌های جدید سنجش به‌شمار می‌آید صحبت شده است و...

۲. شهاب، کیسا. آشنایی با ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی. دانشگاه آزاد ایران. [بی‌تا].

این کتاب که به‌طور خودآموز نوشته شده است، تمرین

### زیرنویس

1. reliability
2. Content validity

۳. آزمون تیمز (TIMSS) مطالعه‌ی بین‌المللی در مورد دو درس علوم و ریاضی است که مرحله چهارم آن در سال ۲۰۰۷ میلادی در کشورهای مختلف از جمله ایران برگزار شده است.

### منابع

۱. پاشاشریفی، حسن. اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی. رشد. تهران. ۱۳۷۲.
2. TIMSS 2007 Assessment Frameworks. IEA. Boston: 2005.

# اهداف برنامه‌ی درسی

حسین الوندی

انباره

در شماره‌ی قبل از مؤلفه‌های اصلی برنامه‌ی درسی مؤلفه‌ی رویکرد بحث شد. در این شماره به یکی دیگر از این عناصر اصلی برنامه، یعنی اهداف می‌پردازیم.

اهداف برنامه‌ی درسی، بر اساس و بازگایت میانی برنامه‌ی درسی، یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی موضوع درسی در دو بعد محتوا و روش، فلسفه‌ی وجودی و ماهیت و ساختار ماده‌ی درسی، اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی، و رویکردها و جهت‌گیری‌های برنامه‌ی درسی تعیین می‌شوند.

اهداف، انتظارات از یادگیری هستند و باید بتوانند، سمت و سوی اصلی برنامه را مشخص کنند بنابراین، در طراحی اهداف نباید دقت زیادی به خرج داد، به گونه‌ای که با مطالعه‌ی اهداف یک برنامه‌ی درسی بتوان، به مبانی آن پی برد. علاوه بر این، توجه به موارد زیر هنگام تعیین اهداف، ضروری است:

۱. منابع تعیین اهداف؛
۲. سطوح اهداف؛
۳. حیطه‌های اهداف؛
۴. تحلیل اهداف؛
۵. ویژگی‌های اهداف.

قبل از پرداختن به موارد یاد شده، لازم است توجه شود که در برنامه‌های درسی، اهداف در دو سطح تعیین می‌شوند: یکی اهداف مربوط به دوره‌ی تحصیلی، مثل اهداف آموزش علوم تجربی در دوره‌ی راهنمایی، و دیگری اهداف مربوط به هر پایه‌ی تحصیلی، مثل اهداف آموزش علوم تجربی در پایه‌ی دوم راهنمایی. اهداف کلی و جزئی هر فصل و یا درس کتاب، معمولاً در کتاب‌های راهنمای معلم می‌آیند.

## ۱ منابع تعیین اهداف

همان‌طور که گفته شد، مبانی برنامه‌ی درسی ناچودک زیادی ویژگی‌های کلی اهداف را مشخص می‌کند. بنا

وجود این، برای تعیین اهداف، نیازمند منابعی هستیم که اهداف را از آن‌ها به دست آوریم. به عبارت دیگر، با توجه به آن‌ها، اهداف را طراحی و تبیین کنیم. به‌طور کلی، منابع تعیین اهداف عبارت‌اند از:

- نظام اعتقادی و ارزشی؛
- خصوصیات یادگیرنده؛
- شرایط جامعه؛
- شرایط یادگیری؛
- ماهیت دانش.

## نظام اعتقادی و ارزشی: نظام اعتقادی و ارزشی

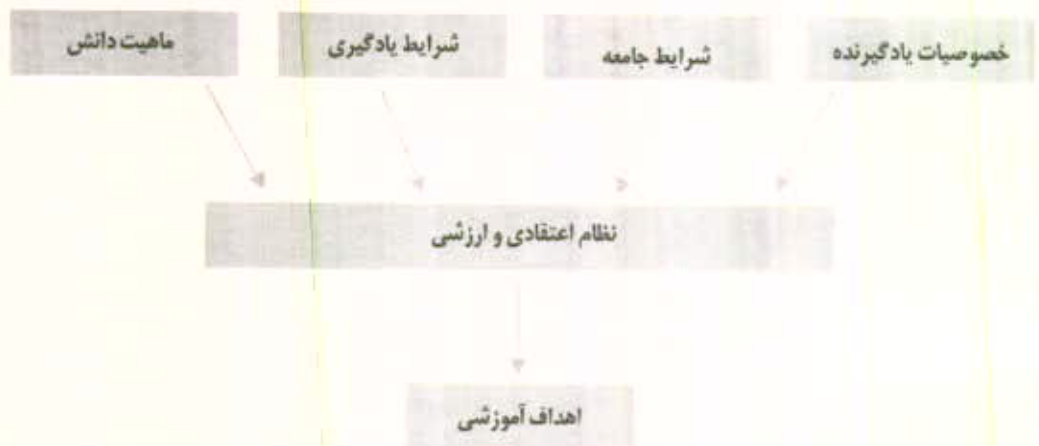
کشور، یکی از منابع و معیارهای انتخاب اهداف است. نظام اعتقادی مانند چتری بزرگ، باید بر همه‌ی ارکان برنامه سایه بیندازد و هرگونه فعالیتی باید زیر این چتر انجام گیرد. بنابراین، انتخاب هر هدفی با معیارها و شاخص‌هایی که نظام اعتقادی تعیین می‌کند، سنجیده می‌شود. از سوی دیگر، از نظام اعتقادی می‌توان به عنوان منبع تدوین اهداف نیز استفاده کرد. به اهداف زیر در مورد درس «محیط زیست» از بخش زیست‌شناسی کتاب علوم تجربی توجه کنید:

- به پدیده‌های زیستی به عنوان نشانه‌هایی از قدرت خداوند بنگرید.
- محیط زیست خود را دوست بدانید و در حفظ آن احساس مسئولیت کنید.

خصوصیات یادگیرنده: یکی از عواملی که اهداف را قابل حصول می‌کند، توجه به ویژگی‌ها و توانایی‌های یادگیرندگان است. گاهی اهداف برنامه‌های درسی بدون توجه به این امر طراحی و تبیین می‌شوند و بنابراین، تحقق نمی‌یابند.

ویژگی‌های مخاطبان بسیار زیاد است و تبیین دقیق





### نمودار ۱. جایگاه هر یک از منابع در تعیین اهداف

آن چه در مدرسه آموزش داده می شود، باید با سیاست ها و خط مشی های کلی کشور و وزارت آموزش و پرورش هماهنگ، هم سو و هم جهت باشد

کلاس از نظر چینش میز و نیمکت ها و فضاهای اختصاص یافته به هر فرد در کلاس، و ساعات اختصاص یافته به تدریس موضوع درسی، همگی جزو عواملی هستند که شرایط یادگیری را می سازند.

ماهیت دانش: ماهیت دانش موضوع درسی، اصلی ترین منبع برای تعیین اهداف و دست رسی به آن، به مراتب ساده تر از دست یافتن به سایر منابع است. به همین دلیل، برنامه ریزان درسی گاهی هنگام طراحی و تبیین اهداف، بقیه ی منابع را کم تر مورد توجه قرار می دهند. در نمودار ۱، جایگاه هر یک از منابع را در تعیین اهداف مشاهده می کنید.

آن ها نیازمند مقاله ی دیگری است. در ادامه به برخی از این ویژگی ها اشاره می شود که در طراحی اهداف باید حتماً مورد توجه قرار گیرند:

- میزان دانش و پیش دانسته ها، توانایی ها و نگرش ها؛
- رشد سنی و ذهنی؛
- ویژگی های روان شناختی؛
- نیازهای فردی.

برای مثال، دانش آموزان به طور معمول در سنین ۹-۱۰ سالگی (سال های آخر دوره ی ابتدایی) به تفکر انتزاعی می رسند و می توانند به تعمیم موضوع یادگیری، برداشت و استنتاج بپردازند.

بسیاری از دانش آموزان در سال اول راهنمایی هنوز به توانایی تفکر انتزاعی نرسیده اند. بنابراین، طرح چنین اهدافی در این پایه ی تحصیلی باید با احتیاط و دقت فراوان انجام گیرد.

شرایط جامعه: موقعیت اجتماعی و پتانسیل هایی که در آن وجود دارد، یکی از منابع تعیین اهداف است. تأثیر جامعه بر طراحی اهداف نیز دوسویه است. از یک سو، برنامه ریزان باید جامعه را به عنوان بستری برای تحقق سیاست ها و خط مشی های کلی کشور و منبع تعیین اهداف در نظر بگیرند، و از سوی دیگر، شرایط اجتماعی هر فرد، معیارهایی را برای تحقق اهداف برنامه ی درسی فراهم می آورد.

به عبارت دیگر، طرح اهداف برنامه ی درسی بدون توجه به موقعیت اجتماعی یادگیرنده، تحقق اهداف را با مشکل مواجه می کند.

شرایط یادگیری: مجموعه عواملی که بر فرایند یادگیری تأثیر می گذارند، شرایط یادگیری را می سازند. توانایی های معلم، امکانات و تجهیزات، وضعیت

### ۲. سطوح اهداف

تحقق همه ی اهداف به سادگی عملی نمی شود. بسیاری از اهداف کلی اند و بسیاری نیز جزئی. اهداف بسیار کلی و بزرگ، در قالب سیاست ها و خط مشی های کلی کشور بیان می شوند. تقسیم بندی اهداف به سطوح گوناگون، در منابع برنامه ریزی متفاوت است. یکی از متداول ترین تقسیم بندی ها به این صورت است:

- اهداف آرمانی کشور<sup>۱</sup>
  - اهداف آرمانی آموزشی<sup>۲</sup>
  - مقاصد یا اهداف کلی آموزش<sup>۳</sup>
  - اهداف آموزشی درسی برای یک درس طی یک سال تحصیلی<sup>۴</sup>
  - اهداف آموزشی برای چند ساعت درس (انتظارات آموزشی)<sup>۵</sup>.
- آن چه در سطوح اهداف مورد توجه قرار دارد، هم سو

## نظام اعتقادی و ارزشی کشور، یکی از منابع معیارهای انتخاب اهداف برنامه‌ی درسی است

و هم جهت بودن آن‌ها با یکدیگر است. در بحث تحلیل اهداف این موضوع بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۳. حیطه‌های اهداف

امروزه ابعاد آموزش بسیار گسترده شده‌اند. آموزش و پرورش وظیفه دارد همه‌ی آن‌چه را که یک فرد در زندگی اجتماعی امروز و فردای خود به عنوان یک شهروند نیاز دارد، به او آموزش دهد. از سوی دیگر، امروزه بر آموزش‌های مادام‌العمر و کسب سواد علمی فناوری نیز تأکید می‌شود. بنابراین اهداف آموزش در سه حیطه‌ی

دانش: کسب دانش‌های ضروری.

مهارت: کسب مهارت‌های ضروری (راه یادگیری).

نگرش: کسب نگرش‌های ضروری (نگرش، یعنی تمایل به اقدام در مسیری معین)، طراح‌ی و نییمن می‌شوند. در چنین صورتی، محتوای انتخاب‌شده براساس این اهداف نیز در سه حیطه انتخاب و سازمان‌دهی می‌شوند.

به اهداف زیر که در برنامه‌ی درسی علوم تجربی دوره‌ی راهنمایی آمده‌اند، توجه کنید:

● ایجاد حس کنجکاوی در دانش‌آموزان نسبت به کشف محیط اطراف و تمایل به پرسیدن سؤال درباره‌ی پدیده‌ها (نگرش)

● ایجاد روحیه‌ی اعتماد به نفس در دانش‌آموزان از طریق درگیر کردن آن‌ها در فعالیت‌های فردی (نگرش)

● توانایی جمع‌آوری اطلاعات از طریق گفت‌وگو با افراد مطلع، مطالعه‌ی منابع و استفاده از رسانه‌ها (مهارت).

● درگیر شدن در مراحل حل یک مسئله به منظور یافتن پاسخ (مهارت).

● آشنایی با کاربردهای مهم علم در زندگی (دانش)

● آگاهی از قوانین اصلی و ضروری علوم (دانش)

### ۴. تحلیل اهداف

آن‌چه در مدرسه آموزش داده می‌شود، باید با

سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی کشور و وزارت آموزش و پرورش هماهنگ، هم‌سو و هم‌جهت باشد. بنابراین برنامه‌ریزان باید این توانایی را داشته باشند که بر اساس سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولت و اهداف آموزشی، موضوع درسی خود را تنظیم کنند. در حقیقت، آن‌چه تحت عنوان منطوح اهداف ذکر شد، نحوه‌ی تحلیل اهداف است. مثلاً هرگاه سیاست کشور، توسعه‌ی بهداشت و درمان در راستای خوداتکابی و کاهش وابستگی (اهداف آرمانی کشور) باشد، آموزش راه‌های جلوگیری از ابتلا به برخی از بیماری‌ها (انتظارات آموزشی)، هدفی هم‌سو و هم‌جهت با هدف آرمانی یاد شده است که تحقق آن در یک یا چند جلسه تدریس امکان‌پذیر است.

### ۵. ویژگی‌های اهداف

آخرین نکته درباره‌ی اهداف، ویژگی‌های آن‌هاست. ویژگی‌های اهداف بیش‌تر ملاحظه بر ادبیات نوشتن اهداف و ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. برخی از ویژگی‌های اهداف عبارت‌اند از:

#### ● صریح و روشن

اهداف باید به صورت جامع و مانع و کاملاً روشن بیان شوند. به گونه‌ای که با مشاهده‌ی آن‌ها بتوان دقیقاً به نقطه نظر طراح یا طراحان آن‌ها پی برد.

#### ● هماهنگ و سازگار با یکدیگر

معمولاً برای هر آموزشی با توجه به سه حیطه‌ی دانش، مهارت و نگرش، تعدادی هدف طرح می‌شود. اهداف باید با یکدیگر هماهنگ و مکمل هم باشند. هیچ هدفی نباید هدف دیگر را تقوی یا تضعیف کند.

#### ● متناسب با شرایط یادگیرنده

اهدافی که بدون توجه به شرایط یادگیری و یادگیرنده طرح می‌شوند، معمولاً تحقق نمی‌یابند. نه این‌ترتیب برنامه‌ی درسی نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. از چنین برنامه‌ای به عنوان «برنامه‌ی درسی عقبنه‌یاد» می‌شود.

1. National Goals
2. Educational Goals
3. Educational Arms
4. Subject Objectives
5. Expected Outcomes



# ۵۰۱ نکته برای معلمان

نوشته‌ی: دکتر واپرت دی. رمزی  
ترجمه‌ی: وحیدرضا نعیمی / مرتضی مجدفر

اشاره

تاکنون در چهار شماره‌ی قبلی، ۲۱۰ نکته از ۵۰۱ نکته‌ی مندرج در کتاب دکتر رمزی را برایتان درج کرده‌ایم. در این شماره نکته‌های ۲۱۱ تا ۲۶۵ را در پی می‌آوریم.

- ۲۱۱ دائم فکر نکنید که دانش آموزان، دشمن شما هستند. وظیفه‌ی شما جنگ برای آن‌هاست، نه با آن‌ها.
- ۲۱۲ در مقام معلم، هر روز باید تصمیمات بی شماری بگیرید. اما باید فقط یک اصل را اعمال کنید: آن چه برای بچه‌ها بهتر است...
- ۲۱۳ فقط متوجه بچه‌هایی نباشید که دائماً در عرض نگاه شما قرار دارند. به بچه‌هایی که در کناره‌های کلاس پنهان شده‌اند نیز توجه کنید.
- ۲۱۴ اگر از دانش آموزان انتظار نداشته باشید که عالی و کامل باشند، آنان هرگز شما را ناامید نخواهند گذاشت.
- ۲۱۵ برخی از شرکت‌ها وقتی کارمندانشان، مؤسسه‌ی آن‌ها را ترک می‌کنند، با آن‌ها مصاحبه می‌کنند. چرا در مدرسه این گونه نباشد؟ وقتی
- دانش آموزان در میانه‌ی سال از کلاس شما می‌روند، از آنان بپرسید، چه چیزی خوب و مؤثر بود، چه چیز نبود و چرا.
- ۲۱۶ علاقه‌مندی بچه‌ها به معلم خود، عادی است. اما برای معلمان عادی نیست که این علاقه را ابراز کنند. همیشه این نکته را به روشنی اعلام کنید که شما معلم هستید؛ نه بیشتر، نه کم‌تر.
- ۲۱۷ گروه‌ها را ترکیب کنید. نگذارید گروه‌هایی که اعضای آن‌ها همدیگر را انتخاب کرده‌اند، همواره با هم کار کنند. گروه‌ها را از نو ترتیب بدهید تا دانش آموزان تنوع را تجربه کنند.
- ۲۱۸ مراقب دانش آموزی که پکر و دمغ است، باشید. می‌توانید حال او را تغییر دهید. بختید یا کار جالبی انجام بدهید. شما می‌توانید روز مدرسه‌ای هر دانش آموزی را درخشان کنید.

۲۱۹ یاددهی - یادگیری همواره دو جانبه نیست. وقتی به دانش آموزان خود اطمینان دارید، ممکن است شما را ناامید کنند. آنان به شما اطمینان دارند، اما شما هرگز حق ندارید آن‌ها را ناامید کنید.

۲۲۰ از مقایسه‌ی فرزندان یک خانواده که در مدرسه‌ی شما تحصیل می‌کنند (و یا کرده‌اند)، خودداری کنید. هیچ دانش‌آموزی نباید با صفت دوم بودن شناخته شود و یا به سبب تبار خانوادگی‌اش، مقصر قلمداد گردد.

۲۲۱ اشتباهات، ناکامی‌ها و لغزش‌های رفتاری دانش‌آموزان را به مدت طولانی به خاطر نسیب‌ارید. هر دانش‌آموزی، شایسته‌ی آن است که هر روزش را از نو شروع کند.

۲۲۲ دو یک روز خوب، ممکن است دانش‌آموزان شما را شگفت‌زده کند. در یک روز بد هم ممکن است دانش‌آموزان شما را شگفت‌زده کند. از شگفتی‌ها، شگفت‌زده نشوید.

۲۲۳ صرف نظر از سابقه‌ی تدریس، فکر نکنید همه چیز را دیده و تجربه کرده‌اید. «همه‌ای وجود ندارد. دانش‌آموزان تنوع بی‌پایانی دارند».

۲۲۴ هرگز از اراکه‌ی کمک اختصاصی به دانش‌آموزی که واقعاً به آن کمک نیاز دارد و از شما طلب می‌کند، دریغ نکنید. زمان مناسب این کار را بیابید، انرژی لازم را پیدا کنید و راهی برای آن بجویید. کم‌تر از این غیر قابل پذیرش است.

۲۲۵ سطح بلوغ دانش‌آموزان را دست کم نگیرید و اجازه بدهید، متناسب با حیطه‌ی رفتارهای عادی خود تصمیم‌گیری کنند. معلمان باید به دانش‌آموزان خود احساس مطلوبی بدهند، نه این که آن‌ها را تحت فشار بگذارند.

۲۲۶ اگر مناسبی پیش آمد و تصمیم گرفتید که برای دانش‌آموزی هدیه بخرید، هدیه‌ای آموزشی را در نظر بگیرید. کتاب و اشتراک یک مجله‌ی مناسب کودکان و نوجوانان، همیشه هدایای خوبی از طرف معلمان هستند.

۲۲۷ اگر پیش از آغاز کلاس، دانش‌آموزان دور شما جمع می‌شوند و بعد از پایان کلاس، نمی‌خواهند کلاس را ترک کنند، حتماً می‌خواهند صحبت کنند. کارشان را آسان سازید و سر صحبت را باز کنید. پیش از آن که حوصله‌ی دانش‌آموز به سر بیاید و فرصتی را برای آموزش یا کمک از دست بدهید، با آنان ارتباط بگیرید.

۲۲۸ کار خوب تمام دانش‌آموزان را ستایش کنید و به آن‌ها پاداش بدهید. همه‌ی دانش‌آموزان سزاوار ستایش‌اند.

۲۲۹ گفتن لطفه‌های بی‌مزه برای دانش‌آموزان تمام سنین عادی است. به تلاش‌های آنان برای شوخ‌طبعی بخندید. هر چه باشد، آنان به لطفه‌های شما خوب می‌خندند.

۲۳۰ کاری کنید که هر دانش‌آموزی احساس کند به کلاس شما تعلق دارد. احساس طرد و انزوا، پدیده‌ای است که متأسفانه امروزه میان دانش‌آموزان مدرسه‌ها رایج است. اغلب بچه‌هایی که احساس می‌کنند طرد شده‌اند، افسرده و ناامید می‌شوند. این اتفاقی بود که در مدرسه‌ی «کلمباین»<sup>۱</sup> رخ داد. اجازه ندهید در مدرسه‌ی شما چنین اتفاقاتی بیفتند.

۲۳۱ دست کم یک بار در هفته به دانش‌آموزان بازخورد رسمی بدهید (نمرات از نوع عددی یا حرفی). هر روز بازخورد غیررسمی بدهید (کلمه‌ی ملامطت‌آمیز یا تأیید با دست گذاشتن روی شانه‌ی دانش‌آموزان).

۲۳۲ شگفتی را که در تجربه‌های اولیه‌ی خود کسب کرده‌اید، به دفعات تکرار کنید. آن چه به نظر شما کهنه می‌رسد، برای دانش‌آموزان کاملاً جدید است. اگر معلمان به این نکته بی‌اعتنایی کنند، بچه‌ها از لذت کشف محروم می‌شوند.

۲۳۳ در آخرین روز مدرسه، به هر کدام از بچه‌ها پاکتی بدهید و بگویید، در اواسط تابستان آن را باز کنند. داخل آن بنویسید: «دلم برایت تنگ شده است، اما به زودی تو را خواهم دید» برای بعضی از دانش‌آموزان، خواندن پیام شما، شاید بهترین رخدادی باشد که در تمام تابستان برایشان اتفاق می‌افتد.

بگیرند، دعوای را به صورت مسالمت آمیز، هم در کلاس و هم در بیرون کلاس، حل و فصل کنند.

۲۴۳ همیشه قوانین کلاس را با ایمان قلبی کامل بیان کنید. از بروز هر گونه نشانه‌ای دال بر زیر سؤال بردن، تامل، کم‌رویی، عدم قطعیت و درخواست یا چانه‌زنی خودداری ورزید. اگر دانش آموزان فکر کنند جایی برای جر زدن وجود دارد، حتماً این کار را خواهند کرد. قوانین خودتان را جدی بگیرید تا بچه‌ها هم آن را جدی بگیرند.

۲۴۴ نکته‌ی انضباطی: وقتی مشکلی پیش می‌آید، به دانش آموزان مرتبط بگویید در حضور شما به والدین خود تلفن کنند و مشکل را اطلاع دهند؛ نه این که خودتان تلفن کنید. حتماً شگفت زده خواهید شد، از این که ببینید، هر کس از شنیدن این داستان چه تأثیری خواهد گرفت.

۲۴۵ هر قدر هم تحت فشار قرار بگیرید، سعی کنید سررشته‌ی امور از دستتان خارج نشود. اگر دانش آموزان ببینند شما را حساب می‌کنند، می‌فهمند که می‌توانند شما را در بازی انضباط شرکت دهند.

۲۴۶ دائماً به خودتان گوشزد کنید که نامطبوع‌ترین دانش آموزی که دارید، احتمالاً همانی است که به شما بیشترین نیاز را دارد.

۲۴۷ از انواع تشویق کننده‌های مثبت برای دادن انگیزه به دانش آموزان استفاده کنید؛ مانند: دادن زمان آزاد برای استفاده از رایانه، در صف نفر اول بودن یا نشستن در کنار یک دوست. «هر چه مؤثر است»، همیشه بهترین انتخاب است.

۲۴۸ تا حد امکان قوانین کمتری وضع کنید. قوانین باید ساده و بدون استثنا باشند.

۲۴۹ وقت را با احتیاط بیش از حد یا تخفیف پیامدها هدر ندهید. آن چه را که لازم است، بگویید و از آن بگذرید.

۲۵۰ از طعنه پرهیزید. این کار به ندرت کمک کننده و غالباً بسیار آسیب‌زا است.

۲۵۱ هرگز بچه‌ها را به این علت که از پدر یا مادرشان خوششان

۲۳۴ فضای کلاس را طوری سامان دهید که بتوانید همه جا به راحتی حرکت کنید و به هر دانش آموزی نزدیک شوید (چینش L را بیازماید). به این ترتیب، در همه جای کلاس خود خواهید بود.

۲۳۵ اجازه بدهید در کلاس، قدری سر و صدای سازنده وجود داشته باشد. در واقع سروصدا به آرام شدن بچه‌های بی‌قرار کمک می‌کند. دکتر هارلن هسن، از دانشگاه «مینه‌سوتا» معتقد است: «سروصدای خوب به معنای یادگیری است. سروصدای بد، یعنی بچه‌ها از کنترل خارج شده‌اند. نبود سروصدا، یعنی این که بزرگ سالان از جمله معلمان، طبیعت بچه‌ها را درک نمی‌کنند.»

۲۳۶ در کلاس، یک جای خالی را در نظر بگیرید تا هر دانش آموزی که نمی‌تواند یک روز در جای عادی خود تمرکز حواس داشته باشد یا کار کند، آن جا بنشیند.<sup>۱</sup>

۲۳۷ رویه‌ای را برای ابراز ناراضی بچه‌ها در کلاس ایجاد کنید. هر از چندی، جلساتی برای تخلیه‌ی دانش آموزان بگذارید تا آنان بتوانند، سرخوردگی‌های خود را بیان کنند و مشکلات شناسایی شوند.

۲۳۸ تاریخ دان نباشید. از پیش داوری درباره‌ی دانش آموزان بر اساس تجربه‌ی قبلی که از آن‌ها داشته‌اید و نیز سابقه‌ی خانوادگی دانش آموزان پرهیز کنید.

۲۳۹ برای درمان رفتار بد با دارو، عجله به خرج ندهید.<sup>۲</sup>

۲۴۰ ایمنی را مقدم بر هر چیزی بدانید. کلاس شما باید برای همه‌ی دانش آموزان مکانی امن باشد. تأکید کنید دعوا، قلدری و آزار را به هیچ وجه تحمل نخواهید کرد. اگر بچه‌ها احساس ایمنی نکنند، نمی‌توانند یاد بگیرند.

۲۴۱ گذشت را تمرین کنید. بهترین معلمان، فرصت‌های دوباره‌ی زیادی به دانش آموزان خود می‌دهند و کدورتی از کسی به دل نمی‌گیرند.

۲۴۲ مهارت‌های حل و فصل تعارض را آموزش دهید؛ مانند گوش کردن فعالانه، کاربرد زبان بدنی مثبت و راه‌حل‌های مبتنی بر طوفان ذهنی. این مهارت‌ها باید جای خشونت را بگیرند. بچه‌ها باید یاد

- نمی آید، تنبیه نکنید. بچه ها مسئول چگونگی رفتار والدینشان نیستند.
- ۲۵۲ تمام اقدامات انضباطی خود را مستند کنید. یادداشت‌ها و ثبت وقایع در جامعه‌ی امروزی که پر از دعوای حقوقی است، اهمیت زیادی دارد. وجود سابقه‌ی هر اقدام، می‌تواند هنگام بروز مشکل و یا شکایت دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها، و نیز در موقع پی‌گیری همکاری‌تان در آموزشگاه، شما را یاری دهد.
- ۲۵۳ تحمل نداشتن را با نبود عقل سلیم اشتباه نگیرید. یک بچه‌ی کودکستانی با سلاح آب‌پاش، تهدید یکسانی به مانند نوجوانی هفت‌تیر به دست به شمار نمی‌رود.
- ۲۵۴ اهانت‌های قومی، و یا جنسیتی را به هیچ وجه تحمل نکنید. بگذارید کلاس شما الگویی باشد از زندگی؛ آن‌گونه که باید به درستی در همه جا جاری باشد.
- ۲۵۵ برای میج‌گیری از دانش‌آموزان، برای آن‌ها تله نگذارید. برای بچه‌ها طعمه نگذارید با آن‌را وسوسه نکنید که تقلب کنند. ترک کلاس، هنگامی که امتحان برگزار می‌شود مگر در موارد خاص و شرایط ویژه‌ی آزمون مثلاً آزمون کتاب باز، فکر خوبی نیست. قرار نیست تدریس عملیات ضربتی باشد.
- ۲۵۶ هرگز نباید این‌گونه باشد که اگر به موردی از سوءاستفاده‌ی جنسی یا جسمی مظنون شدید، به روی خود نیاورید. چه بسا ایمنی دانش‌آموزان در این‌گونه مسائل، فوق‌العاده حائز اهمیت و چیزی در حد مرگ و زندگی باشد.
- ۲۵۷ وقتی عصبانی هستید، دانش‌آموزان را تأدیب نکنید. با اگر بیش از حد خسته هستید، ورقه‌ها را تصحیح نکنید. دانش‌آموزان شما شایسته‌ی آن هستند که از خدمات شما، در بهترین حالت بهره ببرند.
- ۲۵۸ علائم حضور گروه‌های تبهکار را بشناسید و هر وقت در مدرسه
- یا محله متوجه آن‌ها شدید، گزارش دهید. گزارش‌های تبهکار، فقط به آن اندازه قدرتمند هستند که جامعه اجازه بدهد.
- ۲۵۹ «انکار» را نفی کنید. اگر می‌اندیشید، ارباب، تعقیب، آزار یا اخاذی هرگز در مدرسه‌ی شما رخ نمی‌دهد، معلوم است توجه کافی ندارید. با مشکلات به‌طور واقعی روبرو شوید و به دنبال راه‌حل‌های واقعی بگردید.
- ۲۶۰ با چشم‌هایتان تأدیب کنید. نگاه نمی‌کشد، اما می‌تواند تأثیر دردناکی داشته باشد.
- ۲۶۱ اگر احساس می‌کنید فشار کاری زیادی دارید، هر روز فقط یک نوبت تدریس کنید. اگر با امروز به‌طور موفقیت‌آمیز برخورد کنید، همواره برای فردا آماده خواهید بود.
- ۲۶۲ مراقب آن‌چه در اطفالتان می‌گذرد، باشید. مدرسه‌ها همیشه مکان‌های ایمنی نیستند؛ به‌ویژه پس از پایان ساعات کار مدارس و تاریکی هوا.
- ۲۶۳ به‌طور مکرر غر نزنید و یا از دانش‌آموزان خواهش نکنید. اگر پس از دوبار درخواست پاسخ ندادند، اقدامات لازم را به عمل آورید.
- ۲۶۴ به یاد داشته باشید، رویه‌های مقرر شده برای همگان است. همه‌ی دانش‌آموزان حق دارند از پیش، از مسئله‌ای آگاه شوند، حرفشان شنیده شود و بتوانند فرجام بخواهند.
- ۲۶۵ الگوی احتیاط باشید. احتیاط، مهارت بقای مهمی است. همیشه اشیای گران‌بها را در جای مطمئن مانند صندوق یا کمد نگه‌داری و در آن‌را قفل کنید. کلاس‌های بدون مراقب، هدف‌های ساده‌ای برای دزدان تازه‌کار و حتی حرفه‌ای هستند.

زیرنویس

۱. در سال ۱۹۹۹ میلادی، در دبیرستان کلمباین واقع در ایالت کلرادو، دو دانش‌آموز که بعدها مطالعات روان‌شناختی نشان داد سابقه‌ی افسردگی و اختراخ‌های مکرر از کلاس‌های درس را دارند، با خود به دبیرستان اسلحه آوردند و ۱۲ نفر از دانش‌آموزان و یک نفر از معلمان را به قتل رساندند و دست‌آخر خودکشی کردند. این حادثه، نامت‌ها در محافل تربیتی آمریکا، مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت.

۲. مترجمان در بازدید از برخی مدرسه‌های ایران، به ویژه واحدهای پیش‌دبستانی و دبستانی، معلمانی را مشاهده کرده‌اند که از این جاهای خالی، با اطلاق عناوینی چون «صندلی تفکر»، «جایگاه به‌خود آمدن» و «صندلی تمرکز» استفاده می‌کردند.

۳. برخی از روان‌شناسان تربیتی، با تأثیرگیری مستقیم از روان‌پزشکان سعی می‌کنند، مشکلات حاد تربیتی و حتی یادگیری دانش‌آموزان را با تجویز مصرف دارو توسط آنان از میان بردارند. مترجمان، موارد متعددی از این پدیده را در برخی مدرسه‌های کشورمان مشاهده کرده‌اند که برخی از مشاوران، به‌صرف آشنایی با مشخصات و اثرگذاری دارویی خاص، و علی‌رغم این‌که مجوز و تخصص روان‌پزشکی ندارند مصرف دارویی را به دانش‌آموزان مشکل‌دار خود توصیه کرده‌اند که متأسفانه در اغلب موارد نیز نتیجه‌ی عکس داده است.

# طرح سوالات امتحانی

حمید ملک

اشاره

ارزش‌یابی و طرح سؤال امتحانی در حال حاضر جزء لاینفک فرایند آموزشی است. در این شماره آقای ملک تجربه‌های معلمی خود را در خصوص طرح یک امتحان خوب ارائه می‌کنند. در واقع هدف ایشان تبیین مبانی نظری ارزش‌یابی نیست، بلکه نکات کاربردی مفیدی را در اختیار معلمان قرار می‌دهند.

برگه‌ای نهایی شود، از قبل باید برای معلم و دانش‌آموز روشن باشد. دانش‌آموزان باید بدانند که انتظار معلمان در آزمون‌ها از نظر کمی و کیفی چیست و چه نوع برگه‌ی پاسخی از نظر ظاهری و محتوایی مورد قبول معلم است. تبیین انتظارات معلم، جلوی بسیاری از سوء تفاهات، ناراحتی‌های متقابل معلم و دانش‌آموز و حتی سرخوردگی از تحصیل و مشکلات دیگر تحصیلی را می‌گیرد.

اهمیت طرح موضوع آزمون‌ها و طراحی سؤالات امتحانی در حدی است که باید به صورت جزو‌ه‌ای، تمام زوایای آن مطرح شود. شاید شما در جایی، مجموعه‌ی نکات خاصی را در طراحی سؤالات امتحانی، خوانده و یا شنیده باشید، ولی در این مقاله به شکل دیگری به موضوع نگاه شده است. در مقاله‌ی حاضر، احیاناً شماره‌ی بعدی آن، برخی از زوایای مهم این موضوع را به بحث خواهیم کشید و از شما معلمان نیز خواستاریم که نقطه نظرهای، تجربیات ارزنده و راهکارهای بکر و منحصر به فرد خود را برای مجله ارسال دارید.

بله سخن از سطح انتظار است و دانش‌آموزان باید بدانند که نوع ایده‌آل پاسخ‌گویی از نظر معلمان چیست. این سطح انتظار در دو بخش خلاصه می‌شود:

معلم هر سال با تعدادی روح و موجود زنده‌ی در حال شکل‌گرفتن روبه‌روست و همه‌ی حرکات، رفتارها، صحبت‌ها و موضع‌گیری‌های معلم، در روح و روان دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد، پیش از آن‌که اهداف آموزش رسمی را در کلاس و در طول سال تحقق بخشد. ولی از قدیم، بین معلمان جمله‌ی طنزآمیزی بدین شکل وجود داشته است که: «در شغل معلمی دو کار خیلی سخت است: یکی کلاس رفتن، دوم ورقه تصحیح کردن». این جمله‌ی طنزآمیز از این واقعیت حکایت می‌کند که کار و حرفه‌ی معلمی چندان هم ساده نیست.

بله، ورقه تصحیح کردن کاری پر زحمت و وقت‌گیر به شمار می‌رود و از آن نظر که نوعی قضاوت است، بی‌توجهی نسبت به آن مشکل آخرتی را هم به دنبال می‌آورد. به هر حال، هستند تعداد اندک معلمانی که به خاطر آسان‌شدن کار تصحیح ورقه، از همان اول، که می‌خواهند سؤال طرح کنند، دانش‌آموزان را با سؤالاتی ساده یا تماماً چهار گزینه‌ای، و با سؤالات محدودی روبه‌رو می‌کنند تا در اندک زمانی کار تصحیح به پایان برسد. ولی این روش، اگر یک عادت شده باشد، یقیناً اهداف آموزشی و هدف آزمون‌ها را زیر سؤال حلی می‌برد.

بنابراین موضوع آزمون‌ها و طرح سؤال پیش از آن‌که روی

دانش آموزان باید بدانند که انتظار معلمان در آزمون‌ها از نظر کمی و کیفی چیست و چه نوع برگی پاسخ از نظر ظاهری و محتوایی مورد قبول معلم است

### ۱. سطح انتظار ظاهری

● معلمی که نسبت به خط دانش آموزان در برگی امتحانی حساس است، باید این نکته را برای دانش آموزان خود روشن سازد. حتی در صورت لزوم، معرّضی برای خوش خطی و رفته‌ی امتحانی در نظر بگیرد.

● صورت سؤالات باید به گونه‌ای روشن و واضح باشد که دانش آموزان کاملاً متوجه شوند، معلمشان در چه حد و حدودی پاسخ سؤال را مطالبه می‌کند. آیا در حد نامه بردن است یا در حد بیان کردن؟ و با سؤالات از آن‌ها انتظار توضیح و تشریح دارند؟ بنابراین عبارات و کلمات کلیدی به کار رفته در صورت سؤال باید به دقت حدود پاسخ‌گویی را روشن سازد.

این کار را معمولاً برخی معلمان در صورت سؤال، مبهم می‌گذارند، ولی ممکن است میزان فضای که برای نوشتن پاسخ روی برگه تعیین می‌کنند، انتظار آن‌ها را نشان دهد که البته این کافی نیست. با استفاده از افعال: «ذکر کنید»، «فقط نام ببرید»، «حل کنید»، «در چهار خط توضیح و شرح دهید»، «با مثالی روشن کنید»، و... باید حد انتظار و خواسته‌ی معلم معلوم شود و فضای کافی نیز وجود داشته باشد. بعضی از معلمان هم انتظار دارند، دانش آموزان در کادر مشخص شده‌ای، پاسخ سؤال را بنویسند که باز حدود کار را به این شکل تعیین و روشن می‌کنند.

بهر حال چنانچه برای معلم، راه‌حل مسئله، یا رسم شکل، تخمین زدن، مقایسه کردن و... مدنظر باشد، باید دقیقاً انتظار خود را در صورت مسئله مشخص سازد.

### ۲. سطح انتظار محتوایی

● در تعیین سطح انتظار محتوایی، برخی از دبیران و معلمان جوان و تازه‌کار نسبتی بین پاسخ‌گویی دانش آموزان و سطح آموزش در کلاس و زمان یادگیری برقرار نمی‌کنند. بدین معنی که در کلاس به صورت مفهومی و به شکل فعال، با مشارکت دانش آموزان و با کیفیت بالا تدریس می‌کنند، ولی سطح سؤالات در حد معمولی، و عمدتاً دانشی است. از این رو توصیه می‌شود، معلم به همان کیفیت و در همان سطحی که در کلاس می‌گویند، اهداف آموزشی را تحقق بخشد، در همان سطح هم از نظر کیفی و محتوایی انتظار پاسخ‌گویی داشته باشد.



یقیناً، معلمی که در کلاس به روش ندریس فعال عمل می‌کند، مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کند، دانش آموزان را به سطوح بالای یادگیری می‌رساند و مهارت‌های عملی و پایه کار می‌گیرد، بنابراین ضرورت دارد، سؤالات او نیز از نظر محتوایی، چالش برانگیز، تفکری و مهارتی باشند. شاید به دلیل شرایط، معلمی در مدرسه‌ای در سطح دانش‌کار کند و در مدرسه‌ای دیگر، با کیفیت بسیار بالا همان درس را بدهد، یقیناً این دو کلاس که هر دو هم در یک پایه هستند، انتظار پاسخ‌گویی آزمون‌های مشابه را نخواهند داشت. به هر حال، رعایت نسبت منطقی بین کیفیت آموزش و ارزش‌یابی که در طرح سؤالات، خود را نشان می‌دهد، بسیار حائز اهمیت است. این سطح انتظار، همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، از قبل برای دانش آموزان باید روشن شده باشد.

● برخی معلمان کمی بدسلیقه هستند. بدین معنی که مثلاً بارم کمی را برای سؤالی بسیار وقت‌گیر و در عین حال با ارزش کم آموزشی در نظر می‌گیرند و دانش آموز اصلاً برای پاسخ به آن وقت نمی‌گذارند.

● ممکن است نظم و نسقی در تنظیم سؤالات آنان دیده نشود و انواع سؤالات با به هم ریختگی و آشفتگی روی برگه نوشته باشند. اگر این آشفتگی با بدخطی و کم‌رنگی خطوط و شماره‌ها در هم آمیخته باشد، به شکل غیر قابل پیش‌بینی دانش آموزان را از دادن پاسخ‌های صحیح که حاصل حوصله و دقت است، دور می‌کند و به نوعی به آن‌ها آموزش بی‌دقتی، بدخطی... می‌دهد. در حالی که و رفته‌ی امتحانی می‌تواند از نظر ظاهر و محتوا خودآمورنده باشد و دانش آموزان از ابتکار، تنوع و شوخی‌های کوچک و لطیفی که معلم در طرح سؤالات به کار برده است، لذت ببرند و با انگیزه به سؤالات پاسخ دهند.

● دانش آموزان چه نوع برگی امتحانی را دوست دارند؟ قبل از پاسخ به این سؤال باید پرسید دانش آموزان از چه نوع معلمی بیشتر خوششان می‌آید. بده، معلمی که تر کار خود تنوع دارد، در زمان‌های مناسب هنگام تدریس، از بیان شوخی‌های لطیف خودداری نمی‌کند، ابتکار و نوآوری را دوست دارد و از شاگردانش نیز می‌پذیرد. در طرح سؤالات



امتحانی هم دست از ابتکار، آزادی عمل، ذوق و هنر بر نمی دارد. حالا به چند نمونه آن اشاره می کنیم:

دانش آموزان دوست دارند، در میان سؤالات امتحانی، حداقل یک مورد سؤال انتخابی وجود داشته باشد و در انتخاب سؤال احساس آزادی عمل داشته باشند.

در آزمون، برای زیبایی و خوش خطی نمره‌ای در نظر گرفته شود.

شاگردان تنوع در نوع و قالب سؤال را دوست دارند؛ سؤالات «تکمیلی»، «بسته پاسخ»، «گزینه‌ای»، «توضیحی»، «همراه با رسم شکل»، «حدس زدن»، «محاسبه‌ای و مهارتی»، «مقایسه‌ای» و «مثال زدن».

سؤالاتی که برای پاسخ دهی به آن‌ها، دانش آموز باید به نوعی اظهار نظر کند، برداشت شخصی خود را بگوید، اظهار عقیده کند و برای حرفش دلیل بیاورد، نیز برای دانش آموزان مطلوبیت دارند؛ چرا که گویی شخصیت آن‌ها به حساب می آید و به نظر ایشان توجه می شود. البته لازم است معلم برای ارزش گذاری به فکر و عقیده دانش آموزان نمره‌ای هم در نظر بگیرد و نخواهد فقط یک مدل جواب را بپذیرد و نمره بدهد.

### آزمون گروهی

در مورد آزمون‌های گروهی، به یاد دارم که یک بار در کلاس دوم راهنمایی، با توجه به نوع سؤالات، به بحث و مشورت برای یافتن پاسخ نیاز بود. اعلام کردم، امتحان به صورت گروهی (گروه‌های سه نفره) صورت خواهد گرفت. می دانم که دانش آموزان را می توان به شکل تصادفی، یا بر اساس حروف الفبا و فهرست کلاس، و یا به صورت‌های دیگر که در هر حال باعث شود، گروه‌ها خیلی ناهماهنگ نباشند، گروه بندی کرد. در این آزمون احساس کردم، چه قدر دانش آموزان در گروه‌های سه نفره به طور جدی با هم بحث و تبادل نظر می کنند و سعی دارند بهترین گروه باشند. بنابراین، علاوه بر امتحانات انفرادی مرسوم، می توان گه گاه آزمون‌هایی به صورت گروهی به عمل آورد، تا دانش آموزان مسائل را به شکل گروهی پاسخ دهند.

یک بار در کلاس اعلام کردم، برای آزمون هفته‌ی آینده،

شما سؤال طراحی کنید و امتیاز بگیرید، و توضیح دادم: چه فصل‌هایی از کتاب، چند سؤال و چه تعداد مسئله مورد نظر هستند، سؤالات ساده نباشند و به قول خودم آب‌دار باشند، و بالاخره از میان سؤالات طرح شده، ۱۰ سؤال را جدا کرده و برای امتحان انتخاب، تکثیر و توزیع می کنم. تجربه‌ی جالبی بود. رقابت عجیبی بین آن‌ها صورت گرفت تا امتیاز طرح سؤال را بگیرند. در کنار این فرایند، شور و شوق دانش آموزان و صف ناپذیر بود. گرچه همیشه نمی توان این گونه عمل کرد، لیکن تجربه و خاطره‌ی زیبایی به یادگار خواهد ماند.

اما در مورد شوخ طبعی در طراحی سؤال، باید بگویم که امتحان و برگه‌ی امتحانی به طور کلی دلپره‌آور و اضطراب انگیز است. معمولاً برای کاهش این حالت، جلسه‌ی امتحان با یاد خدا آغاز می شود که بسیار تأثیر می گذارد. لیکن حالت‌های دل‌نشین در خودورقه و سؤالات نیز می تواند در این کاهش اضطراب مؤثر باشد. برعکس، امتحانی که حالت مع‌گیری دارد، با سؤالات سنگین و سخت شروع می شود، و یا بارم‌ها به قدری زیادند که با پاسخ ندادن به یک سؤال مقدار زیادی نمره از دست می رود، بر اضطراب دانش آموز می افزاید و او را دچار فراموشی و بی تمرکز می کند. حالا اگر سؤالات از ساده به مشکل باشند و در میان آن‌ها حالت‌های شوخ طبعی دیده شود، سنگینی صحنه‌ی آزمون کاهش می یابد.

مثلاً یک سؤال می تواند به صورت داستان و قصه باشد و در آن نکاتی برای پاسخ دادن گنجانده شود. سؤالات تصویری و کاریکاتوری نیز از جمله سؤالات شیرین هستند. طرح چنین سؤالاتی، قدرت خلاقیت معلمی را می رساند که هدف آموزشی مناسبی را از درون تصویر یا کاریکاتوری نشانه رفته است. سؤال می تواند به صورت شعر بیان شده باشد. و یا می تواند به شکل معما باشد که البته باید قدرت حل آن را، با توجه به اهداف درس، در دانش آموزان سراغ داشته باشیم. سؤال می تواند برگرفته از واقعه‌ای باشد که چند روز گذشته رخ داده است؛ مثلاً برف سنگینی که دیروز آمد و... و یا در مسابقه‌ی فوتبال هفته‌ی گذشته، و... اگر چنین نمونه‌هایی از سؤالات طرح شده دارید، برای چاپ در مجله ارسال نمایید.

### منابع

۱. شایان، دکتر سیاروش و چوبینه، دکتر مهدی و ملک عباسی، منصور راهکارهای آموزش جغرافیا. نشر شورا، تهران. چاپ چهارم. ۱۳۸۲.
۲. جزوه‌ی آموزشی اضطراب امتحان. انجمن علمی آموزشی مدرسین آموزش ختواده شهر تهران. انجمن اولیا و مربیان. ۱۳۸۴.

الزام دانش آموز به رعایت موارد مورد نظر در انجام تکلیف، ناظر به استفاده‌ی سودمند از تمرین است و نهایتاً حرکت دانش آموز در مسیر فرایند آموزش است. لذا اگر این الزام در هر موردی، نتیجه‌ی معکوس به بار آورد، ضمن بی‌انگیزگی دانش آموز، او را به فرار از این مسئله وادارد. به عبارت روشن‌تر اگر سرنگین صغرا بگوید: می‌گمانم در وقت بخوابی این تعامل باید مجدداً تقصیرگیری مناسب کرد. موردی که ذکر می‌شوند، تنها به خاطر پیوسته کردن عامل معلم و دانش آموز بر این راه است و لااقل:

برخی از همکاران، پیش از آن‌که محتوای تکلیف انجام شده را مورد ارزیابی قرار دهند، نسبت به ظاهر تکلیف و زیبایی آن، و سواس بیش از حد دارند. باید توجه داشت که از مسائل‌های پیچیده‌ی دست‌ان و در مدرسه‌ی راهنمایی، باید جهت دهی دانش آموزان به گونه‌ای باشد که تکلیف در عین سادگی، خوانا و قابل مراجعه‌ی سریع باشد. بسیاری از دانش آموزانی که موفق به حل تمرین‌ها در درس اترافی نمی‌شوند، تمرکز کافی ندارند. یکی از عوامل آن، متمرکز کردن ذهن بر ظاهر تکلیف و زمان‌گذاری فراوان در این زمینه است. دانش آموزانی که مقیدند از رنگ‌های متعدد در انجام تکلیف اترافی استفاده کنند، در دسته‌ی یادشده قرار می‌گیرند.

پس باید به دانش آموز نحوهای را آموزش داد که تکلیف او دارای سه ویژگی مهم باشد: سادگی، خوانا بودن و قابلیت مراجعه‌ی سریع به آن در ضمن، امکان تصحیح تکلیف هنگام بررسی آن در کلاس درس، بدون آن‌که از این سه ویژگی خارج شود، وجود داشته باشد. استفاده از مدار ساده در حل تمرین‌ها اترافی و کمک گرفتن از پانک‌کی، در بسیاری از موارد توصیه می‌شود. علاوه بر این، تاریخ‌دار بودن هر تکلیف انجام شده، مفید است. زیرا در مراجعه‌های بعدی می‌تواند در مسیر زمانی مباحث راه‌گشا باشد.

یکی از موارد مهم و موضوع اختلاف بین معلمان و دبیران تخصصی آموزش این است که آیا در تکلیف شب، و خصوصاً در درس‌هایی نظیر ریاضی و علوم، نوشتن صورت تمرین ضرورت دارد یا نه. برخی از همکاران علاوه بر اعتقاد به نوشتن صورت تمرین‌ها، حساسیت ویژه‌ای نیز نسبت به این موضوع دارند و در کنترل ارزیابی تکلیف، آن را بسیار مهم می‌شمارند و دانش آموز را نیز مورد بازخواست قرار می‌دهند. عمدتاً استدلال آن‌ها این است که نوشتن صورت مسئله، عامل تمرکز بر داده‌ها و خواسته‌های مسئله، و در نتیجه گام اول در حل آن است و می‌تواند به دانش آموزانی که موفق به حل مسئله

تکلیف شب - ۳

# فرایند انجام تکلیف

علی توکلی بینا

اشاره

در دو مطلب گذشته، ابتدا جایگاه تکلیف شب در نظام آموزشی تبیین و تأثیر آن در تثبیت و استقرار مفهوم آموزشی در ذهن دانش آموز بررسی شد. در بخش دوم، یکی از سوالات مطرح شده با محوریت «هدف تکلیف شب به عنوان ورودی نظام آموزشی» مورد بحث قرار گرفت. در این شماره به نکات مورد نظر در خصوص فرایند انجام تکلیف اشاره می‌شود.



پس اگر قرار باشد که دانش آموز هنگام نوشتن صورت تمرین، بر داده‌های مسئله تمرکز کند، این مهارت نیازمند آموزش و ممارست جداگانه‌ای است که حداقل در برنامه‌های کنونی مدارس حلی ندارد.

به نظر می‌رسد معلم باید با توجه به موارد یاد شده، راه حل میانه‌ای را برگزیند تا هم وقت‌گذاری دانش آموز زیاد نشود، و هم امکان مراجعه‌ی مجدد فراهم باشد. پس حساسیت بیش از اندازه، گاهی نتیجه‌ی عکس‌نیر می‌دهد. در برخی از مدارس که امکانات بهتری فراهم است، اینک مسائلی را با جای مناسب در پلی‌کپی‌هایی از پیش آماده می‌کنند، یا از کتاب کار استفاده می‌نمایند که همین روش در آن لحاظ شده است. و لذا دانش آموز تنها مسئله را حل می‌کند. این روش، تکیه بر اعتقاد سوم دارد، اما فواید داشتن دفتر کار را از دانش آموز سلب می‌کند و او را وابسته و منفعل می‌سازد.

نگارنده در این مقاله، در مقامی نیست که بین نظرات موجود، راه‌حلی را برگزیند، امامی انگارد که معلم با توجه به تحریبات خود و هم‌هی موارد ذکر شده در بالا، به سادگی می‌تواند برای کلاس خود تصمیم‌گیری کند و روش میانه‌ای را برگزیند.

مورد مهم دیگر، آموزش دانش‌آموزان

برای مهارت تقسیم وقت روی تمرین شب است. برخی از دانش‌آموزانی که مجموعه‌ی یک تمرین را نسبتاً خوب انجام نمی‌دهند، بی‌انگیزه نیستند، اما فاقد این مهارت هستند. یعنی روی برخی از تمرین‌های آغازین وقت زیادی صرف می‌کنند، و در نتیجه به تمرین‌های پایانی نمی‌رسند، یا آن‌ها را با کیفیت آغازین انجام نمی‌دهند. تنظیم تمرین‌ها از ساده‌به‌مشکل کمک بزرگی است که معلم به این دسته از دانش‌آموزان می‌کند. اما مهم‌تر آن است که دانش آموز دریابد که یک مسئله، وقت محدودی را به خود اختصاص می‌دهد، و اگر در آن وقت موفق به حل آن نشد، آن را واگذارد و به بقیه مسائل بپردازد. و نهایتاً در صورت باقی ماندن زمان، به آن مسئله بازگردد. آموزش این مهارت، کمک بزرگی به دانش‌آموزان ماست که در فردای دبیرستان، آینده‌ی خود را با کنکور و سوالات با وقت محدود رقم می‌زنند.

اینک که از کتاب کار صحبت شد، باید دو نکته را در صورت استفاده از آن یادآور شد: یکی این که تمرین‌های کتاب‌های کار، لزوماً از ساده به مشکل در هر موضوع مرتب نشده‌اند و اهمیت این مطلب قبلاً بررسی شده است. دوم آن که هم‌هی تمرین‌های یک موضوع، ممکن است منطبق بر طرح درس

ما و آموخته‌ی دانش‌آموزان ما نباشند. لذا ضروری است که پیش از دادن تکلیف، معلم به دقت آن تمرین‌ها را واکاوی و انتخاب کند.

برخی متخصصان آموزش به یک دلیل روان‌شناختی آموزشی، نظر مساعدی بر کتاب کار از پیش آماده ندارند، که بحث آن از حوصله‌ی این مقاله خارج است. اما مطلب آخر در این قسمت آن است که معلم باید همه‌ی تمرین‌ها را به نوعی در کلاس بررسی کند؛ البته با اتخاذ سرعت مناسب.

بسیاری از معلمان البته تمرین‌ها را در اختیار دانش آموز قرار می‌دهند و او را ملزم به انجام آن‌ها می‌کنند، اما خود به دلیل نبودن وقت از حل کامل آن‌ها امتناع می‌ورزند. یادمان باشد که هدف از تکلیف، باز خورد آموزشی است و بدون بررسی و تصحیح، این هدف صورت نمی‌پذیرد. لذا ضروری است که همه‌ی تمرین‌ها در کلاس بررسی شوند.

البته در مورد تمرین‌های بسیار ساده، تنها با بیان پاسخ نهایی این امر صورت می‌پذیرد. و مهم‌تر از این، آن است که دانش‌آموز اشتباه خود را هنگام بررسی تمرین‌ها در کلاس، تصحیح کند و اگر درست حل کرده بود، با علامت مناسب (مانند ✓) آن را مشخص سازد. این موضوع، مرحله‌ی مهمی از فرایند آموزش است و معلم باید بر این مطلب حساسیت ویژه داشته باشد.

آموزش دانش‌آموزان برای مهارت تقسیم وقت روی تمرین شب است. برخی از دانش‌آموزانی که مجموعه‌ی یک تمرین را نسبتاً خوب انجام نمی‌دهند، بی‌انگیزه نیستند، اما فاقد این مهارت هستند.

تحقیقات نشان می‌دهند، ضرب هم‌بستگی قابل‌اعتنایی بین تمرکز و نوشتن صورت تمرین‌ها وجود ندارد.

تکلیف دانش‌آموزان باید دارای سه ویژگی مهم باشد: سادگی، خوانا بودن و قابلیت مراجعه‌ی سریع به آن.

# الگوی تدریس ۵E

زهرا حریر فروش - مهرناز صادقی

## اشاره

هدف اساسی این الگو، دست‌یابی به روحیه‌ی کار جمعی، کشف فعال، جست‌وجو و کاوش است. الگوی تدریس ۵E، از پویاترین و کارآمدترین الگوهای تدریس به‌شمار می‌رود که در بسیاری از کلاس‌های دنیا با موفقیت در حال اجراست. نقش معلم در روش ۵E، فعال کردن دانش‌آموز، زمینه‌سازی و هدایت فعالیت‌های یادگیری است. این روش فرصت کشف فعال، آزمایش و تفکر خلاق را در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد.

## مراحل اجرای الگوی ۵E

۱. درگیر کردن: معنی برای انسان‌کردار دانش‌آموزان با چگونگی تشکیل انرژی از منابعی به‌صورت دیگر و برای ایجاد انگیزه و درگیر کردن آنها در موضوع، استفاده از بازی و موتور الکتریکی، تجربی را برای هر یک حس کنجکاوی دانش‌آموزان و بحث گروهی و پرسش‌ها و پاسخ‌ها می‌کند.

۲. کاوش: در این مرحله که در واقع مطالعه‌ی بعد از ایجاد انگیزه است، هدف کشف گروه، مشاهده‌ی دقیق و یادداشت‌برداری، رسم تصاویر و بحث و تبادل نظر در مورد تشکیل انرژی هم به‌یادگیری است. در این مرحله معلم نقش هدایت‌گر را دارد و با استفاده از سؤالات تفکر برانگیز و انشائی سؤالات، دانش‌آموزان را به‌صورت می‌گیرد. دانش‌آموزان را به‌هم‌بازی در گروه به‌صورت خودگردان گروه می‌جوید. از مشاهدات خود تصویرهایی رسم کند.

۳. توصیف: معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد برای کار و فعالیت‌هایی که انجام داده‌اند، توضیح منطقی و مستدل ارائه دهند. از هر گروه یک نفر مشاهدات گروه خود را توصیف می‌کند.

۱. درگیر کردن: تحریک حس کنجکاوی و علاقه‌ی دانش‌آموزان در طریق انجام یک فعالیت، طرح سؤالی حالت، خواندن دانش‌آموزی سه‌تعداد مشاهده‌ی عکس‌های حالت.

۲. کاوش: مشاهده‌ی دقیق و ثبت مشاهدات، تفکر آزاد و بحث گروهی، پیش‌بینی و انجام آزمایش (برورش مهارت‌های کارشناسی).

۳. توصیف: شرح و بیان دقیق مشاهدات به‌صورت کتبی و شفاهی و ارائه‌ی راه‌حل‌ها و پاسخ‌های احتمالی برورش مهارت‌های تفکر انشائی و تحریک و تحلیل.

۴. شرح و بسط: جمع‌آوری اطلاعات از منابع گوناگون، بحث و گفتار باقیه‌ها و ایجاد ارتباط بین ایده‌های مرتبط هم (برورش توانایی کار در گروه به‌صورت موفقیت‌های جمعی).

۵. ارزش‌یابی: ارزیابی دانش و مهارت‌های کسب‌شده در فرایند یادگیری و استفاده از روش خودارزیابی.

۴. شرح و بسط (گسترش): در این مرحله، پیامون مفاهیم اصلی تدریس مفهومی ارائه می‌شود. سؤالات مفهومی اعضای و موارد پیشتر دربرابر موضوع اصلی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کرد تا پاسخ سؤالات خود را بیابند. هم‌چنین آن‌ها می‌توانند استفاده از منابع گوناگون اطلاعات خود را گسترش دهند.

۵. ارزش‌یابی: معنی از هر گروه می‌خواهد، گزارش که‌ممن از تبدیل انرژی از صورتی به‌صورت دیگر را ارائه دهند. سپس او این گزارش را در اختیار گروه دیگر به‌حس کلاس دیگر قرار می‌دهد. این‌ها می‌خواهد بر اساس توضیحاتی که از تبدیل انرژی از صورتی به‌صورت دیگر انجام گرفته است، شکل آن وسیله (تبدیل انرژی) را رسم کند. نتیجه است، هر چه به‌صیف دقیق‌تر باشد، تصویر کامل‌تر است.

مراحل آموزش	فعالیت معلم	فعالیت دانش‌آموز
درگیر کردن Engaging	۶ ایجاد علاقه و تحریک حس کنجکاوی دانش‌آموزان از طریق انجام یک فعالیت با...	۶ نشان‌دادن اشتیاق نسبت به موضوع و پرسیدن سؤالات فراگیر کردن در متن فعالیت انجام گرفته
کاوش Exploration	۶ مشاهده‌ی کار دانش‌آموزان و گوش دادن به‌مشاهده‌ی آنان ۶ پرسیدن سؤالات تفکر برانگیز و ابهام‌فشان مشاور	۶ آزمودن فرضیه‌ها و پیش‌بینی‌ها در حیطه‌ی فعالیت طرح‌شده ۶ بحث با سایر اعضای گروه به‌دور از پیش‌داوری ۶ ثبت ایده‌ها و نتایج حاصل از مشاهدات
توصیف Explanation	۶ ترغیب و تشویق دانش‌آموزان برای رسیدن به‌مفاهیم انرژی و تبدیل انرژی، از طریق خواندن و بررسی صفحات مربوط به‌صورت‌های انرژی و ارجاع آنان به‌فعالیت مرحله‌ی قبل	۶ دست‌یابی به‌مفاهیم انرژی و تبدیل انرژی با استفاده از داده‌های ثبت‌شده در مرحله‌ی کاوش و گوش دادن به‌توضیحات معلم و دیگر اعضای گروه و بررسی صفحات کتاب درسی
گسترش (شرح و بسط) Elaboration	۶ تشویق دانش‌آموزان به‌ارائه‌ی مثال‌هایی از تبدیل انرژی در موقعیت‌های جدید در زندگی روزمره ۶ راهنمایی برای کاربرد مهارت‌های کسب‌شده	۶ استفاده از اطلاعات کسب‌شده برای ارائه‌ی مثال‌های جدید از تبدیل انرژی و طرح پرسش‌های تازه ۶ طراحی آزمایش‌های جدید برای نشان‌دادن تبدیل انرژی
ارزش‌یابی Evaluation	۶ مشاهده‌ی عملکرد دانش‌آموزان در کاربرد مفاهیم و مهارت‌ها ۶ سنجش مهارت‌ها و دانش یادگیرندگان ۶ ایجاد فرصت‌هایی برای خودارزش‌یابی	۶ انجام فعالیت‌های طرح‌شده ۶ پاسخ‌گویی به‌سؤالات ارائه‌شده

روش تدریس پیشنهادی: الگوی آموزش ساخت‌گرا (مدل ۵E)، واحد یادگیری: تبدیل انرژی





دفتر انتشارات کمک آموزشی

## آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

### مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوآموز** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی).
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی).
- **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه).

### مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- **رشد آموزش ابتدایی**، **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی**، **رشد تکنولوژی آموزشی**، **رشد مدرسه فردا**، **رشد مدیریت مدرسه**
- **رشد معلم (دو هفته نامه)**

### مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند):

- **رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی)**، **برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی**، **رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی)**، **برای دانش آموزان دوره ی متوسطه**، **رشد آموزش معارف اسلامی**، **رشد آموزش جغرافیا**، **رشد آموزش تاریخ**، **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، **رشد آموزش زبان**، **رشد آموزش زیست شناسی**، **رشد آموزش تربیت بدنی**، **رشد آموزش فیزیک**، **رشد آموزش شیمی**، **رشد آموزش ریاضی**، **رشد آموزش هنر**، **رشد آموزش قرآن**، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، **رشد آموزش زمین شناسی**، **رشد آموزش فنی و حرفه ای** و **رشد مشاوره مدرسه**.

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کادر اجرایی مدارس دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

● نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۳۷۸

## فرشته ی بیکار

ترجمه ی: سهیلا ورچه

روزی مردی خواب عجیبی دید. او دید که پیش فرشته هاست و به کارهای آن ها نگاه می کند. هنگام ورود، دسته ی بزرگی از فرشتگان را دید که سخت مشغول کارند و تندتند نامه هایی را که توسط پیک ها از زمین می رسند، باز می کنند و آن ها را داخل جعبه می گذارند. مرد از فرشته ای پرسید: «شما چه کار می کنید؟»

فرشته در حالی که داشت نامه ای را باز می کرد، گفت: «این جابخش دریافت است و ما دعاها و تقاضاهای مردم از خداوند را تحویل می گیریم.»

مرد کمی جلو تر رفت، باز تعدادی از فرشتگان را دید که کاغذهایی را داخل پاکت می گذارند و آن ها را توسط پیک هایی به زمین می فرستند. او پرسید: «شما چه کار می کنید؟»

یکی از فرشتگان با عجله گفت: «این جابخش ارسال است. ما الطاف و رحمت های خداوندی را برای بندگان می فرستیم. مرد کمی جلو تر رفت و دید فرشته ای بیکار نشسته است. او با تعجب از فرشته پرسید: «شما چرا بیکارید؟»

فرشته جواب داد: «این جابخش تصدیق جواب است. مردمی که دعاهایشان مستجاب شده است. باید جواب بفرستند، ولی فقط عده ی بسیار کمی جواب می دهند.»

مرد از فرشته پرسید: «مردم چگونه می توانند جواب بفرستند؟» فرشته پاسخ داد: «بسیار ساده، فقط کافی است بگویند: خدایا شکر!»



FARID, 86



## برگ اشتراک مجله های رشد

### شرایط

۱- واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.

۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

• نام مجله :

• نام و نام خانوادگی:

• تاریخ تولد:

• میزان تحصیلات:

• تلفن:

• نشانی کامل پستی:

استان: ..... شهرستان: .....

خیابان: .....

پلاک: ..... کدپستی: .....

• مبلغ واریز شده:

• شماره و تاریخ رسید بانکی:

• آیا مایل به دریافت مجله درخواستی به صورت پست

پیشتان هستید؟  بله  خیر

امضا:

نشانی: تهران - صندوق پستی مشترکین ۱۶۵۹۵/۱۱۱

www.roshdmag.ir

E-mail: info@roshdmag.ir

۷۷۳۲۶۶۵۶ - ۷۷۳۲۹۷۱۳ - ۱۴

۸۸۲۰۱۴۸۲ - ۸۸۸۳۹۲۳۲

پیام گیر مجلات رشد:

یادآوری:

• هر به برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.

• منای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.

• برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).

# بازی های

من یک معلم و سال هاست که در دوره ی راهنمایی تدریس می کنم. در این سال ها کوشیده ام، شوق علمی دانش آموزانم را تقویت کنم و به این منظور، گاهی در کلاس هایم بازی هایی را معرفی می کنم که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع درس مربوط هستند. بچه ها در حین بازی بدون آن که حس کنند، فرضیه می سازند، آزمایش می کنند، روش علمی را تجربه می کنند و یاد می گیرند و البته از علم آموزی هم لذت می برند!

قدیم ترها برای طراحی یک بازی روزها وقت صرف می کردم. اما در چند سال اخیر، معمولاً با گشتی چند ساعته در اینترنت ایده هایی برای طرح بازی هایی مربوط به یک موضوع پیدا می کنم و با صرف چند ساعت وقت، طرحی برای یک بازی آماده می کنم.

البته من معلم ریاضی ام و بیشتر در سایت های مربوط به این رشته می گردم. اما سایتی که اکنون آن را معرفی می کنم، شامل بیش از سه هزار بازی آموزشی در زمینه های گوناگون است.

ابتدا یا وارد کردن آدرس زیر وارد صفحه ی اصلی سایت شوید:

<http://www.educationallearninggames.com>

در همین صفحه می توانید دوره ی مورد نظرتان را از میان دیگر دوره های زیر انتخاب کنید:

Baby - Toddler (کودک - نوپا)

Preschool - K (پیش از دبستان)

Grades ۱-۳ (کلاس های اول تا سوم)

Grades ۴-۶ (سال های آخر دبستان و اول راهنمایی)

# رایانه‌ای

زهره پندی

(سال‌های آخر راهنمایی و دبیرستان) Grades ۷-۱۲

هم‌چنین می‌توانید، موضوع کلی مورد نظرتان را از میان موضوعات زیر برگزینید. البته اگر موضوع خاصی را هم در نظر دارید، می‌توانید لغات کلیدی آن را در قسمت search وارد کنید و به‌طور خاص به دنبال آن بگردید!

معماهای فکری (Brain Teasers)

✓ بازی‌هایی در ارتباط با انجیل (شاید همکاران گروه دینی و قرآن بتوانند از این بازی‌ها ایده‌هایی برای طرح بازی‌های جدید پیدا کنند).. (Bible Games)

✓ بازی با کارت (Card Games)

✓ بازی‌های صوتی و هنری (Drama / Music Games)

✓ اسباب‌بازی‌های آموزشی (Educational Toys)

✓ بازی‌های خانوادگی (Family Games)

✓ بازی‌های مربوط به آموزش زبان‌های خارجی (یعنی غیرانگلیسی) (Foreign Language)

✓ بازی‌های جغرافیایی (Geography Games)

✓ بازی در مورد قوانین گوناگون حکومتی (Government Games)

✓ بازی‌های مربوط به گرامر زبان انگلیسی (Grammar Games)

✓ بازی‌های تاریخی (History Games)

✓ بازی‌های منطقی (Logic Games)

✓ بازی‌های ریاضی (Math Games)

✓ بازی‌های مغناطیسی (Magnetic Games)

✓ ماز (Mazes)

✓ بازی‌های دوز مانند (Mensa Games)

✓ بازی‌های پولی یا سرمایه‌ای (Money Games)

✓ بازی در مهمانی‌ها (Party Games)

✓ تلفظ (Phonics Games)

✓ پازل‌ها (Puzzles)

✓ بازی در مورد مذاهب (Religious Games)

✓ بازی‌های علمی (Science Games)

✓ زبان اشاره (Sign Language)

✓ بازی در مورد هجی کردن لغات انگلیسی (Spelling Games)

✓ بازی‌های ورزشی (Sport Games)

✓ بازی‌های آموزش راهبرد (Strategy Games)

✓ بازی در مورد مفهوم و مدیریت زمان (Time Games)

✓ بازی‌های سفر (Travel Games)

✓ بازی‌های خاصی که فقط در یک مورد خاص به درد می‌خورند. (Trivia Games)

✓ بازی‌های چوبی (Wooden Games)

✓ بازی با لغات (Word Games)

پس از انتخاب موضوع یا دوره‌ی موردنظر، فهرستی از بازی‌ها در اختیارتان قرار می‌گیرد. این فهرست ممکن است چند صفحه‌ای باشد. می‌توانید فهرست همه‌ی بازی‌های موجود درباره‌ی موضوع موردنظرتان را با کلیک کردن پی‌درپی روی دکمه‌ی next ببینید.

در همین فهرست، هر بازی به‌طور مختصر معرفی شده است که با مطالعه‌ی آن می‌توانید، با بازی آشنا شوید. با کلیک کردن روی View Details هم می‌توانید، اطلاعات بیشتری درباره‌ی روش بازی، وسایل لازم برای آن، بازی‌های مشابه و... کسب کنید.

البته هیچ‌کدام از بازی‌های این سایت رایگان نیستند، اما ممکن است، ایده‌های جدیدی برای طراحی بازی‌های آموزشی در اختیار شما قرار دهند. اگر از بازی‌های این سایت در کلاستان استفاده کردید، لطف کنید و گزارش از آن‌ها برای ما بفرستید.

اشاره

تدریس در روستاها دشواری های خاص خود را دارد به خصوص کار کردن در مدارس چند پایه بسیار سخت و البته چالب است. در این مقاله، خانم زری سادات موسوی، دبیر زبان انگلیسی شهرستان ساری، تجربه های خود را در ارتقای سطح آموزش زبان در یکی از روستاهای کشور به رشته ی تحریر در آورده است.

هستند. با تحقیقاتی که از دبیران سال گذشته و خود دانش آموزان کردم. به این نتیجه رسیدم که مسائل گویاگی می در این ارتقا نقش دارند. زندگی شهری کنار رفته اند و این موضوع خود دست گاهی را برای دانش آموزان در یادگیری درس به وجود آورده است.

مسئله ی دیگری این که دانش آموز مسئولیت بحث مهمی از کار خانه را به عهده دارد که این موضوع در امر معاش خانواده نقش بسیار مهمی دارد. او به نوعی خودشان را مسئول در آمد خانواده می داند و سعی و تلاش او بیشتر در این جهت است. نبودن امکانات برای یادگیری بیشتر درس مثل آموزشگاه یا کتاب های متنوع کمک آموزشی، درگیر بودن پدر و مادر، و عدم مسافت تا شهر همه باعث افت تحصیلی بیشتر دانش آموز روست می شوند. سعی کردم با امکانات و روش های گوناگون مسئله را حل کنم.

شیوه ی گردآوری اطلاعات

هدف تحصیلی مسئله ای است که آموزش زبان در این روستا درگیر است و در روستا، نام همه به شرط یاد ذکر شده، حتی بیشتر به چشم می خورد. با انجام آزمون تعیین و نظر خواهی از دبیرانی که سال ها در روستا تدریس کرده بودند و نظر خواهی از مدیر مدرسه منوجه من مشکل شده و کو شدیم، آنرا به نحو مطلوب حل کنم.

اقدام و راه حل پیشنهادی

از آن جایی که به بی ای انجام هر کاری آگاهی داشتن از ضرورت

مقدمه

پس از مسائل طولانی تدریس در شهر، سال گذشته به روستا رفتم و مواجه شدم، تدریس در روستا روش خاص خود را می طلبد و شیوه های چشم گیری بین دانش آموزان شهر و روستا وجود دارد. در این فکر بودم که چگونه می توانم سطح کیفی آموزشی زبان، بالا ببرم. دانش آموزان به محتوای تدریس که از جمله های گوناگون در روستا وجود دارد، فقط باید از امکانات موجود و ابتکارات خود برای پیشرفت دانش آموزان استفاده می کردم. بنا بر این تصمیم گرفتم، تا حدی که می توانم، مشکلات آن ها را حل کنم و در فهم و شنیدن کردن درس زبان برای آن، حداکثر توانم را به کار ببرم.

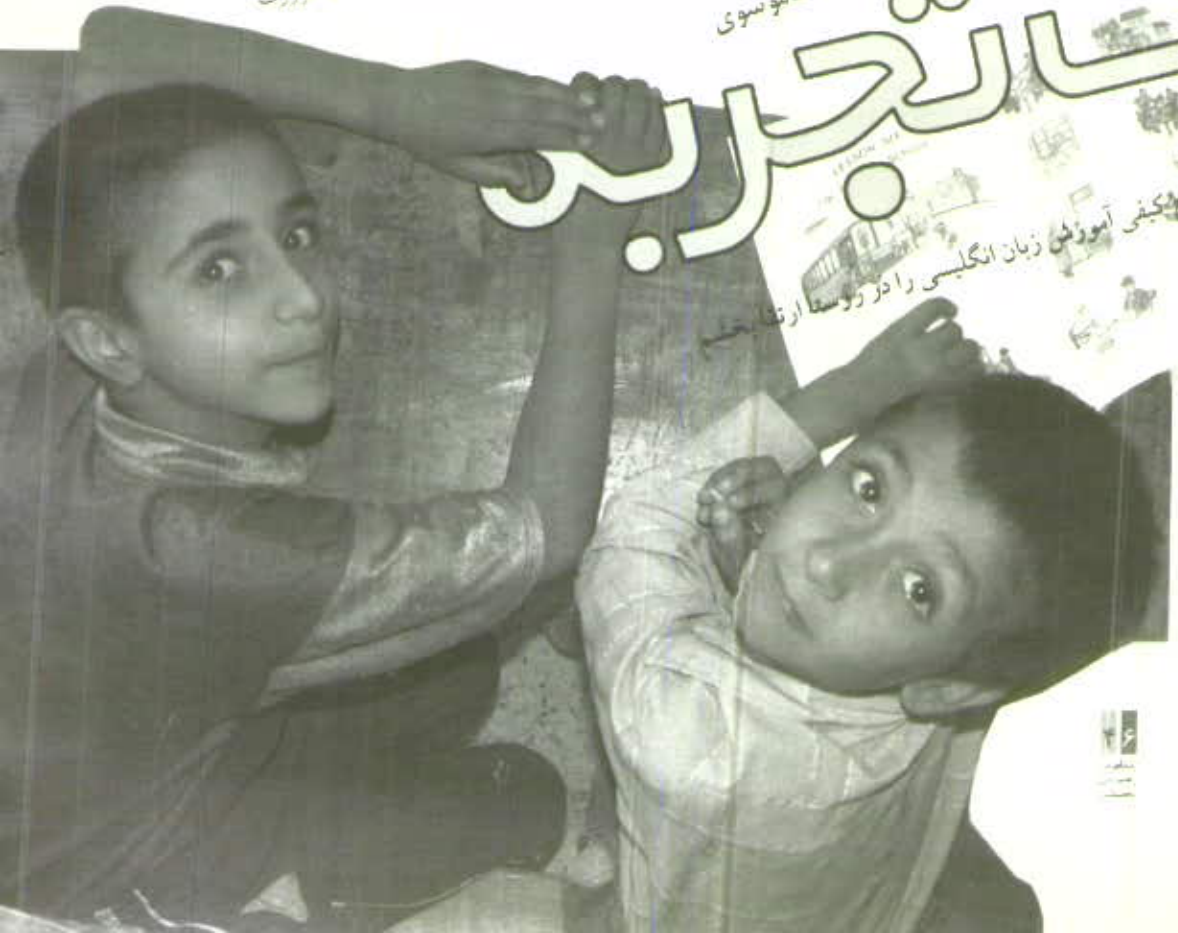
بیان مسئله

توانم خیلی چالب بود که دانشم چرا دانش آموزان روستا را استعداد خوبی که دارند، در یادگیری درس ها، مخصوصا زبان دچار مشکل

زری سادات موسوی

# یک تجربه

چگونه توانستم سطح کیفی آموزش زبان انگلیسی را در روستا ارتقا بخشم



نگار: زلفه ابراهیمی





انجام آن باعث ایجاد انگیزه می شود، به این نتیجه رسیدیم که اگر دانش آموز درس را بفهمد و کاربرد آن را در زندگی بداند، با انگیزه ی بیشتری یاد می گیرد. بنابراین تصمیم گرفتیم، در جلسه ی اول، اهمیت زبان در زندگی روزمره و آینده را با مثال های ملموس توضیح دهیم. سپس چند هفته ی اول مهرماه را به دوره ی درس های گذشته در پایه ی اول، دوم و سوم اختصاص دادیم. گرچه این کار وقت گیر بود، ولی نتیجه ی بسیار خوبی داشت. چون به گفته ی خود دانش آموزان، تمام مطالب برایشان تازگی داشت و وقتی متوجه شدند که می توانند زبان را یاد بگیرند، با انگیزه ی بیشتری به تصمیم بعدی من، آشنا کردن دانش آموزان با جاذبه های

گونگون زبان بود. آن ها زبان را در حد یادگیری چند لغت و گرامر می دانستند، در حالی که زبان جاذبه های زیادی از جمله مکالمه دارد. انجام مکالمه و این که دانش آموز بسپد می تواند با دوستش به زبان انگلیسی صحبت کند، یا جمله ای به انگلیسی بنویسد، می تواند خیلی جذاب باشد. بنابراین قدم بعدی آشنایی دانش آموز با بخش مکالمه می کردند و با این کار کلاس از حالت سنتی در می آمد. دانش آموزان از این که می توانستند با هم به انگلیسی صحبت کنند، خوش حال بودند. بعد از این مرحله، دانش آموزان را با فرهنگ لغت آکسفورده آشنا کردم تا دایره ی لغت خود را گسترش دهند و بهتر بتوانند بنویسند یا صحبت کنند. آن ها بعد از تدریس لغت و درس، چند لغت را انتخاب می کردند و متضاد یا مترادف و یا شرح آن ها را از فرهنگ لغت آکسفورد پیدا می کردند و دایره ی لغت خود را گسترش می دادند و این کار به عنوان فعالیت درسی آن ها محسوب می شد.

حیاط مدرسه ی روستا خیلی بزرگ و زیباست و هوای آزاد در یادگیری بسیار مؤثر است. یک روز در حالی که به تدریس مشغول بودم، به حیاط مدرسه خیره شدم و با توجه به مطالعاتی که درباره ی روش های تدریس در کشورهای دیگر داشتم، تصمیم گرفتم که از حیاط مدرسه برای تدریس بهتر استفاده کنم. یک ربع مانده به زنگ، دانش آموزان کلاس را به حیاط مدرسه بردم و از آن ها خواستم در گوشه ای بنشینند و با الهام گرفتن از طبیعت، هر موضوعی را که دوست دارند، در چند جمله ی انگلیسی بنویسند. بعد برای انجام مکالمه و یادگیری گرامر هم از همین روش استفاده کردم. ایجاد تنوع در مکان تدریس باعث افزایش یادگیری شد. به علت کمبود ساعت آموزشی، تشکیل کلاس های تقویتی در مدرسه هم بسیار مؤثر بود، ولی دانش آموزان روستا وضعیت

مالی خوبی ندارند. بنابراین تصمیم گرفتیم برای جبران کمبود ساعت آموزشی، از ۱۵ شهریور تا اوایل ماه هفتمی دو روز به مدرسه بیایم و با دانش آموزان سال سوم که امتحان نهایی هم دارند، کار کنیم. از طرف دیگر، این دانش آموزان با کتاب های تست آشنایی ندارند و امکانی هم برای تهیه آن ها ندارند، ولی کار کردن با کتاب های کار در یادگیری درس بسیار مؤثر است. بنابراین چند کتاب کار تهیه و در کنار درس یا آن ها کار کردم. چون دانش آموزان در خانه وقت کمتری برای درس خواندن دارند و اگر مشکلی داشته باشند، کسی نیست که به آن ها کمک کند، تصمیم گرفتم از روش گروهی استفاده کنم تا تعین ها با همکاری دانش آموزان در کلاس حل و رفع اشکال شود.

بعد از مدتی، دانش آموزان به کارهای خارج از کلاس، مثل گردآوری ضرب المثل و چیستان و جملات زیبای آموزشی و پرورشی به زبان انگلیسی با استفاده از رایانه پرداختند. این نشان می داد که دانش آموزان به زبان علاقه مند شده اند. بدین ترتیب، با کمی ابتکار و تغییر و تنوع در روش کار و استفاده از امکانات موجود، سطح کیفی یادگیری زبان را در مدرسه بالا بردم و از خداوند هم شاکرم که در این راه کمک کرد.

#### ارزیابی نتایج

با انجام آزمون ها و نمراتی که دانش آموزان کسب کردند و نظر خواهی از خود دانش آموزان و مدیر مدرسه، متوجه پیشرفت آن ها شدم.

#### محدودیت ها و موانع

اولین مشکل در روستا، کم بودن ساعت آموزشی برای تدریس است و دیگری، نداشتن امکانات آموزشی. در روستا خود معلم باید در کنار تدریس تست هم کار کند. پس مدرسه باید در فتوکیبی کردن ورقه ی سؤال با دبیر همکاری داشته باشد. اما متأسفانه همیشه با مشکل نداشتن ورقه و خراب بودن دستگاه تکثیر مواجه هستیم. باید بودجه ای برای خرید کتاب های تست وجود داشته باشد که از این نظر هم با مشکل مواجه هستیم.

#### پیشنهادها

به نظر من، اگر این تجربیات تکثیر شود و در اختیار همکاران قرار گیرد، بسیار مؤثر است. اگر هر ساله جلسه ای با حضور دبیران روستا تشکیل شود و در آن جا دبیران تجربه های خود را بیان کنند، بسیار مفید خواهد بود.

#### منابع

۱. سیف، علی اکبر. روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزشی). مؤسسه انتشارات آگاه. ۱۳۷۳.
۲. حاتمی زاده، سید بیگم. یادگیری مشارکتی. مؤسسه انتشارات منظومه دانش. ۱۳۸۲.

# نامه‌های رسیده



در این شماره، تعداد نامه‌های رسیده کمتر از قبل شده است، ولی ما کماکان به لطف و توجه مخاطبان خود ایمان داریم. اگر بابت سردبیر مجله‌ی شماره‌ی ۱ سال جاری را مطالعه کنید، محورهایی که برای نوشتن مقاله و یا مطلب کوتاه مناسب هستند، یادآوری خواهد شد.

عملی ایجاد انگیزه برای مطالعه‌ی درسی دانش‌آموزان را تهیه کرده و برای «مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی» فرستاده است. همکاران ما در رشد ابتدایی بر مطلب ایشان را به منظور بررسی بیشتر، برای ما ارسال کرده‌اند.

از زحمات ایشان، در یک مجموعه با عنوان «انگیزش در کلاس» استفاده خواهیم کرد.

«خانم فاطمه صفری کتالی» دبیر ریاضی شهرستان اهر از استان آذربایجان شرقی مطلبی با عنوان «روش صحیح مطالعه» تهیه و برای دفتر مجله فرستاده‌اند. ضمن تشکر از ایشان، با توجه به کوتاه و کاربردی بودن نوشته، مطلب ایشان در نوبت چاپ قرار گرفت.

«خانم رباب لولاگری» از استان زنجان، مقاله‌ای تحت عنوان «کاربرد روش تدریس استقرایی در آموزش اسم مشتق و اسم مرکب» را برای مجله نوشته‌اند.

با توجه به حجم زیاد نوشته، مطلب به بررسی بیشتر نیاز دارد تا نحوه‌ی استفاده از آن در مجله، مشخص شود.

«آقای مهدی احمدی» از اصفهان، مطلبی با عنوان «سیمای پیامبر در کتاب فارسی دوره‌ی راهنمایی» برای گروه ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی فرستاده است. همکاران ما نیز آن مطلب را برای مجله‌ی رشد راهنمایی ارسال کرده‌اند.

حجم مطلب ایشان بزرگ است و به دنبال راهکاری برای استفاده از آن هستیم.

«خانم پروین الاله» از آبادان، تحقیقی با عنوان «بررسی غلغل استرس در دانش‌آموزان و راهکارهای آن» انجام داده‌اند. ضمن تشکر، باید به اطلاع ایشان رسانیم، حجم مطلب بسیار بالاست. در صورتی که خلاصه‌ی حجمی خود را ارسال کنند، بهتر می‌تواند در مورد چاپ آن تصمیم گرفت.

«خانم تسنیر بیرولی» دبیر مدرسه‌ی راهنمایی ایشازگان حضرت فاطمه الزهرا (س) ناحیه‌ی ۲، از آراك، مقاله‌ای با عنوان «تقویم در ایران» را برای دفتر مجله فرستاده‌اند. ضمن تشکر از ایشان، مطلب را در نوبت چاپ گذاشته

«خانم فاطمه طاهری» دبیر محترم دبستان و قرآن دوره‌ی راهنمایی، مطلبی با عنوان «علاقه به مطالعه در دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی» را ترجمه و تدوین کرده است. ان شاءالله بخش‌هایی از این مطلب را استفاده خواهیم کرد.

«خانم زهرا محقق» از استان مازندران، مقاله‌ای با عنوان «معلمان کارآمد و موفق» تهیه کرده و از طریق «سازمان آموزش و پرورش استان مازندران» به دفتر مجله فرستاده است. از ایشان متشکریم.

«خانم حمیده حاجی بابا» مطلبی با عنوان «انگوری تدریس» تهیه کرده و در آن طرح درس یکی از موضوعات کتاب دینی دوم راهنمایی را آورده است. امیدواریم بتوانیم در زمان مناسب از زحمات ایشان استفاده کنیم.

«در سفرهایی که مسئولان و سردبیران مجلات و دفتر انتشارات کمک آموزشی» به استان‌ها دارند، مطلبی از آقای سید معروف قریشی از شهرستان بوکان آذربایجان غربی تحویل همکارمان آقای جوادیان شد. ایشان هم این مقاله با عنوان «نقش معلمان در ایجاد فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی» را به دفتر مجله آورده است. امیدواریم از مطلب ایشان در مجله به خوبی استفاده شود.

«ریاست سازمان آموزش و پرورش استان یزد» دو مقاله با عنوان‌های «تربیت و آموزش کودکان» و «آب و تاب» که توسط آقای رضا باقی آبادی دبیر ریاضی ناحیه‌ی یک یزد تهیه شده، را به دفتر مجله ارسال کرده است.

«آقای حواد اسدی» از زنجان تحقیقی با عنوان «حفاظت شیرازی» انجام داده است. مطلب ایشان را برای بررسی و استفاده، به مجله‌ی رشد ادب فارسی ارسال کردیم.

«خانم سیمما حاج ابوالقاسمی» از آموزش و پرورش منطقه‌ی ۱۵، با مراجعه‌ی حضوری، مطلبی با عنوان «بایش» به دفتر مجله تحویل داده است. از ایشان به علت توجهشان به موضوع دعا تشکر می‌کنیم.

«آقای محمدعلی کاکاتی» دبیر مدرسه‌های راهنمایی و متوسطه‌ی شهرستان نکاب، مقاله‌ی «راهکارهای





سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

شماره ۵۰  
پشتاد و نهمین شماره  
پهمن ۱۳۸۶

ستاد اقامه‌ی نماز وزارت آموزش و پرورش، پس از برگزاری موفقیت‌آمیز مرحله‌ی نخست مسابقه‌ی «پنجره‌ای رویه آفتاب» در دوره‌ی ابتدایی، مرحله‌ی دوم این مسابقه را در دوره‌ی راهنمایی برگزار می‌کند:

#### ● هدف:

گردآوری و استفاده از تجربه‌های ارزنده‌ی معلمان، مربیان و مدیران دوره‌ی آموزش راهنمایی در راه یادگیری و ترویج نماز در مدارس راهنمایی کشور

#### ● جوایز:

- ده نفر اول، اهدای لوح تقدیر + کمک هزینه‌ی سفر حج عمره مفرد به مبلغ ۵ میلیون ریال
- ده نفر دوم، اهدای لوح تقدیر + کمک هزینه‌ی سفر به سوریه به مبلغ ۳ میلیون ریال
- ده نفر سوم، اهدای لوح تقدیر + کمک هزینه‌ی سفر به عتبات عالیات به مبلغ ۲ میلیون ریال
- ده نفر چهارم، اهدای لوح تقدیر + کمک هزینه‌ی سفر به مشهد مقدس به مبلغ ۱ میلیون ریال

#### ● شرایط:

۱. آثار ارسالی باید فقط در قالب نوشتاری «خاطره» باشد، بنابراین آثاری که در قالب داستان تخیلی، مقاله و... باشد، داوری نمی‌شود.
۲. معیارهای ارزیابی خاطره‌ها عبارتند از:  
«بکر و تازه بودن موضوع»، «کشش و جذابیت»، «محتوای غنی آموزشی»، «نثر و زبان مناسب» و «سندیت (ذکر زمان و مکان)».
۳. موضوع خاطره باید در چارچوب:  
الف - شیوه‌های یادگیری خلاق؛  
ب - روش موفق یا ناموفق برای ترویج نماز بین دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی در موقعیت‌های گوناگون، شامل کلاس درس، جشن تکلیف، نمازخانه، اردو و... باشد.
۴. حجم و تعداد خاطره‌های ارسالی، به تصمیم شرکت‌کنندگان در مسابقه بستگی دارد.
۵. زمان ارسال خاطره‌ها حداکثر تا پایان فروردین ۱۳۸۷ است.
۶. شرکت‌کنندگان باید اصل یا کپی برگه‌ی مشخصات خود را که در بروشور مسابقه آمده است، تکمیل کنند، و ضمن الصاق یک قطعه عکس ۲×۳، همراه با خاطره‌ها که با خط خوانا و ترجیحاً به صورت حروف چینی تهیه شده است، به نشانی دبیرخانه‌ی مسابقه، ارسال نمایند.

- خاطره‌های برگزیده به صورت کتاب منتشر خواهد شد و طی مراسم ویژه‌ای در آبان‌ماه ۱۳۸۷ از پدیدآورندگان آثار منتخب، تجلیل خواهد شد.
- برای تهیه‌ی بروشور مسابقه به دفتر آموزشگاه مراجعه نمایید.

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان سبهدرگنی، ساختمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش، طبقه‌ی سوم، ستاد اقامه‌ی نماز، کدپستی: ۱۵۹۹۹

تلفن: ۸۲۲۸۱-۰۲۱ (داخلی ۲۲۸۵)

# آفتاب روبه پنجره‌های

مسابقه‌ی خاطره‌نویسی  
تجربه‌هایی من در آموزش و ترویج نماز  
بین دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی

